

A decorative border with intricate floral and vine patterns, featuring a scalloped top edge and a pointed bottom edge, framing the central text.

# ستاره زین

ویژه شعبان ۹۴



تکلیف مداحان یاس میبود

◀ ستاره زمین

◀ ویژه شعبان ۹۴

◀ نام کتاب: ستاره زمین - ویژه شعبان ۹۴  
موضوع: گزیده اشعار و سرودهای ماه شعبان

ناظر کیفی اشعار: سید مهدی حسینی  
گردآورندگان: مرتضی نظری - محمد جواد پیژوه  
ناشر: انتشارات ندای ملکوت  
طراح جلد: علیرضا زهره‌وند  
صفحه آرا: مجید اکبرزاده  
تیراژ: ۸۰۰ جلد  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۳-۷۵-۱  
نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۹۴  
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

مراکز پخش: تهران - بزرگراه بسیج - خ شهید رحیمی - سازمان بسیج  
مداحان - مدیریت آموزش  
تلفن: ۳۵۹۴۷۷۳۸ - ۰۲۱ و ۰۹۱۲۵-۲۳۲۱۳  
تهران - میدان هفت تیر - خیابان مفتاح جنوبی - خیابان ورکش - پلاک  
هفت - تلفن: ۰۹۳۶۶۸۴۸۰۵۶  
قم - شهرک پردیسان مجتمع آیت‌الله سیستانی - تلفن: ۰۳۸-۳۸۰۹۴۰۳ - ۰۲۵  
مشهد - بلوار مصلی - تلفن: ۳۶۸۹۱۲۲ - ۰۵۱۱  
تلفن: ۳۵۹۴۷۷۳۸ - ۰۲۱  
روابط عمومی: ۰۹۱۲۷۰۲۷۴۵۷  
نماینده: ۳۳۲۳۹۷۱۹ - ۰۲۱ سامانه پیام کوتاه: ۰۲۶-۶۶۰۰۰۰۰  
صندوق پستی: ۱۷۸۱۸۱۳۱۱۳

نشانی الکترونیکی: yasekabood.org@gmail.com

نشانی سایت: www.yas135.com www.yas135.ir

اینستاگرام: majma.yasekabood



۰۷	پیشگفتار
۱۳	بخش اول؛ منویات ولایت
۱۷	بخش دوم؛ وصیت نامه شهدا
۱۹	بخش سوم؛ اصول فنی
۲۳	بخش چهارم؛ در محضراساتید
۲۷	بخش پنجم؛ برگی از تاریخ
۲۸	فصل اول؛ میلاد عشق
۳۰	فصل دوم؛ ابوالفضائل
۳۳	فصل سوم؛ درس زندگی از سیدالساجدین <small>علیه السلام</small>
۳۵	فصل چهارم؛ شبه پیامبر
۳۸	فصل پنجم؛ میلاد موعود
۴۳	بخش ششم؛ اشعار پندیات

۵۳	بخش هفتم؛ اشعار منتخب
۵۴	فصل اول؛ ولادت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۶۲	فصل دوم؛ ولادت حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۸۰	فصل سوم؛ میلاد امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۹۱	فصل چهارم؛ میلاد حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۱۰۰	فصل پنجم؛ میلاد امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	بخش هشتم؛ گلچین مجالس مداحان
۱۲۲	فصل اول؛ میلاد امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۴۳	فصل دوم؛ میلاد حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۱۶۲	فصل سوم؛ میلاد امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۶۷	فصل چهارم؛ میلاد حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۱۷۴	فصل پنجم؛ ولادت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۰۵	بخش نهم؛ سبک های یاس کبود

# پیشگفتار

امروز، خورشید مهربان تر از همیشه بیدار می‌شود. روز از شانه‌های تو آغاز می‌شود تا جهان، بزرگی‌ات را ببیند؛ چون بزرگی ابراهیم خلیل علیه السلام در برابر بتانی که فرو ریختند.

ملکوت را در دست‌هایت به تماشا می‌گذارند تا رسولان بی رسالت دنیا زده، بهشت را پیچیده در قنوت به تماشا بنشینند. جهان، خلاصه‌ای از لبخند توست که امامت را تمام آبشارها قیام می‌کنند و جنگل‌ها قامت می‌بندند.

بزرگی؛ چون پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله. بزرگی؛ چون وحی، چون پدران تو ردای پیامبر صلی الله علیه و آله بر دوشت آواز عدالت سر می‌دهد و شمشیر سز شکافته پدر بزرگوارت علی علیه السلام، در دست‌هایت مشق عشق می‌کند.

چشم‌هایت بوی مهربانی زهرا علیها السلام می‌دهد. امروز، روز بزرگی توست؛ بزرگی تو بزرگ تر از تمام پیامبران است. بزرگی تو سال‌ها خواهد بود؛ بزرگی تو از ازل آغاز شده و با ابدیت به پایان می‌رسد.

خدا از امروز، تو را بزرگ تر از هر کسی می‌خواهد. امروز از آن توست؛ مثل تمام فرداهای نیامده، مثل تمام دیروزها،

مثل تمام روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها. تمام فصل‌های سال، نامت را از بر کرده اند؛ مثل تمام درخت‌ها و آب‌ها.

امروز، روز آغاز مهربانی خداوند با دنیاست، روز مهربانی تو با جان‌های تشنه‌ما. امروز، روز آشنایی و آشتی لبخند و آینه‌هاست؛ روز شکوفا شدن گل‌های محمدی در دامنه نام شکوهمند تو. امروز، عطر گل‌های محمدی فراگیر می‌شود و باغ‌های عصمت، در شکوه امامت شکوفه خواهند کرد، با نفس‌های معطرت. امروز، فروردین‌ها از لبخند تو شکوفه خواهند داد و اردیبهشت‌ها با نفس‌هایت بهشتی می‌شوند.

ابدیت در تو خلاصه می‌شود و شادی، با لبخندت به نهایت کمال می‌رسد. بعد از امروز، جهان آغاز می‌شود؛ جهان از امروز، دوباره متولد خواهد شد.

پیش از این، نمرودها، روده‌های آتش را گرداگرد زمین شعله کشیده بود؛ اما امروز با تو دنیا سربلند بیرون می‌آید از این همه آتش طغیان.

مانند ابراهیم خلیل، آتش‌ها را گلستان کرده‌ای. امروز، نوح، کشتی نجاتش را به دست تو می‌سپارد تا سینه سخت‌ترین طوفان‌ها را به سمت ساحل‌های امن بشکافی.

ای منجی، ای یگانه منجی! از امروز، سکان هدایت بشر به دست توست. از امروز، شادی‌های ما آغاز خواهد شد؛ مثل غم‌های طولانی تو. بر ما ببار، ای رحمت بی‌کران خداوند!  
بر ما ببار که سال‌هاست کویر سینه‌هامان، تشنه باریدن زلال توست.

خدا کند که بیایی...



این کتاب شامل نه بخش کلی می باشد:

منویات ولایت  
 وصیت نامه شهدا  
 اصول فنی  
 در محضر اساتید  
 برگی از تاریخ که شامل پنج فصل می باشد:

میلاذ عشق  
 ابوالفضائل  
 سید الساجدین  
 شبه پیامبر  
 میلاذ موعود  
 اشعار پندیات

اشعار منتخب، که دارای پنج فصل می باشد:

ولادت امام حسین علیه السلام  
 ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام  
 ولادت امام سجاد علیه السلام  
 ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام  
 ولادت امام زمان عجل الله فرجه

گلچین مجالس مداحان که شامل پنج فصل می باشد:

ولادت امام حسین علیه السلام

ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام

ولادت امام سجاد علیه السلام

ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام

ولادت امام زمان علیه السلام

سبکهای یاس کبود

لازم به ذکر است:

بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است.

بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است.

همچنین قسمت گلچین مجالس، از مراسم مولودی که توسط مداحان اهل بیت علیهم السلام در ایام شعبان سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.

متن جزوه به ترتیب مناسبتهای ماه شعبان می باشد.

بخش اصول فنی گزیده‌ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.

بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی مجمع یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه شعبان در اختیار عزیزان قرار گیرد.

بخش سبکهای یاس کبود، از سبکهای تولیدی اعضای مجمع یاس کبود تهیه گردیده است.

نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:  
 هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:  
 دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت  
 ﷺ پیرامون مناسبت‌های ایام شعبان  
 در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه‌های اجرا شده  
 مناسبت‌های این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل  
 بیت ﷺ

دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبک‌هایی که در  
 محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده  
 دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری  
 مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده  
 باشد

اشعار متوسط و قوی به صورت توأمان در این مجموعه  
 ملاحظه خواهد شد.

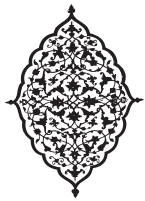
صوت برخی از اشعار - برای آشنایی ذاکرین محترم - در  
 سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا  
 ادبی، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده  
 است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه  
 اشعار به پاورقی‌ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.

در حد امکان و شناخت، سبک‌های نوحه و سرودی که از  
 نظر شرع مبین اسلام، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند،  
 حذف گردیده‌اند، اما در صورتی که مصداقی بین سبکها  
 و اشعار مشاهده شد که از روی سبک‌های غیرمجاز ساخته  
 شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع  
 فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیه عزیزانی که ما را از نقطه نظرات خود بهره‌مند می‌سازند، پیشاپیش تشکر و قدردانی می‌نماییم.

گروه جزوات فوق برنامه  
مجمع یاس کبود

بخش اول  
منویات و لایات

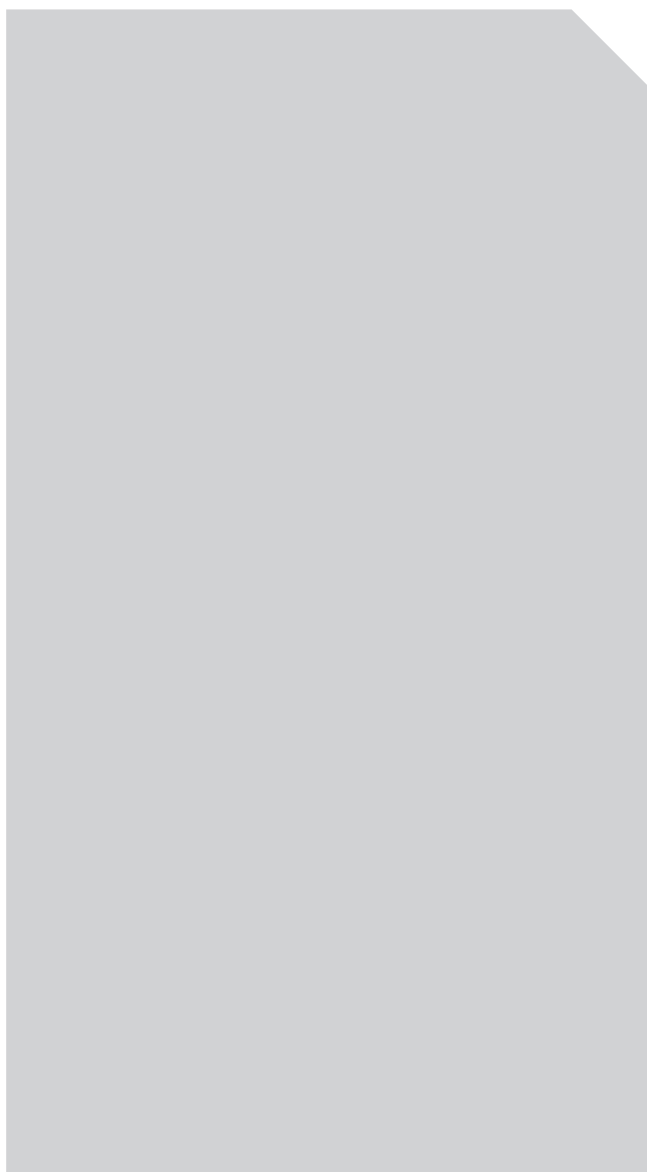


### نیاز جامعه

به جامعه نگاه کنید، ببینید جامعه به چه چیزی احتیاج دارد؟ اینها چیزهائی نیست که امروز برای امثال شما جوانها - که الحمدلله باسوادید، بافهمید، با بصیرتید - مخفی باشد. امروز مردم ما بحمدالله سطح فکرشان بالاست، ملت ما بلوغ فکری دارد؛ شما جامعه‌ی مداح هم همین جور. شما می‌دانید مردم به چه چیزی احتیاج دارند. امروز مردم به دین، به اخلاق، به ایمان راسخ، به بصیرت، به شناخت دنیا، به شناخت آخرت احتیاج دارند؛ همه‌مان احتیاج داریم. اینکه می‌گوئید فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در محشر وارد می‌شود، فضای محشر تحت تأثیر عظمت دختر پیغمبر قرار می‌گیرد، باید محشر را بشناسیم، قیامت را بشناسیم، هیبت جلال الهی را در محشر بدانیم؛ اینها معرفت می‌خواهد، اینها آگاهی می‌خواهد؛ قرآن هم پر است از بیاناتی که این معانی را به ما نشان می‌دهد، روایات هم همین جور. اینها را با زبان شعر، با همان هنری که در شما هست، بیان کنید.

### توجه به این نقاط ضروری است.

امروز ملت ما يك ملت تازه متولد شده‌ی در دنیای گرفتار است، با يك خلقت ديگر، با يك هيئت ديگر، با يك شاکله‌ی ديگر، با ابعاد وجودي نو. در دنیائی که همه‌ی عوامل برای دور کردن دلها و مردم از معنویت بسیج شده بودند و تلاش می‌کردند و همچنان می‌کنند، يك ملتی متولد شده است با زیربنای ایمان؛ این چیز کمی است؟ این مثل الماس می‌درخشد. هیچ لازم نیست ما پیرایه ببندیم؛ مثل خورشید نورافشانی می‌کند. ما يك چنین ملتی داریم. هم معنویت، هم آگاهی‌های دنیوی، هم زیور دانش، هم تلاش‌های سیاسی، هم کار درست تبلیغی، هم سازندگی خود، هم سازندگی جامعه، هم رسیدن به بنای اقتصادی، هم رسیدن به بنای اخلاقی؛ اینها همه جزو کارهای ماست. شما نگاه کنید ببینید در این بخش‌های گوناگون و متنوع، چه کار می‌توانید بکنید؛ چقدر می‌توانید آگاهی بدهید. شاعر ما متوجه به این نقاط باشد، گوینده‌ی ما متوجه به این نقاط باشد، مداح ما همین جور؛ ببینید چه اتفاقی می‌افتد.





بخش دوم؛  
وصیت نامه شهدا

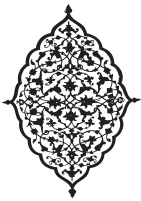
### امام را دعا کنید / نماز را سبک نشمارید

برادران وصیت من که البته بنده کوچک تر از آنم که وصیت بکنم؛ این است که امام را دعا کنید طول عمر همراه با عزت نفس و سلامتی جسم، از خدا برای امام گرانقدرمان طلب کنید. برادران؛ نماز را سبک نشمارید امام حسین علیه السلام وقتی در روز عاشورا ظهر شد با اینکه باران تیر به سویس می آمد ایستاد و نماز خواند، بعضی ها گفته اند با این باران تیر که نمی شود نماز خواند، امام حسین فرمود: اصلاً قیام ما به خاطر نماز بوده، چنان تعریف کرده اند که یکی از رزمندگان وقتی با امام زمان علیه السلام ملاقات کرد.

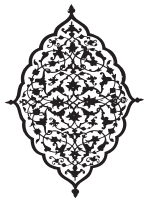
اگر شفاعت شدم، قول شفاعت شما را می دهم.

امام زمان به اول نماز خواندن امر کرد من از روی پدر و مادرم و برادرانم و دوستانم خجالت می کشم چون خیلی اذیت شان کرده ام انشاء الله که خداوند مرا مورد عفو قرار دهد و از همه طلب حلالیت می کنم و اگر خداوند مقام شفاعت را به من حقیر اعطا کند قول می دهم شفاعت شما را بکنم. پانصد تومان پول هم دارم که دو بیست تومان آن را به عنوان رد مظالم بدهید و بقیه را به جبهه ها کمک کنید. دیگر عرضی ندارم به امید دیدار.

سعید علی مددی



نخشب اولك  
اصول في



## مرحله دوم

### فراگیری دعا و زیارت خوانی

عرصه دیگری که ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در اوایل دوران مداحی خود به آن می‌پردازند؛ خواندن دعای توسل، زیارت عاشورا و دعای کمیل است؛ چراکه فضای بیشتری برای ارائه آن وجود دارد.

فراگیری دعا و زیارت در این مرحله، بیشتر ناظر به روخوانی و ترجمه برخی عبارات است و الا مناجات خواندن و تفسیر ادعیه و زیارات از مراحل عالی مداحی است و نیازمند علم، تجربه و تبحر بالایی است، که ان شاء الله با تلاش و مرور زمان به دست خواهد آمد.

در فصل اقسام مجلس به تفصیل پیرامون مجالس ادعیه و زیارات بحث خواهیم کرد، و اما در این بخش از مباحث کلیاتی را پیرامون این مرحله بیان می‌نماییم.

خواندن مناجات و ادعیه و زیارات است معمولاً به دو روش برگزار می‌گردد.

الف) سنتی

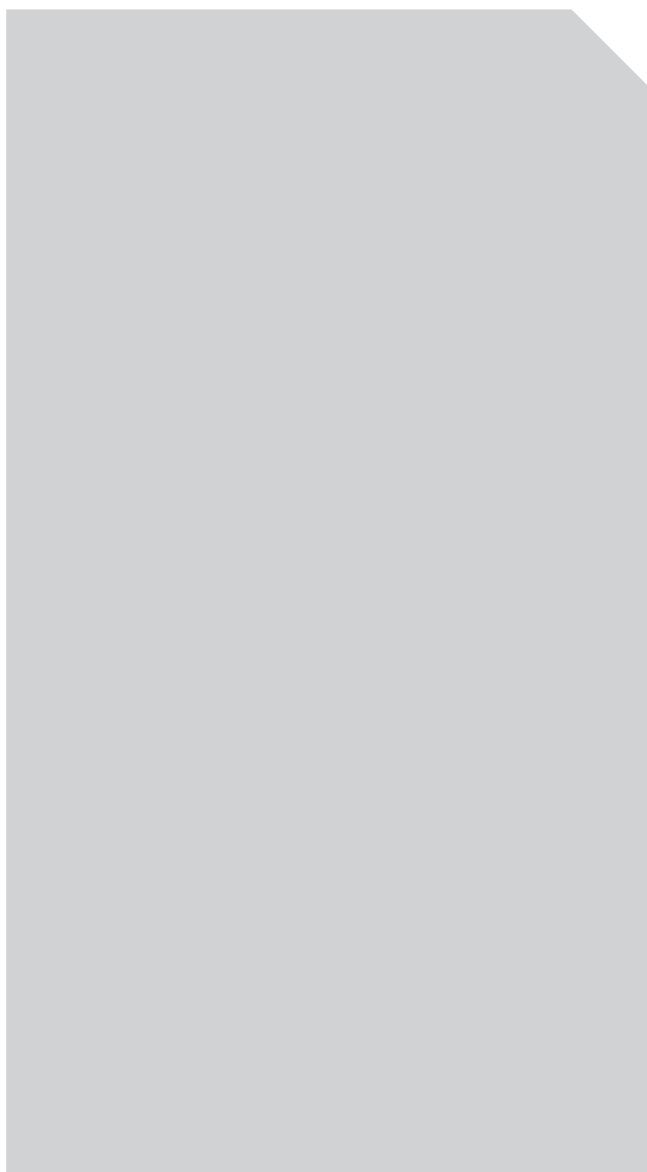
ب) نو

## الف) سنتی

در این روش زمان محدودی برای برنامه در نظر گرفته می‌شود و از جهت سبکی يك نظام کلی منسجمی وجود دارد و تفسیر عبارات دعا و زیارت و روضه خوانی، در بخشهای مشخصی صورت می‌گیرد. معمولاً این روش در محافلی کاربرد دارد که مداح مستمع ثابت و اهل فن ندارد.

## ب) نو

در این روش زمان برنامه نامحدود است، از جهت سبکی يك نظام کلی منسجمی وجود ندارد و گریزهای سبکی مختلفی به تناسب مجلس صورت می‌گیرد و عبارات دعا و زیارت، در هر بخش ممکن است تفسیر شود. معمولاً این روش در محافلی کاربرد دارد که مداح مستمع ثابت و اهل فن دارد. توصیه می‌کنیم ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام ابتدا به فراگیری روش سنتی خواندن ادعیه و زیارات بپردازند؛ چراکه اکثر محافل شرایط محافل سنتی را دارند و علاوه بر این خواندن ادعیه و زیارات به روش نو نیاز به تجربه، علم و تبحری است که کسب آن گذشت زمان را می‌طلبد. بهترین الگو برای تقلید در این مرحله، روش حاج مهدی سماواتی به نظر می‌رسد.



بخش چهارم:  
دانشگاه اساتید

### شبهه‌ترین مردم به پیامبر و امیرالمومنین علیه السلام

تعبیری که در مورد امیرالمومنین علیه السلام از لسان نورانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام از لسان نورانی امام حسین علیه السلام نقل شده است. و شاید این اتحاد در عنوان یک مطلبی را برای ما ثابت کند و یا نتیجه‌ای به ما بدهد. عناوینی که برای امیرالمومنین علیه السلام است برای علی اکبر علیه السلام هم می‌توان به کار برد؛ چرا که به تعبیر بزرگان ما فرمودند اگر پیغمبری ختم نشده بود علی اکبر علیه السلام پیغمبر بود. بنا بر کلام نورانی امام حسین علیه السلام که *أشبه الناس خلقاً و خُلُقاً و مَنْطِقاً بِرَسُولِكَ*. بعد از ۲۵ سال وقتی امیرالمومنین علیه السلام به خلافت رسیدند وقتی دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام وضو می‌گیرد، همه گفتند الله اکبر هده وضوء النبی! یعنی علی علیه السلام را پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌دیدند. در دو جا نقل کردند وقتی علی اکبر علیه السلام را دیدند او را در جمال پیغمبر صلی الله علیه و آله دیدند. یک نصرانی وارد مدینه النبی شد. خواست وارد مسجد شود ولی جلوی او را گرفتند، گفتند شما نمی‌توانی وارد مسجد شوی، ورود غیر مسلمان به مسجد النبی ممنوع است. گفت من دیشب در عالم رویا مسلمان شدم. پیغمبر شما و مسیح به خواب من آمدند و



مرا دعوت به اسلام کردند. گفتند اینجا چکار داری؟ گفت آمدم بینم کسی از نوادگان پیغمبر هست که او را بینم. اصحاب نشانی خانه امام حسین علیه السلام را به او دادند. خدمت امام حسین علیه السلام رسید و سوالاتی از حضرت می‌کرد و جواب می‌گرفت. در اینجا نوشتند علی اکبر علیه السلام وارد حجره شد، همین که این مرد مسیحی مسلمان شده علی اکبر علیه السلام را دید، از جای خودش بلند شد و صدا زد این همان آقای است که من دیشب در عالم رویا دیدم. آیا این خود پیغمبر است؟!

در بعضی از کتب مقتل ما هم دارد که حدود دوهزار نفر از دشمنانی که در لشکر عمر سعد بودند که بالای ۶۰ سال سن داشتند، اینها وقتی علی اکبر علیه السلام را در میدان دیدند، شمشیرهایشان را زمین گذاشتند و گفتند ما با پیغمبر صلی الله علیه و آله نمی‌جنگیم! گفتند پیغمبر صلی الله علیه و آله پنجاه سال پیش از دنیا رفته. گفتند ما پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدیم، سوار بر اسب شدن پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدیم، شمشیر به دست گرفتن پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدیم، رجز خوانی پیغمبر صلی الله علیه و آله را هم دیدیم؛ این کسی که در میدان هست، خود پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

### علیٌّ مَمْسُوسٌ فِی ذَاتِ اللَّهِ

جمله‌ای که مخصوص خود امیرالمومنین علیه السلام است و شاید بالاترین عنوانی است که در روایات برای فضیلت امیرالمومنین علیه السلام آورده شده است، این است که گفتند علیٌّ مَمْسُوسٌ فِی ذَاتِ اللَّهِ<sup>۱</sup>. علی مَمْسُوسٌ است با ذات خود خدا. عین همین جمله در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام هم بکار رفته است. وقتی که روز عاشورا آمد اذن میدان بگیرد، حضرت فرمودند برو با محارم خودت وداع کن. وقتی داخل خیمه آمد با اهل حرم وداع کند، همه گفتند لا تذهب... ارحموا غربتنا؛ نرو... به غریبی ما رحم کن؛ یعنی اینکه تا علی اکبر بود، اهل حرم احساس غربت نمی کردند، یعنی خیالشان راحت بود. در ادامه آمده است که ابی عبدالله علیه السلام دید وداع علی اکبر علیه السلام طولانی شد، آمد پرده خیمه را کنار زد. دید همه دور علی اکبر علیه السلام را گرفتند و اجازه نمی دهند به میدان برود. حضرت فرمودند: دَعُوهُ فَإِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِی ذَاتِ اللَّهِ؛ رهایش کنید، پسرم در ذات خدا مَسُوسٌ است، او حواسش جای دیگری است.

وقتی روایتی که منحصرأً به امیرالمومنین علیه السلام اختصاص دارد، امام حسین علیه السلام در مورد فرزندش به کار می برد، یعنی همانطور که او شبیه ترین به پیغمبر صلی الله علیه و آله هست، شبیه ترین به امیرالمومنین علیه السلام هم هست. چون امیرالمومنین علیه السلام نفس پیغمبر صلی الله علیه و آله است. فلذا همه عبارات زیارت غدیریه را هم می توان برای علی اکبر علیه السلام هم به کار ببریم.

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۹، ص ۳۱۳.

بہارِ نبویؐ  
بہارِ انبیاء

## فصل اول؛ میلاد عشق

### نامگذاری

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را «حسین» نامید همان گونه که برادرش را «حسن» نام نهاد، مورخان می‌گویند: عرب در جاهلیتش این دو نام را نمی‌شناخت تا فرزندان خود را به آنها بنامند بلکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنان را به وحی از آسمان به این نام‌ها نامگذاری فرمود.<sup>۱</sup>

### اذان و اقامه

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسین را در آغوش گرفت و در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپ او اقامه خواند. در خبر آمده است که: «این عمل، نگهدارنده نوزاد از شیطان رجیم است»<sup>۲</sup>

۱. اسد الغابة، ابن اثیر، ج ۲، ص ۹؛ تاریخ خلفا، رسول جعفریان، ص ۱۸۸.  
 ۲. علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «برای هرکس نوزادی به دنیا آید، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه بخواند؛ زیرا آن برایش عصمتی است از شیطان رجیم». و مرا در مورد حسن و حسین به این کار امر فرمود و اینکه با اذان و اقامه، فاتحه کتاب، آیه الکرسی، آخر سوره حشر، سوره اخلاص و معوذتین را بخواند. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ج ۱، ص ۱۴۸.

### عقیقه

پس از گذشت هفت روز از تولد سبط پیامبر ﷺ آن حضرت دستور داد تا گوسفندی را برایش عقیقه کنند و گوشتش را برای فقرا تقسیم نمایند.<sup>۱</sup>

### اندوه میلاد

هنگامی که مژده تولد امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم داده شد، بلا فاصله به خانه دخترش فاطمه علیها السلام شتافت و در حالی که قدمهایش را سنگین بر می داشت و غم و اندوه بر او چیره گشته بود، با صدایی گرفته و اندوهناک صدا زد: «ای اسما! پسر من بیار.»

اسما، وی را به آن حضرت داد، پیامبر در حالی که گریه می کرد او را در آغوش گرفت و بسیار بر او بوسه زد. اسما پریشان شد و گفت: «پدر و مادرم فدای تو باد از چه رو می گیری؟!»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که چشمانش از اشک پر بود، به وی پاسخ داد: «بخاطر پسرم گریه می کنم»، اسما گفت: «او هم اکنون به دنیا آمده است.»

پیامبر با صدایی پر از غم و اندوه به وی پاسخ داد: «بعد از من گروهی ستمکار او را می کشند، خداوند شفاعتم را از آنان دور سازد...». سپس به اسما فرمود: «از این موضوع به فاطمه چیزی مگو...»<sup>۲</sup>

۱. مستند امام زید، زید بن علی، ص ۴۶۸.

۲. همان.

## فصل دوم؛ ابوالفضائل

عباس عليه السلام در کلام زین العابدین عليه السلام

«رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُمَا جِنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جُعِلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛ وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَنزِلَةً يَغِيظُهُ بِهَا جَمِيعَ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»<sup>۱</sup>

امام سجاد عليه السلام می فرماید: خداوند رحمت کند عمویم عباس بن علی را که به تحقیق ایثار و جانبازی کرد و جنگ نمایانی نمود و خود را فدای برادرش ساخت تا اینکه دستانش قطع شد و خداوند در مقابل بسان عمویش جعفر طیار دو بال به او عنایت کرد تا با آنها با ملائکه در بهشت پرواز نماید و همانا عباس عليه السلام نزد خداوند تبارک و تعالی منزلتی دارد که جمیع شهدا در روز قیامت بر او غبطه خورند و تمنای مقامش را نمایند.

۱. مقاتل الطالبین، ابن هبیش، ص ۸۴.

### زیارتنامه حضرت عباس علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام در فراز نخست اذن ورود به حرم حضرت عباس علیه السلام می‌فرماید: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و سلام پیامبران مرسل و بندگان شایسته اش و سلام تمام شهیدان و صدیقان، سلام هایی پاک و طیب، در صبحگاهان و شامگاهان بر تو باد ای فرزند امیرالمومنین علیه السلام.<sup>۱</sup>

شهادت می‌دهم که نسبت به جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مقام تسلیم بودی، حضرتش را تصدیق نمودی و در شأن وی وفا ورزیدی و خیرخواهی نمودی.<sup>۲</sup>

سپس امام صادق علیه السلام تنها حضرتش را در میان سایر شهیدان به این خطاب مخاطب فرموده که خدا لعنت کند آن را که حق تو را شناخت و حرمت تو را پاس نداشت از این عبارت معلوم می‌شود که سایر شهدا به این میزان از فضیلت دست نیافته اند، هرچند هر کدام را حق و حرمتی عظیم است.<sup>۳</sup>

خداوند برترین و بیشترین و وافرترین و کامل ترین پاداش کسی را از میان آنان (مجاهدین و شهدای حق) که به پیمانشان وفا نمودند، دعوت او را پذیرفتند و از ولی امر خود طاعت کردند به تو ارزانی فرماید. شهادت می‌دهم که محققاً تو در خیرخواهی سر حدّ تلاش را نمودی و نهایت

۱. سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشَّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ [وَ الزَّكَايَا الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَعْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ]

۲. أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

۳. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ. ترجمه (العباس)،

علامه مَقْرَم، صفحه ۲۳۱.

کوشش را انجام دادی، پس خداوند تو را در جمع شهدا و روح را با ارواح نیک بختان قرار داد و وسیع ترین منزل و برترین غرفه را در بهشت به تو بخشید.<sup>۱</sup>

### نافذ البصیره

كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلِبَ الْإِيمَانِ جَاهِدًا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا إِمَامًا صَادِقًا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود: عمویمان عباس علیه السلام، نگاهی ژرف و ایمانی استوار داشت همراه امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیکو از آزمایش عبور کرد و به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

۱. فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَأَطَاعَ وَوَلَاةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْظَمْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ فَبِعَمَلِكَ اللَّهُ فِي الشَّهَادَةِ وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَزْوَاجِ السُّعْدَاءِ وَأَعْظَمَكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنَزِلًا وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ. كامل الزيارات، ابن قولويه، صفحه ۲۵۷.

۲. سرالسلسله العلويه، بخاری، صفحه ۸۹.



## فصل سوم؛ درس زندگی از سیدالسااجدین علیه السلام

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: علی بن الحسین علیه السلام شبانه مقداری غذا بر دوش خود گذاشته و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می‌رساند و می‌فرمود: «صدقه‌ای که در تاریکی شب داده شود غضب خداوند را خاموش می‌کند.»<sup>۱</sup> محمد بن اسحاق می‌گوید: مردمی در مدینه زندگی می‌کردند و نمی‌دانستند معاش آنها از کجا تأمین می‌شود؛ با درگذشت علی بن الحسین علیه السلام غذای شبانه آنان قطع شد.<sup>۲</sup>

ابن سعد می‌نویسد: چون مستمندی نزد او می‌آمد، برمی‌خواست و حاجت او را روا می‌کرد و می‌فرمود: «صدقه پیش از آنکه به دست خواهنده برسد، به دست خدا می‌رسد.»<sup>۳</sup>

سالی قصد حج کرد، خواهرش سکینه توشه‌ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت، چون به حره رسید، آن

۱. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۴، ص ۳۹۳.

۲. همان.

۳. طبقات، محمد بن سعد، ج ۵، ص ۱۶۰؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، ص

۱۴۸.

توشه را نزد او بردند، امام همه آنرا بر مستمندان پخش فرمود.<sup>۱</sup>

پسر عموی مستمند داشت، علی بن الحسین علیه السلام شب هنگام چنانکه وی او را شناسد، نزدش می‌رفت و چند دینار بدو می‌بخشید آنمرد می‌گفت: علی بن الحسین علیه السلام رعایت خویشاوندی را نمی‌کند، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می‌شنید و شکیبائی و بردباری می‌کرد و خود را بدان خویشاوند نمی‌شناساند. هنگامی که امام از دنیا رفت آن احسان از آن مرد بریده شد و دانست که آن مرد نیکوکار علی بن الحسین علیه السلام بوده است پس بر سر مزار او می‌رفت و گریه می‌کرد.<sup>۲</sup>

ابونعیم نویسد: دو بار مال خود را با مستمندان قسمت کرد و گفت: خداوند بنده مؤمن گناهکار توبه کار را دوست دارد.<sup>۳</sup>

وقتی مستمندی نزد او می‌آمد، می‌فرمود: مرحبا به کسی که توشه مرا به آخرت می‌برد.<sup>۴</sup>

۱. کشف الغمه، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۲، ص ۷۸؛ صفة الصفة، ابن جوزی، ج ۲، ص ۵۴؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، ص ۱۴۸.

۲. کشف الغمه، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۲، ص ۱۰۷؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۳ ص ۱۴۰؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، ص ۱۴۸.

۳. همان کتاب، ص ۱۳۶؛ طبری، محمد بن جریر طبری، بخش ۳، ص ۲۴۸۲؛ طبقات، محمد بن سعد، ج ۵، ص ۱۶۲؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، ص ۱۴۸.

۴. کشف الغمه، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۲، ص ۷۷؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۴؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ص ۱۳۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ص ۱۳۷؛ زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، ص ۱۴۸.

## فصل چهارم؛ شبه پیامبر

حضرت علی اکبر علیه السلام بنا به روایتی در یازدهم شعبان<sup>۱</sup> سال ۴۳ قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام حسین علیه السلام و مادر محترمه اش لیلی بنت ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است.<sup>۲</sup>

### سیمای ظاهری علی اکبر علیه السلام

قیافه اش با ابهت بود و چون ماه تابان می درخشید و به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. از چهار شانه بلندتر و از بلندکوتاهتر. رنگی روشن و به سرخی آمیخته و چشمانی سیاه و گشاده و مژه هایی پر مو داشت، اندامش متناسب و معتدل و سینه و شانه اش پهن بود.

به سرعت راه می رفت و هنگام راه رفتن چنان بود که گویی از زمین سراسیب فرود می آید یا از روی سنگی به نشیب می رود. چون به طرف کسی بر می گشت با تمام بدن بر می گشت. نگاهش به زمین بود و بوی مشک و عنبر از او

۱. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی، ج ۵، ص ۳۸۸.

۲. أعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و امّ علی مشکور، ص ۱۲۶؛ مقاتل الطالبین،

ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۲.

بلند بود.<sup>۱</sup> از این رو، بود که امام حسین علیه السلام او را شبیه ترین مردم در خلقت و آفرینش، اخلاق و صفات روحی، گفتار و آداب اجتماعی به رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی می‌کرد.

### مقامات علی اکبر علیه السلام

#### نقل حدیث

از آنجا که از جد خود امام علی علیه السلام سخنان بسیاری روایت می‌کرد، به عنوان محدث شناخته شد.<sup>۲</sup>

#### حمایت علی اکبر از امام حسین علیه السلام

در روز عاشورا هنگامی که علی اکبر علیه السلام وارد میدان کربلا شد. مردی فریاد زد: «ای علی! تو با امیرالمؤمنین (یزید) نسبت خویشاوندی داری و ما قصد ملاحظه و مراعات حال خویشان او را داریم، اگر بخواهید شما را امان می‌دهیم.» آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّ قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ تُرْعَى<sup>۳</sup>» رعایت خویشاوندی رسول خدا به حقیقت نزدیک‌تر است.

#### نخستین شهید بنی هاشم

وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود؛<sup>۴</sup> در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ.<sup>۵</sup>

۱. فرسان الهیجاء، ذبیح الله محلاتی، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۲. مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ص ۸۶.

۳. ترجمة الحسين، ابن عساکر، ص ۲۲۷.

۴. مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ص ۸۶؛ وقعة الطف، ابی مخنف، ص ۲۷۶.

۵. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۸۶۷.

### استواری در مسیر حق

در منزل بنی مقاتل امام حسین علیه السلام اندکی به خواب رفت و بعد از بیدار شدن عبارت «اَنَا لَلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را تکرار می‌فرمود، علی اکبر علیه السلام از علت این کار سوال کرد امام علیه السلام پاسخ داد: پسرم! مرا خواب ربود، ناگاه شنیدم سواری می‌گوید: این قوم حرکت می‌نماید و مرگ آنها را تعقیب می‌کند، از این گفتار فهمیدم که مرگ ما فرا خواهد رسید. علی اکبر علیه السلام گفت: پدر جان! خداوند بر شما بدی نبیند، مگر ما بر حق نیستیم؟ امام علیه السلام فرمود: آری، به حق آن کسی که همه بندگان به سوی او باز می‌گردند. علی اکبر علیه السلام گفت: ای پدر! در هنگامی که بر حق استوار باشیم از مرگ ابائی ندارم. امام علیه السلام در حق علی دعای خیر فرمود: «خداوند بهترین اجر و پاداش فرزندی را از جانب پدر به فرزند خویش به تو عنایت فرماید.»

## فصل پنجم؛ میلاد موعود

داستان ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام به دو گونه روایت شده است، لکن آنچه با قرائن و روند طبیعی مسأله سازگارتر می‌آید آن است که: حکیمه خاتون خواهر امام هادی علیه السلام کنیزان فراوان داشت. امام هادی علیه السلام یکی از آنان را به نام «نرجس» که از آغاز زیر نظر وی فرائض و معارف دینی را به درستی فرا گرفته بود، به نامزدی فرزندش در آورد و با مقدماتی که در کتابهای تاریخی آمده است، به عقد ازدواج امام حسن علیه السلام در آورد.<sup>۱</sup>

### میلاد موعود

مدتی از این ازدواج مبارک گذشت و دوستان و شیعیان در انتظار ولادت آخرین ستاره امامت، روز شماری می‌کردند؛ امام حسن علیه السلام گه گاه نوید مولودش را به یاران می‌داد: «...سیرزقنی الله ولدا بمنه و لطفه<sup>۲</sup>» به زودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد کرد.

۱. کمال الدین، محمد بن علی ابن بابویه: ۴۱۷ - ۴۲۳؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱،

۲۵۱۲؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ۲۷۲.

۲. اثبات الوصیه، مسعودی، ۲۶۸ - ۲۷۰.

حضرت با تلاوت مکرر آیه: « يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. ۱ » به یاران امید و بشارت می‌داد که هیچ نقشه و مکرری نمی‌تواند جلو این قدرت و حکمت خداوندی را بگیرد و روزی این وعده به تحقق می‌رسد.

از آن سو دشمن نیز آنچه در توان داشت به کار گرفت تا این وعده بزرگ الهی تحقق نیابد: قابله‌های فراوانی در خانواده‌های منسوب به امام حسن علیه السلام به ویژه در منزل امام گمارد، امام را بارها به زندان افکند، مأمورانی را گمارد که اگر فرزند پسری در خانه امام دیدند، نابودش کنند و...<sup>۲</sup> اما بر خلاف این تلاشها، نجس خاتون حامل نور امامت شد و جز امام حسن علیه السلام و افراد خاصی از وابستگان و شیعیان آن حضرت، از این امر آگاه نشدند. تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی ستمگران پیروز شد و در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق. آن مولود قدم به عرصه وجود نهاد و نوید امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان را داد.<sup>۳</sup>

امام حسن علیه السلام که آرزوی خود را بر آورده دید، فرمود: «زعمت الظلمه انهم يقتلونى ليقطعوا هذا النسل فكيف رأوا قدرة الله...<sup>۴</sup>» ستمگران بر این پندار بودند که مرا بکشند تا نسل امامت منقطع گردد اما از قدرت خداوند غافل بودند...

۱. الصف، آیه ۸.

۲. ینابیع الموده، قندوزی، ۴۵۵.

۳. الغیبه، نعمانی، ۲۳۷.

۴. همان: ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۹.

## مکان تولد و نگهداری

در این باره، چند احتمال وجود دارد:

الف. در سامرا به دنیا آمد و تا آخر عمر پدر بزرگوارش، در آن جا زیست.

ب. در سامرا متولد شد و پیش از درگذشت پدر به مکه فرستاده شد.

ج. در سامرا قدم به عرصه وجود نهاد و برای حفاظت و رشد او را به مدینه بردند.

د. در مدینه زاده شد و در همان جا ادامه حیات داد.

برای احتمال اول؛ دسته‌ای از روایات را که بیانگر تبریک و تهنیت شیعیان بر امام حسن علیه السلام است شاهد آورده اند؛ از جمله ابوالفضل الحسین بن الحسن العلوی می‌گوید: «دخلت علی ابی محمد علیه السلام بسرّ من رأی فهنأته بسیدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد.» - در سامرا به منزل امام حسن علیه السلام رفتم و ولادت سرورمان صاحب الزمان را به وی تبریک گفتم.

همچنین روایاتی که بیانگر دیدن امام زمان توسط گروهی از اصحاب در منزل امام حسن عسکری علیه السلام است؛ امام در پاسخ آنان که درخواست دیدن جانشین وی را دارند می‌فرماید: «... هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم اطمعوه ولا تتفرقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیانکم أما انکم لاترونه بعد یومکم هذا. قالوا: فخرجنا من عنده فما مضت الايام قلائل حتی مضی ابو محمد.»<sup>۲</sup> - پس از من این پسر

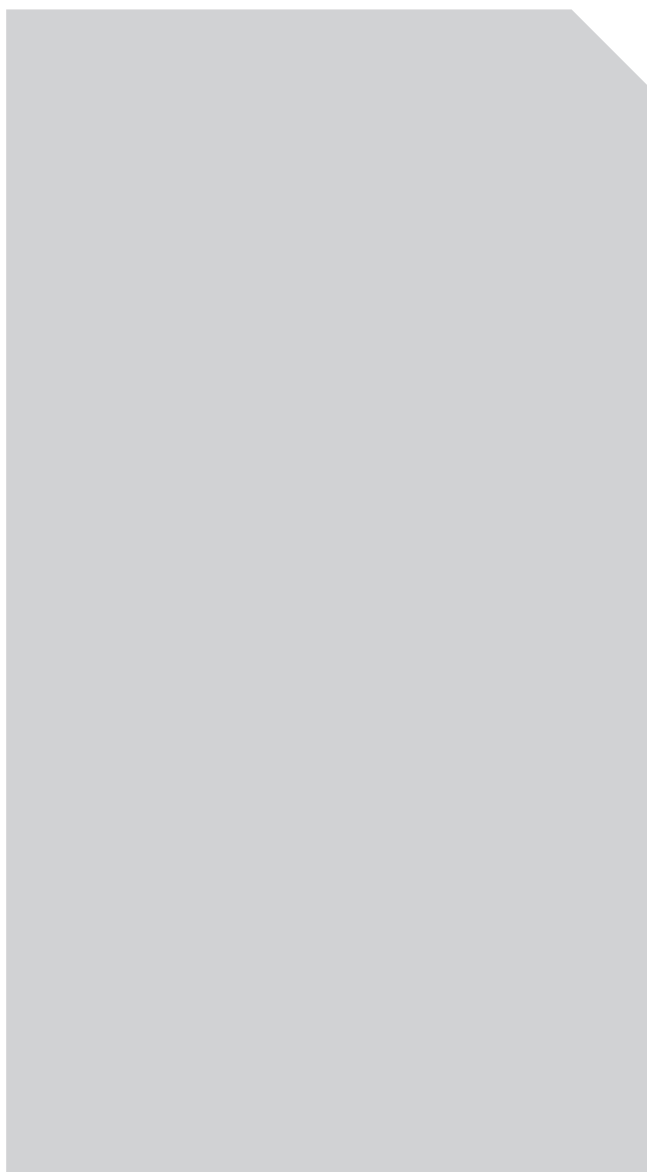
۱. کتاب الغیبة، نعمانی، ۲۳۰، ۲۵۱؛ کمال الدین، محمد بن علی ابن بابویه / ۴۳۴.

۲. سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲/۷۰۳.



امام شماست و خلیفه من است در میان شما. امر او را اطاعت کنید و از گرد رهبری او پراکنده نشوید که هلاک می‌گردید و دینتان تباه می‌شود. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهید دید.

آن جمع گفتند: از نزد امام بیرون آمدیم و روزی چند نگذشت تا اینکه امام حسن علیه السلام درگذشت.



بخش چشم؛  
اشعار ندیات

با خدا خواهی شوی نزدیک، از خود دور باش  
 قهر کن با تیرگی، آن‌گه رفیق نور باش  
 هر کجا رو آوری طور است «موسایی» بجو  
 بی خبر! موسی تو خود هستی مقیم طور باش  
 حور، زیبایی ندارد پیش زیبایی دوست  
 محوروی دوست شو، کمتر به فکر حور باش  
 گرچه در خود از خدا مأمورها داری بکوش  
 خود برای خود به دفع هر خطر مأمور باش  
 مار آژرد ز نیش و مور مانند زیر پا  
 خوی آدم خوش بود نه مار شو، نه مور باش  
 این سخن را از امیرالمؤمنین دارم به یاد  
 هر مصیبت تالب گور است، فکر گور باش  
 گاه دیدار خدا از پای تا سر، چشم شو  
 وز نگاه غیر او تا چشم داری کور باش  
 هر کجا دیدی که خواهند از خدا دورت کنند  
 تا قدم داری از آن دور از خدایان دور باش  
 بر طناب دار خود «میثم» چو میثم بوسه زن  
 نه به زر پابند، نه تسلیم حرف زور باش<sup>۱</sup>

با پا نتوان رفتن صحرای محبت را  
 بی خون نتوان خوردن مینای محبت را  
 دیوانه عاشق را دیوانه نباید خواند  
 رسوا نتوان گفتن رسوای محبت را  
 صد حاکم آب و گل دستش نرسد بردل  
 تسخیر نشاید کرد صحرای محبت را  
 ما در خور قهراو، او از ره مهر خود  
 بگشوده به روی ما درهای محبت را  
 در عالم زر بردند ما را به کلاس عشق  
 آنجا ز الف خواندیم تا یای محبت را  
 با آن همه زیبایی برخلد فروشد ناز  
 هر کس که کند سیر صحرای محبت را  
 صحرای قیامت را گلزار جنان بینی  
 گرباز کنی برخود درهای محبت را  
 خواهی که خدا بینی دانی که کجا بینی  
 هر جا که به پا بینی آوای محبت را  
 بردار بلا میثم<sup>۱</sup> اعلان ولا باید  
 با یار اگر خواهی سودای محبت را<sup>۲</sup>

۱. با حذف یک بیت

۲. غلامرضا سازگار

سال‌ها گفتیم و خندیدیم و از خود غافلیم<sup>۱</sup>  
 دل به دنبال هوس‌ها ما به دنبال دلیم  
 روز و شب دیوانه نفسیم و مست حُب مال  
 بدتر از این، این که پنداریم عقل کاملیم!  
 دل به قصرسنگ، خوش کرده نمی دانیم خود  
 عاقبت یک قبضه خاکیم یا مُشتی گلیم  
 بارها کُشتیم خود را با دم تیغ هوی  
 نفس دون را پرورش دادیم و خود را قاتلیم  
 نوح، ما را خواند و طوفان کلّ عالم را گرفت  
 کشتی از ما دور شد ما نیز دور از ساحلیم  
 گه به دور کعبه می‌گردیم و گاهی دور بت  
 گه مرید حقّ شده گاهی اسیر باطلیم  
 بارها منزل عوض کردیم تا پیری رسید  
 همچنان در فکر تجدید بنای منزلیم  
 بس که "میثم" شانه ما خسته از بار خطاست  
 در اطاعت ناتوان و در عبادت کاهلیم<sup>۲</sup>

۱. با حذف یک بیت

۲. غلامرضا سازگار

لب تشنهٔ محبت دریا نمی پسندد<sup>۱</sup>  
 مجنون حُسن دلدار لیلا نمی پسندد  
 بر کفش وصله دار مولا علی نوشته  
 این ملک بی بها را مولا نمی پسندد  
 گر پیرو غدیری بگریز از سقیفه  
 هر کس که این پسندید آن را نمی پسندد  
 در بین اهل دنیا مؤمن همیشه تنهاست  
 مردان آخرت را دنیا نمی پسندد  
 بی شبهه خود پسندی از خود کشی ست بدتر  
 نادان اگر پسندید دانا نمی پسندد  
 بانگ اذان شنیدن بر بی نماز سخت است  
 بی بند و بار هرگز تقوی نمی پسندد  
 دل بر علی سپردن بار گناه بردن  
 این شیوه را خداوند از ما نمی پسندد  
 محو جمال مولا با حور کی نشیند؟  
 مست سبوی کوثر صهبا نمی پسندد  
 گر صد هزار بارش دست و زبان بپزند  
 ”میثم“ به غیر مولا مولا نمی پسندد<sup>۲</sup>

۱. با حذف یک بیت

۲. غلامرضا سازگار

دیدار حق ز غیر خدا دل بریدن است  
 پای هوس ز بوالهوسی‌ها کشیدن است  
 از هر چه هست غیر خدا چشم خود ببند  
 این معنی جمال خداوند دیدن است  
 دانی چقدر فاصله حق و باطل است  
 فرقی که بین دیدن و بین شنیدن است  
 از اهل ظلم معنی مهر و وفا می‌رس  
 شاهین به فکر قلب کبوتر دریدن است  
 پاداش ظلم خودکشی ظالم است و بس  
 زالو هلاک گشتنش از خون مکیدن است  
 بی چشم تر، وصال رخ یار خواستن  
 از نخل خشک آرزوی میوه چیدن است  
 چون آسیا گرسنه به سرمی‌برد مدام  
 هر کس به فکر رزق خلایق جویدن است  
 از بد زبان مخواه به جز حرف نیش دار  
 عقرب همیشه عادت نحسش گزیدن است  
 معنای یار را به اجانب فروختن  
 عفریت را به حور بهستی گزیدن است  
 ”میثم“ جواب صابرشیرین سخن که گفت  
 یار رقیب دیده سزایش ندیدن است<sup>۱</sup>



دنیا چو یک دم است که آغازش آخراست<sup>۱</sup>  
 هفتاد سال عمر ز یک لحظه کمتر است  
 آینده‌ی نیامده اش جز سراب نیست  
 بگذشته یادواره‌ی داغ مکرر است  
 عمر گذشته پشت سرو مرگ پیش پا  
 کوه گنه به دوش و اجل در برابر است  
 جز یک کفن نمی‌بری از کل هست خویش  
 گیرم که کوه‌ها به سردست از زر است  
 دنیا! سرت به خاک و قدت خم که دیده‌ام  
 هر کس که شد برای تو خم، خاک بر سر است  
 ما راست خواب غفلت و دنیا بود شبی  
 تا چشم خویش باز کنی، صبح محشر است  
 باور کنیم روز قیامت دروغ نیست  
 مائیم و دادگاه و خداوند داور است  
 هر صبحدم که چشم گشایی به هوش باش  
 شاید که عمر طی شده و روز آخراست  
 ”میثم“ اگر خدات نبخشد، چه می‌کنی؟  
 هر چند عفو او ز گناهت فزون تر است<sup>۲</sup>

۱. با حذف یک بیت

۲. غلامرضا سازگار

دلت را خالی از کبر و ریا کن  
 سپس آن را حریم کبریا کن  
 ز تاریکی برآ و نور بنگر  
 به شیطان پشت نه رو بر خدا کن  
 اگر فیض وصال دوست خواهی  
 حساب خویش از دشمن جدا کن  
 خدا هر شب تو را می خواند ای دوست  
 تو هم یک شب خدایت را صدا کن  
 گنه در ملک او در محضر او  
 چه بی شرمی چه بی شرمی حیا کن  
 عطا دیدی خطا کردی همه عمر  
 بیا یک چند هم ترک خطا کن  
 گنه کردی و ادعونی شنیدی  
 بیا یکشب بخوان او را دعا کن  
 خدا آغوش بگشوده بسویت  
 باو بگریز و شیطان را رها کن  
 دل بیمار خود را تا نکشتت  
 بیاور با طبیبش آشنا کن  
 به درمانگاه ثارالله بازآ  
 تمام دردهایت را دوا کن

خدایی شو درون را پاک گردان  
 حسینی شو دلت را کربلا کن  
 حیات جاودان این است "میثم"  
 بیای دوست جان خود فدا کن!

بگذر ز جسم و حرمت جان را نگاه دار  
 دست از جهان بشوی و جهان را نگاه دار  
 یک حرف کفر خرمن دین را دهد به باد  
 کمتر سخن بگویی و زیان را نگاه دار  
 ای تاخته به جانب دوزخ تمام عمر  
 یک دم به خود بیا و عنان را نگاه دار  
 دین را اساس و پایه به جز حب و بغض نیست  
 در سینه این دو گنج نهران را نگاه دار  
 گنجی به پای گنج قناعت نمی رسد  
 تا بی نیاز سازدت آن را نگاه دار  
 تا پی بری به قدر گل و باغ و باغبان  
 فصل بهار یاد خزان را نگاه دار  
 تو از تبار دیو نه‌ای از فرشته‌ای  
 از اصل خویش نام و نشان را نگاه دار  
 خواهی که از تو پیر و جوان گیرد احترام  
 خود احترام پیر و جوان را نگاه دار  
 وقت گنه امام زمان بر تو ناظر است  
 پس حرمت امام زمان را نگاه دار  
 ”میثم“ به یاد سود و زیان حساب حشر  
 اینجا حساب سود و زیان را نگاه دار

بخش هفتم؛  
اشعار منتخب

## فصل اول؛ ولادت امام حسین علیه السلام

بر عرش دوباره زیب و زین آمده است  
 محبوب رسول ثقلین آمده است  
 از کنگره عرش به ذکر صلوات  
 گفتند حسینان حسین آمده است<sup>۱</sup>

شعبان مه با صفای خاتم باشد  
 میلاد سه آزاده عالم باشد  
 نذر قدم حسین و عباس و علی  
 ذکر صلوات ما دمام باشد<sup>۲</sup>

یک نیم رخت، آست منکم بیعید  
 یک نیم دگر آن عذابی لشدید  
 برگرد رخت نوشته یحیی و یمیت  
 من مات من العشق فقد مات شهید<sup>۳</sup>

۱. سید هاشم وفایی

۲. محمود ژولیده

۳. ابوسعید ابوالخیر

وقتی که آمدی به جهان عشق پا گرفت<sup>۱</sup>  
 آزادگی و عزت و غیرت بها گرفت  
 روزی که شمس طلعت رویت طلوع کرد  
 نورش تمام ارض و سما را فرا گرفت  
 وقتی قدم به عرصه گیتی گذاشتی  
 هستی ز یمن مقدم پاکت صفا گرفت  
 از برکت ولادت تو ای امیر جود  
 فطرس دوباره بال و پری از خدا گرفت  
 وقتی قرار شد که شود نام تو حسین  
 شهرمدینه عطر و بوی کربلا گرفت  
 روح الامین ز دیده خود اشک شوق ریخت  
 وقتی که بوسه از لب تو مصطفی گرفت  
 تصویری از محبت و عشق و علاقه بود  
 آن دم که روی دست، تو را مرتضی گرفت  
 وقتی که ماجرای غم و غربتت شنید  
 روز ولادتت دل خیر النساء گرفت  
 تا عرشیان به محضرت عرض ادب کنند  
 قنداقه شریف تو در عرش جا گرفت  
 آنروز غرق شور و شعف عالمین بود  
 ذکر لب ملک همه دم یا حسین بود

۱. با حذف هشت بیت

ای نور چشم ام ایبها خوش آمدی  
 ای مظهر شجاعت و تقوی خوش آمدی  
 ای پور هل اُتی پسر کوثر نبی  
 یاسین و کُهِف و فاطرو طاها خوش آمدی  
 بر سر در بهشت نوشتند قدسیان  
 صلِّ علیک سید و مولا خوش آمدی  
 آید صدای حضرت حق از فراز عرش  
 کای صاحب اختیار دو دنیا خوش آمدی  
 ای جبرئیل خادم صحن و سرای تو  
 شش گوشهٔ تو کعبهٔ دلها خوش آمدی  
 اعجاز انبیا همه با اذن از تو بود  
 ای مقتدای موسی و عیسی خوش آمدی  
 نام تو در زمان بلا ذکر نوح شد  
 یوسف چو دید روی تو را قبض روح شد

ای بحر لطف و جود تویی انتها حسین  
 شرمندهٔ عطای تو شاه و گدا حسین  
 ای شاهکار خلقت و خورشید بی غروب  
 ای منجلی ز روی تو نور خدا حسین  
 آنکس که وا کند گره از کار عالمی  
 با یک نگاه خویش تو هستی تو یا حسین  
 ای در جزا و روز حساب تمام خلق  
 سوی تو چشم سلسلهٔ انبیا حسین  
 آنانکه در عزای تو عمری گریستند  
 خوانند یکصدا همه آنجا تو را حسین



امشب بیا و دست دعا را بلند کن  
 بهر ظهور مهدی آل عبا حسین  
 در سینه شوق تربت شش گوشه ام بود  
 کی می‌بری مرا توبه کربلا حسین؟  
 این آرزوی هرشب و روز غلام توست  
 در وقت جان سپردن و مرگم بیا حسین  
 ای نام اعظمت به زبانم علی الدوام  
 «ما جاء غَيْرُاسْمِكَ فِي مُنْتَهَى الْكَلَامِ»

تو آمدی و دلبر اهل وفا شدی  
 آموزگار مکتب صبر و رضا شدی  
 بوسه گرفت از لب تو ختم الانبیا  
 دار و ندار حضرت خیرالنسا شدی  
 کم داشت خانواده زهرائیان تو را  
 تو آمدی و خامس آل عبا شدی  
 پیش از زمان آمدنت هم امیر عشق  
 خلوت نشین مادر آئینه‌ها شدی  
 آری تو با درخشش شمس جمال خویش  
 خورشید روز و ماه شب تار ما شدی  
 هر چند در مدینه دلی خوش نداشتی  
 اما چه شد که راهی کربلا شدی!

.....

مه منور شعبان مه رسول خداست  
 مه مبارك ميلاد سيدالشهداست  
 به رهروان هدايت ز حق رسیده خبر  
 که روی دست محمد عیان چراغ خداست  
 تمام دین به روی دست‌های ختم رسل  
 و یا کتاب خدا روی سینه زهراست  
 به عدل و عزت و آزادی و کمال و شرف  
 خلائقند همه تشنه، فیض او دریاست  
 ملک به حسن تماشائیش، شده مبهوت  
 که این امام حسین است یا رسول خداست  
 نسیم خلد برین می‌وزد ز اطرافش  
 که بوی عطر خدا در مشام باد صباست  
 اگر تمام ملائک ز گاهواره او  
 پر دوباره چو فطرس طلب کنند رواست  
 نبی به طلعت زیباش خنده کرد و گریست  
 خدا به یمن قدمش بهشت را آراست  
 ز گاهواره به گودال خون نگاهی کرد  
 به خویش گفت که میلاد ما شهادت ماست  
 تمام خلقت یک لحظه بی حسین مباد  
 که بی حسین زمین بی‌کس و زمان تنهاست

به حلق تشنه و لب‌های خشک او سوگند که خون او به گلستان وحی، آب بقاست گرفت جام بلا را ز دست حضرت دوست از آن تمام بلاها به چشم او زیباست مگو چرا ز همه هست خود گذشت حسین خدای داد به او هست و هست او را خواست آگرز بار غمش آسمان خمید چه باک که گشت قامت اسلام با قیامش راست وضو گرفت ز خون، پیش تیر قامت بست که تا قیام قیامت از او نماز به پاست همیشه حج به وجود حسین می‌بالد که کربلاش صفا بود و مروه شام بلاست نماز و روزه و حج و جهاد می‌گویند حیات ما همه مرهون سیدالشهداست به پور هند جگر خواره چون گشاید دست کسی که رشد و نم‌وش به دامن زهراست زهی جلال که در روی خون گرفته او به چشم اهل نظر صورت خدا پیدااست مگر نه خوردن خاک آمده به شرع حرام چه حکمتی است، چرا تربت حسین شفاست؟ به تحت قبه او کن بلند دست نیاز بگیر حاجت خود را که مستجاب دعاست همه به حشر صدا می‌زنند یا زهرا ولی ز فاطمه آید ندا، حسین کجاست

اگر چه سوم شعبان جمال خویش گشود  
 بدان ولادت او ظهر روز عاشورا است  
 قسم به ذات خداوند قادر بی چون  
 که خونبهاش خداوندگار بی همتاست  
 تمام اهل قیامت به چشم می بینند  
 حسین با تن بی سر شفیع روز جزاست  
 هنوز نغمه قرآن او بلند ز نی  
 هنوز نعره هیهات او به اوج سماست  
 هنوز خنجر قاتل ز خون اوست خجل  
 هنوز از عطشش، شعله در دل دریاست  
 هنوز ناله هل من معین اوست بلند  
 هنوز رأس منیرش به نیزه راه نماست  
 هنوز پرچم گلگون او به قلعه عرش  
 هنوز پیکر صد چاک او به دوش شماست  
 حسین رهبر آزادگان به هر عصری  
 حسین راه نمای تمام نهضت هاست  
 حسین مشعل تابنده هدایت خلق  
 حسین مصحف نور است و آیت عظماست  
 حسین جان دعا، جان ذکر، جان نماز  
 حسین روح حرم، روح مروه، روح صفاست  
 گواه زنده من، ارجعی الی ربک  
 که بر حسین همانا خدا مدیحه سراست  
 حسین سوره فجر و حسین آیه نور  
 حسین نجم فروزان حسین شمس ضحاست

حسین زندهٔ حق و حسین کشتهٔ حق  
 حسین بر همه باطل ستیزه‌ها مولاست  
 به وصف او که خدایش ثنا کند می‌شم  
 قصیدهٔ تو بود نارسا اگر چه رساست<sup>۱</sup>

## فصل دوم؛ ولادت حضرت ابا الفضل علیه السلام

تو عارف اولیا شناسی عباس  
 تندیس وفا، صفا شناسی عباس  
 درگوشه پرچمت نوشتی با خون  
 عبدالصالح، خداشناسی عباس<sup>۱</sup>

ای از همه انبیا درودت  
عالم همه بر در تو سائل  
شمشیر حسین و شیر حیدر  
رخسار تو ماه آل هاشم  
عشق از نفست وضو گرفته  
اوصاف تو بهترین عبادت  
پاینده ز توست تا قیامت  
ایثار، چراغ مکتب تو  
شد علم ز دور شیرخواری  
تو علم پدر به سینه داری  
ای دست علی در آستینت  
تو تشنه و آب را حیاتی  
ای قلب حسین حائرتو  
فرزند دو فاطمه اباالفضل  
تو آینه خدانمایی  
عالم همه یادواره تو  
مدح تو کند امام سجّاد  
پرواز تو در همه زمانها  
توحید، تمام سیرت تو  
وقتی که میان آب بودی

ای روح ائمه در وجودت<sup>۱</sup>  
فرزند علی! ابوالفضائل!  
سر تا به قدم حسین دیگر  
خود میرسپاه آل هاشم  
خون از رخت آبرو گرفته  
هر روز تو را شب ولادت  
توحید و نبوت و امامت  
دانش زده بوسه بر لب تو  
با شیر به سینه تو جاری  
تا عرش خدا زمینه داری  
آینه کبریا جبینت  
مصباح سفینه النجاتی  
زها شب جمعه زائر تو  
نازد به تو علقمه اباالفضل  
تو پشت ولی کبریایی  
هر روز بود هزاره تو  
این قدر و شرف مبارکت باد  
با خیل ملک در آسمانها  
سرمشق همه بصیرت تو  
لبخند به تشنگی گشودی

دریا به وفات آفرین گفت  
حقا که تونجل بوترا بی  
دریا ز غمت به پیچ و تاب است  
تنها نه ز آب درگذشتی  
دست و سرو چشم تو فدا شد  
ای سوره آیه آیه نور  
دست همگان به دامن تو  
میراث شجاعتت ز حیدر  
دنیا به هزار رنگ و نیرنگ  
آورد خط امان برایت  
او را ز درت به خشم راندی  
پیوسته حسین را تو دستی  
هرچند که هستی ات فدا شد  
روزی که امام عصر آید  
می بینمت ای حسین را یار  
آن روز تو با لوای نصری  
"میثم" به ثنات خو گرفته

در وصف تو آب، این چنین گفت  
لب تشنه تشنگی در آبی  
داغ لب تو به قلب آب است  
یک لحظه ز جان و سرگذشتی  
تقدیم به حجت خدا شد  
وی صحن و سرات، قبله طور  
قرآن ورق ورق تن تو  
ارث ادب بود ز مادر  
بگرفت ز حيله راه تو تنگ  
کز جان جهان کند جدایت  
در یاری دوست جان فشاندی  
تا حشر بر او برادر استی  
دست و سرت از بدن جدا شد  
بر خلق، ره فرج گشاید  
آن روز تویی بر او علمدار  
صاحب علم امام عصری  
از خاک تو آبرو گرفته



ای بام صبح، خورشید، ای شب، سحر مبارک  
 در دامن ستاره، قرص قمر مبارک  
 بر گلبن ولایت یاس دگر مبارک  
 طوبی ثمر مبارک، دریا گهر مبارک  
 میلاد ماه آمد، خورشید راه آمد  
 یوسف ز چاه آمد، میر سپاه آمد  
 شمشیر آل هاشم، شیر حسین و حیدر

دریای معرفت را در کف گهر ببینید  
 بعد از طلوع خورشید قرص قمر ببینید  
 شیر خدا علی را، شیر دگر ببینید  
 در ماه روی عباس، روی پدر ببینید  
 روح فتوت است این، جان محبت است این  
 دریای غیرت است این، سقای عترت است این  
 دادند بوالحسن را امشب حسین دیگر

گلبوسه ولایت، بر چشم و فرق و دستش  
 ناخورده شیر، دادند، پیمانۀ الستش  
 شد در نگاه اول، وقف حسین هستش  
 از اشک شوق لبریز، شد جام چشم مستش

از عشق رنگ و بوداشت، در مهد های و هو داشت  
با یار گفتگو داشت انگار آرزو داشت  
ناخورده شیر، گردد، قربانی برادر

اُمّ البنین گرفته، در دست ماهپاره  
ای آسمان بیفشان، در مقدمش ستاره  
آغوش یار بر او، گردیده گاهواره  
گوید هزار نکته، چشمش به یک اشاره  
من جان نثار یارم، سرروی دست دارم  
این قلب بی قرارم، این چشم اشکبارم  
از گاهواره روحم، در کربلا زند پر

در هر نی وجودم، آوای نی نوایی است  
شورم همه حسینی، عشقم همه خدایی است  
جانم، تنم، وجودم، دستم، سرم، فدایی است  
عالم همه بدانند، عباس کربلایی است  
ایثار دین و دینم، زخم است زیب و زینم  
مرگ است نور عینم، من عاشق حسینم  
کو مرگ تا بگیرم، او را چو روح در بر

دریای سرخ غیرت، روح وفاست عباس  
خون حسین یعنی، خون خداست عباس  
عشاق جان به کف را، فرمان رواست عباس  
باب الحوائج خلق، مشکل گشاست عباس

مهرو وفاش عادت، دلداده اش عبادت  
از لحظه ولادت، تا لحظه شهادت  
عشق حسین در دل، شور حسین در سر

ناخورده شیر مادر، زد ساغر بلا را  
در مهد ناز می‌دید، صحرای کربلا را  
خوشرترز شیر نوشید، صهای سرخ لا را  
از لحظه ولادت، بشنید این صلا را  
تو کشته ولایی، تو عاشق بلایی  
عطشان بحر لایی، سقای کربلایی  
زیید که بوسدت دست، شیر خدا مکرر

تا حشر می‌درخشد، در موج بحر، نامت  
در عین خشک کامی، دریاست تشنه کامت  
حسرت برند عشاق، در حشر بر مقامت  
از اولیا درودت، از انبیا سلامت  
خون برادر تو، جوشد به پیکر تو  
از پای تا سرتو، زهراست مادر تو  
بهر شفاعت آرد، دست تو را به محشر

ای تشنه لب تو، آب حیات، عباس  
باب المراد عباس، باب النجات، عباس  
گردیده دور قبرت، آب فرات، عباس  
خون خدات فرمود، جانم فدات، عباس

خوی حسین خویت، روی حسین رویت  
چشم حسین سویت، میثم گدای کویت  
لطفت نمی‌گذارد، او را برانی از در

صفحات امکان به هلال شعبان  
 ز تبسم گل ز نوای بلبل  
 دو پسر عطا شد به دو مام والا  
 دو یم عنایت دو مه هدایت  
 صلوات حیدر صلوات احمد  
 به جلال هر دو به جمال هر دو  
 ز نگاه رضوان شده دلربا تر  
 خیرم رسیده ز بهار دیگر  
 دو قمر خدا داد به رسول و حیدر  
 دو بزرگ آیت دو نکو برادر  
 صلوات قرآن صلوات داور  
 به کمال هر دو شب و روز و هر دم

به زمین اگر چه به سما اگر چه  
 به نگاه دیگر به دو دست حیدر  
 به اخوت او به فتوّت او  
 به محبّت او به موّدت او  
 به حقیقت او به ولادت او  
 صلوات خالق صلوات مخلوق  
 سخن از حسین است و ولادت او  
 بنگر به عباس و ارادت او  
 به بزرگی او به سیادت او  
 به شهادت او به رشادت او  
 به عبادت او به شهادت او  
 صلوات عالم صلوات آدم

ثمر ولایت به ریاض قرآن  
 به سما ستاره کند این اشاره  
 به سما مبارک به زمین مبارک  
 شب عید عباس به حسین تبریک  
 به ادب مبارک به وفا مبارک  
 ادب و وفا و ظفر و جهادند  
 به گل و بهاران به شجر مبارک  
 که طلوع خورشید به سحر مبارک  
 به ملک مبارک به بشر مبارک  
 گل روی فرزند به پدر مبارک  
 به جهاد تبریک به ظفر مبارک  
 هم از او مشرف هم از او مکرّم

لب خود گشایم به ثنای عباس  
 خجلم که ریزم چه به پای عباس  
 دل بی هوایم به هوای عباس  
 همه نینوایم به نوای عباس  
 به ندای عباس به خدای عباس  
 که مودتش را ندهم به عالم

همه عمر چشمم به خیال رویش  
 چه شود که جامی ز منم از سبویش  
 من وهای و هویش من و عطرو بویش  
 به صفای خلقش به خصال و خویش  
 به بهار حسنش به شکنج مویش  
 اگر او نگاهی فکند به من هم

به جهان حسین دگرت بخوانم  
 به کدام جرأت قمرت بخوانم  
 ادب و شهادت پدرت بخوانم  
 به رسول و زهرا پسرت بخوانم  
 به علی فروغ بصرت بخوانم  
 کمر شجاعت به تو گشته محکم

تو ابوالفضائل تو گره گشائی  
 توبه جسم جانی توبه دل صفائی  
 تو شفیع امت به صف جزائی  
 تو محیط مهری تو یم وفائی

به کدام مضمون به کدام منطق  
 نه دُر است قابل نه گهر مقابل  
 همه های و هویم که شده هوائی  
 همه کربلایم ز بلای عشقش  
 به صفای عباس به وفای عباس  
 که محبتش را که ولایتش را

همه لحظه گوشم پی گفتگویش  
 چه شود غباری ببرم ز خاکش  
 من و خاک کویش من و آب جویش  
 به شرار قهرش به نگاه مهرش  
 به جبین و دستش به دو چشم مستش  
 نگهم دهد جان به تمام امکان

هله ای که زبید ز مقام و رفعت  
 تو که به ز مهری، تو که به ز ماهی  
 به خدا که زبید به وفا و عشق و  
 لب خود بشویم به گلاب و آنگه  
 به حسین یاور به حسن برادر  
 شرف و ولایت ز تو جلوه کرده

تو علی شمایل تو حسن خصایل  
 تو جهان فروزی تو به سینه سوزی  
 تو سپهر غیرت تو امید عترت  
 تو بزرگ مردی تو دوی دردی

تو امیر لشکر تو شهید داور      تو عزیز حیدر تو پناه مائی  
ز تو درد درمان ز تو زخم مرهم      ز تو شعله لاله ز تو نار خرم

به خدای مَنان به تمام قرآن      که به سینه شوق حرم تو دارم  
اگرم که بر رو بود آبرویی      ز صفای خاک قدم تو دارم  
چه غم از نشورم چه غم از صراطم      چه غم از جحیمم که غم تو دارم  
شرف عیان را شرر نهران را      به خدا ز لطف و کرم تو دارم  
دل آسمانی گهر معانی      دم مدح خوانی ز دم تو دارم  
به ریاض حسنت به بهشت رویت      که برون ز کویت نروم مسلم

به جلال داور به دل پیمبر      به نماز زهرا به خلوص حیدر  
به حطیم و کعبه به مقام و زمزم      به صفا و مروه به منی و مشعر  
به حسین و عباس به زهیر و یحیی      به حبیب و مسلم به علی اکبر  
به سرشک طفلان به فرات خونین      به رباب محزون به علی اصغر  
اگرم برانی اگرم بخوانی      نروم از این کو، نروم از این در  
به تو سر سپردم به تو دست دادم      به تو رو نهادم ز تو می زنم دم

تو که می بری دل تو که می دهی جان      گهی از تبسم گهی از نگاهت  
تو که روز محشر شهدا سراسر      ببزند حسرت به مقام و جاهت  
تو که خلق عالم شده هم گدایت      شده هم غلامت شده هم سپاهت  
چه شود که منت به سرم گذاری      ز غبار کویت ز تراب راهت  
ز کرم بخوانی من بینوا را      که شبی نهم رو سوی بارگاهت  
بگشا خدایا ره کربلا را      چه به روی عالم چه به روی (میثم)

گل زهرایی باغ ولایت، یاس آوردی  
 صفای بیت خیر الناس خیر الناس آوردی  
 تعالی الله که امشب یک جهان احساس آوردی  
 عروس فاطمه بنت اسد عباس آوردی  
 ز دریا گوهر آوردی، به گیتی محشر آوردی  
 ز حیدر حیدر آوردی، حسین دیگر آوردی  
 نبی فطرت علی غیرت حسن سیرت حسین سیما

به چشم دل نگاهش کن که تفسیر حسین است این  
 سراپا پای تا سر کلّ تصویر حسین است این  
 بنام هیبت عباسی اش شیر حسین است این  
 دو تیغ ابرویش گوید که شمشیر حسین است این  
 جهاد و تیغ سرمستش، جوانمردی است پابستش  
 علم دلدادۀ دستش، نثار راه حق هستش  
 نمی بندد دمی چشم از جمال یوسف زهرا

ادب رازیب و زین است این مبارک باد میلادش  
 پناه عالمین است این مبارک باد میلادش  
 علی را نور عین است این مبارک باد میلادش  
 علمدار حسین است این مبارک باد میلادش



ملاحظت محو گفتارش، سماحت عکس رخسارش  
شجاعت مست پیکارش، عبادت کلّ رفتارش  
جمال چارده معصوم در ماه رخس پیدا

گل عباسی است و بوی ختم المرسلین دارد  
شهامت، دست، بازو از امیرالمؤمنین دارد  
ارادت را، ادب را، ارث از امّ البنین دارد  
بحق دست امیرالمؤمنین در آستین دارد  
کرامت سائل کوبش، مرّوت آبی از جویش  
وفا توصیفی از خویش، علی چون گل کند بویش  
ببوسد چشم و رخسار و جبین و بازوی او را

دل از فرزند زهرا برده چشم نیم باز او  
سرافرازان عالم تا قیامت سرفراز او  
سروش نینوا دارد نوای دلنواز او  
پیام ظهر عاشورا در آهنگ حجاز او  
به لب شیروبه کف جاننش، نگه بر روی جانانش  
شفاعت عهد و پیماننش، شهادت عید قرباننش  
زمام مهد ناز او به دست زینب کبری

زهی عزت زهی غیرت زهی اجلال و آقایی  
نگردد جمع جز در او علمداری و سقایی  
ز دریا تشنه لب آید برون با چشم دریایی  
تو گویی آب هم می‌کرد در چشمش دل آرایی  
که‌ای عباس من آبم، مرا دریاب بیتابم

که کامی از لب آبم، ببین از خجلت آبم  
بریز از لعل لب آبی به قلب آتش دریا

بنازم تشنه کامی را که با لبهای خشکیده  
به دریا از سرشک دیده خود آب بخشیده  
درون موج، تصویر امام خویش را دیده  
نه دست از آب شسته از حیاتش چشم پوشیده  
ببین رسم اخوت را، تماشا کن فتوت را  
فتوت را مرآت را، وفا ایثار غیرت را  
که دیده تشنه لب از بحر پا بیرون نهد سقا

درود آب بر عباس و بر ایثار و ایمانش  
سلام بحر تا صبح جزا بر کام عطشانش  
به خشم بحر توفنده، به چشم ابر بارزنده  
که تا هستی است پاینده، از او دریاست شرمنده  
زهی غیرت، زهی غیرت، زهی ایمان، زهی تقوا

مگر در عالم هستی دوباره حیدری آید  
و یا در این جهان ام البنین دیگری آید  
که چون عباس، ثاراللهیان را رهبری آید  
برای کربلا میر شجاعت پروری آید  
پدر مدحت گرش گردد، فلک دور سرش گردد  
ملک خاک درش گردد، ولایت رهبرش گردد  
امامت متکی بر او شود در ظهر عاشورا

زهی هاشم که چون تو در بنی هاشم قمر دارد  
 امیرالمؤمنین نازد که مثل تو پسر دارد  
 ز ایشار تو پیش از صبح میلادت خبر دارد  
 بهشت وحی می‌نازد که با خود این ثمر دارد  
 کلامت آیت محکم، پیامت منجی آدم  
 حریمت قبله عالم، مزارت کعبه «میثم»  
 جمالت تا صف محشر چراغ روشن دلها

الا ای مادر باب الحوائج  
 تویی تاج سر باب الحوائج  
 تویی سرچشمه جود و سخاوت  
 که هستی مصدر باب الحوائج  
 بیا امشب که چشمت گشته روشن  
 ببر ما را بر باب الحوائج  
 بخوان ما را در این میلاد عباس  
 غلام و نوکر باب الحوائج  
 بگو از این عزیز آل حیدر  
 بگو در مقدمش از حال حیدر

علی بار دگر زیور گرفته  
 عطا از حضرت داور گرفته  
 ببوسد دستهای نازنینش  
 چو این نوزاد را در بر گرفته  
 اگرچه نیست زهرا هست زینب  
 برادر را بغل خواهر گرفته  
 حسین و مجتبی مدهوش اویند  
 که دل از هر دل و دلبر گرفته

کریمی حسن در دستهایش  
که او را ذوالکرم کرده خدایش

کسی همپایه آن با وفا نیست  
کسی مانند او اهل دعا نیست  
به پیشانی نشان سجده دارد  
دلی چون او گرفتار خدا نیست  
به کامش ریخته علم لدنی  
اگرچه اوج علمش بر ملا نیست  
بدون نام او سوگند بر عشق  
که نامی از حسین و کربلا نیست  
«ز بس از خود نشان داده کرامت  
دلّم باور ندارد او خدا نیست  
خدایی خدا در دست عباس  
تمام ماسوی سرمست عباس»

مقامش در سما باب الحسین است  
برای انبیاء باب الحسین است  
تمام اختیار عشق با اوست  
که از سوی خدا باب الحسین است  
اگر از حضرت زهرا بپرسی  
بگوید پور ما باب الحسین است

۱. نکته: این نمونه ابیات، نه جلوه مدح دارد و نه محتوای روشنگرانه ای. به عکس، شبهه برانگیز نیز می باشد اما به جهت رعایت قالب شعر، مجبور به ذکر ابیات شدیم.

ز خاک علقمه گردیده معلوم  
 که او در کربلا باب الحسین است  
 چو سقا بود اما تشنه آب  
 «بنفسی انت» بر او گفته ارباب

«حماسه آفرین کربلا اوست  
 امیر دومین لافتی اوست»<sup>۱</sup>  
 نشد شمشیر در دستش بگیرد  
 عیان سازد همان شیر خدا اوست  
 حریم علقمه در یاد دارد  
 عزیز حضرت خیرالنساء اوست  
 بگوید مشک پاره پاره با ما  
 عطش گوید به عالم با وفا اوست  
 به وصفش این کلام آخربیان است  
 عموی حضرت صاحب زمان است<sup>۲</sup>

۱. نکته: کاربرد «لافتی» مفهوم کاملی ندارد. ضمناً «دومین امیر» صحیح است نه «امیر دومین» به جهت رعایت قالب شعر، مجبور به ذکر این بیت شدیم.

۲. جواد حیدری

رسیده لحظهٔ زیبای پرواز<sup>۱</sup>  
 که سرمستی دلها گشته آغاز  
 به لطف حضرت باب الحوائج  
 دوا می‌گردد امشب کل امراض  
 در اقیانوس چشمان رؤوفش  
 تلاطم می‌کند امواج اعجاز  
 به روی نوکران ... با لطف سقا  
 شده دروازهٔ لطف خدا باز  
 شبیه آذری‌ها دم گرفتیم:  
 «بالفضل عاشقی مشکگده قالماز»<sup>۲</sup>  
 بیا و درد دل‌ها را دوا کن  
 شبی هم حاجت ما را روا کن<sup>۳</sup>

۱. با حذف یک بیت

۲. مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است.

۳. اسماعیل شبرنگ

## فصل سوم؛ میلاد امام سجاد علیه السلام

نشیب‌های دل من فراز می‌خواهد<sup>۱</sup>  
 فراز اشک مرا در نماز می‌خواهد  
 مؤید است به روح القدس قلم اما  
 برای شعر سرودن نیاز می‌خواهد  
 برای سفرهٔ بازش نیامدم اینجا  
 گدای این در، آغوش باز می‌خواهد  
 اگرچه این دو شب از جام کربلا مستم  
 دلم دوباره شراب حجاز می‌خواهد  
 پیاله‌ای بدهیدم که دم زخم حق را  
 دوباره زنده کنم قصهٔ فرزدق را

نسیم پنجم شعبان ز راه آمده است  
 صدای پای بهاران ز راه آمده است  
 ببین بدون پیمبر بدون جبرائیل  
 دوباره آیهٔ قرآن ز راه آمده است  
 میان پیشهٔ شیران هاشمی امشب  
 غزال عرصهٔ ایمان ز راه آمده است



فقط نه اینکه ز راه آمده عزیز عرب  
 عزیز دختر ایران ز راه آمده است  
 شب تولد فرزند شاه دختر ماست  
 زبان مادری او زبان کشور ماست

کسی که شد ششمین نور سوره انسان  
 کسی که خسته شد از سجده‌های او شیطان  
 کسی که هست تجلی پنج تن در او  
 کسی که شد پدر هشت قبله ایمان  
 کسی که با نفس یک غلام ساده او  
 نفس گرفته زمین مدینه از باران  
 کسی که موقع انفاق بین سائل‌ها  
 ملقب است دل شب به صاحب انبان  
 به حق او حجر الاسودی شهادت داد  
 که جز به حق علی وا نکرده است دهان  
 به حیرت است کنار حَجَر دو چشم هشام  
 ز اهتمام خلائق به احترام امام

بخوان که ضبط کند آسمان صدایت را  
 صحیفه پخش کند بعد این نوایت را  
 برای این که بخوانیم «لا تَوَدَّ بَنِي»  
 بخوان برای ابو حمزه‌ها دعایت را  
 تو با زبان خدا حرف می‌زنی آخر  
 چگونه یاد بگیریم ربنایت را

بیا و بعد دعا روضه هم بخوان آقا  
 بیا و شرح بده داغ کربلایت را  
 بیا بگو چه کشیدی تو در چهل منزل  
 بگو که بست به زنجیر دست و پایت را  
 کسی که حرف خدا و کتاب می آورد  
 کنار یک سر تشنه شراب می آورد<sup>۱</sup>

نسیم آمد این بار از خوش مسیری<sup>۱</sup>  
 رساند به ما مژده دلپذیری  
 خبر خوش خنک کرد کام زمین را  
 بهاری شد این خطه گرمسیری  
 به یک خانه ساده کنج مدینه  
 چه زائرسرای چه مهمانپذیری  
 به دامن شه بانویی آسمانی  
 چنین مادر پاک و روشن ضمیری  
 به ارباب دلها خدا هدیه داده  
 چه شمس الضحایی چه ماه منیری  
 اما تو خود زینت عابدینی  
 پناه و امید صغیر و کبیری  
 کریمی، عزیز، امیری، بزرگی  
 امامی، رئوفی، صبوری، بصیری  
 تو خود خانه کعبه را مستجاری  
 به درگاه ایزد اگر مستجیری  
 تو عطر اقاقی در این خاکدانی  
 تو گرمای عرفان در این زمهریری  
 تو بغض غریب دعای کمیلی  
 تو روح بلند دعای مجیری

۱. با حذف یک بیت

مقام رفیع تو را غبطه خوردند  
 همه کهکشانهای این راه شیری  
 تو دریای صبری، تو موج وقاری  
 تو علم لدنی، تو خیر کثیری  
 تو سبزینه برگ شاداب عصمت  
 تو خود میوه بوستان غدیری  
 دعا را تو یاد ابوحمزه دادی  
 چه می‌شد که دست مرا هم بگیری  
 زبور است آری بر آل محمد  
 کتاب صحیفه به آن بی نظیری  
 تو سیراب سرچشمه‌های دعایی  
 تو از باده سرخ سجاده سیری  
 معلم تویی؛ از تو آموخت شیعه  
 ولایت مداری ولایت پذیری  
 به وقت خطابه بسی سربلندی  
 به گاه عبادت گهی سربه زیری  
 جسارت نباشد سؤالی بپرسم  
 چرا در جوانی بدین مایه پیری  
 چهل سال گریه تو را پیر کرده  
 چرا چله اشک باید بگیری  
 تویی یادگار غم اهل خیمه  
 تویی دفتر خاطرات اسیری  
 تو با دست بسته به همراه زینب  
 رسالات خون خدا را سفیری

تو تب کردی و صبر کردی و گفتی:  
 حسین امیری و نعم الامیری  
 نشد تا که در بزم نامردم شام  
 سرخویش یک لحظه بالا نگیری  
 به جالوتیان سنگ داود بودی  
 خوشا این شجاعت، زهی این دلیری  
 اماما مدد کن به صحرای محشر  
 ز ما استغاثه ز تو دستگیری  
 گدای شمایم که تقدیرم این شد  
 تو را شاهی و نوکران را فقیری'

ای که خورشید جمالت پرتو افشانی کند  
 عالمی را جلوه‌ات زیبا و نورانی کند  
 تو همان خورشید تقوائی که عرش و فرش را  
 از فروغ و جلوه‌ تو حق چراغانی کند  
 جای دارد رهگذارت را ز گلهای بهشت  
 جبرئیل از عالم بالا گل افشانی کند  
 ای بهشتی رو عجب نبود اگر رضوان خلد  
 از جنان گرد سرت اسپند گردانی کند  
 می زند لبخند بر رویت حسین بن علی  
 تا تماشا در رخت آیات قرآنی کند  
 امشب از یمن قدوم با شکوه تو حسین  
 هرکجا سائل بود دعوت به مهمانی کند  
 زینت عبادی و شایسته باشد تا خدا  
 نام زین العابدین را بر تو ارزانی کند  
 شب همه شب بردعا و نغمه‌ات مرغ سحر  
 گوش جان را می‌سپارد تا غزلیخوانی کند  
 سرزند از چشم تو تا عرش یک رنگین کمان  
 هر زمانی دیده‌ات را اشک بارانی کند  
 هیچ کس را با چنین تقوا ندیدم غیر تو  
 سجده‌های خویش را اینقدر طولانی کند

ای شهید زنده جز تو کیست بعد از کربلا  
تا از این گلشن به اشک خود نگهبانی کند  
شمع جمع محفل امروز مائی و ز ما  
غیر تو فردا چه کس رفع پریشانی کند  
کوثر توفیق می‌خواهد ز درگاه خدا  
تا «وفائی» درمدیح تو ثنا خوانی کند<sup>۱</sup>

مژده ای شیعه که باشد شب میلاد امشب  
 پا نهاده به جهان حضرت سجاد امشب  
 شهربانو بکند فخر به نسوان جهان  
 که خدا طرفه گلی ناز به او داد امشب  
 مرحبا پنجم شعبان شد و روز صلوات  
 زین بشارت دل عشاق بود شاد امشب  
 ای گدایان به در حضرت زهرا بروید  
 عیدپانه<sup>۱</sup> دهد آن مادر عباد امشب  
 کاخ ظلم از برکات قدمش ویران امشب  
 خانه آل امیه شده بر باد امشب  
 دوش رو بر به سجاد «کلامی» می‌گفت  
 باد ای ساجد حق خانه‌ات آباد امشب<sup>۲</sup>

۱. کاربرد «عیدی» یا «عیدانه» درست است اما ترکیب «عیدپانه» به جهت کاربرد دو پسوند «ی» و «انه» حشو(زاید) و نادرست است.

۲. ولی الله کلامی زنجانی



هر دیده‌ای به دیده گریان نمی رسد<sup>۱</sup>  
 فصل خزان به فصل بهاران نمی رسد  
 در بین گریه حاصل ما رشد می‌کند  
 باران بدون سیل به پایان نمی رسد  
 یک جا اگر تمامی خلقت گدا شود  
 نقصی به آستان کریمان نمی رسد  
 روزی ما کم است که مصحف نخوانده ایم  
 عیب از کریم نیست که مهمان نمی رسد  
 بفرست سمت دشت غلام سیاه را  
 یک چند وقتی است که باران نمی رسد  
 کیسه به دوشی تو اگر کار هر شب است  
 این پینه‌های شانه به درمان نمی رسد  
 ما مستمند کیسه خیراتی توایم  
 ذاتاً فقیر آن کرم ذاتی توایم

آقای من! حریم تو از عرش برتر است  
 با این که خاکی است، بهشت معطر است  
 عادت نموده ایم به این گنبدی که نیست  
 حیف از حریم تو که بدون کبوتر است

۱. با حذف دو بند و سه بیت

با تربت حسین به «تسبیح» می‌رسیم  
این تربت حسین عجب بنده پرور است  
اول فدایی قدمت مادر تو بود  
پس مادرت به توز همه با وفاتراست  
تو یادگار فاطمه بودی برای او  
حالا که شد فدای تو عالم فدای او

یعقوب کربلا! چه قدر گریه می‌کنی  
«از صبح زود تا به سحر گریه می‌کنی!»  
یعقوب را که غصه یوسف شکست و تو  
داری برای چند نفر گریه می‌کنی  
وقتی که چشم هات می‌افتد به معجری  
حق داری ای عزیز اگر گریه می‌کنی  
از صبح تا غروب فقط نیزه می‌زدند  
داری به «قتل صبر» پدر گریه می‌کنی  
چشمت چرا ضعیف شده بی رمق شده  
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی؟!  
با دیدن اسیر کجا می‌رود دلت؟!  
با دیدن فقیر کجا می‌رود دلت؟!<sup>۲</sup>

۱. بیت ایراد دارد چون بین صبح زود تا سحر فاصله زمانی وجود ندارد!

۲. علی اکبر لطیفیان

## فصل چهارم؛ میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

هرگز ندیده چشم فلک چون تو دلبری  
 پور حسین فاطمه و روح پروری  
 لب و اکنم به مدح کدامین صفات تو  
 کز حدّ وهم و فهم خلائق تو برتری  
 ای آفتاب عارض تو گفتگوی مهر  
 مه راست آرزو که به رویش تو بنگری  
 از خاندان عصمتی و نسل بوتراب  
 در بحر علم و حلم و شجاعت شناوری  
 نی فرشیان بسان تو دیدند گوهری  
 نی عرشیان چو روی تو دیدند اختری  
 آن قامت است نی به حقیقت قیامت است  
 سرو بلند قامتِ بستان حیدری  
 خویت حسن، جمال دل آرای تو حسن  
 در خَلق و خُلُق و منطق خود، چون پیمبری  
 مرآت مرتضائی و هنگام کارزار  
 والله یک تنه دو سپه را برابری

چون راه می‌روی به نظر پای تا به سر  
 چون آینه مقابل زهرای اطهری  
 یوسف خطاب گر کنمت مدح یوسف است  
 کز صد هزار یوسف مصری فراتری  
 من روسیاه و غرق گناهان بی شمار  
 تو... کشتی نجات به دریای محشری<sup>۱</sup>

پسران جلوه بیشتر دارند همگی خصلت از پدر دارند  
 پدرانی که دل به حق دادند مهر اولاد در جگر دارند

...

همه خانواده زهرا دور خود چند تا قمر دارند  
 نوه های عشیره حیدر همه جنگاورند و سردارند  
 با علی این پسر بزرگ شده که شبیه پدر بزرگ شده

دست لیلا بهار آورده دامن افتخار آورده  
 اسدالله زاده این مادر واقعا ذوالفقار آورده  
 به گداهای شهر مژده دهید پسری سفره دار آورده  
 گفت ام البنین به لیلا که فاتح کارزار آورده  
 هر کجا رو به سوی میدان برد خصم رو به فرار آورده  
 عمه اش مشک و مجمر اسفند دور این گاهوار آورده  
 عمه اش شادمان تراز همه است یار، رو سوی یار آورده  
 دور گهواره اش عجب حالی است جای مادر بزرگ او خالی است...

ربنا ربنا کنیم همه همه شکر خدا کنیم همه  
 حضرت شاهزاده آمده است نیت کربلا کنیم همه  
 باید از خاک پاش برداریم دل خود را بنا کنیم همه  
 علی اکبر حضور غرق خداست خویش را مبتلا کنیم همه

دسته جمعی از این حسینیه عزم پایین پا کنیم همه  
آمده اشک حسرت ارباب عرض تبریک حضرت ارباب

امشب به شباب رهبر آمد  
 در ماه نبی علی عیان شد  
 یا فاطمه باز مجتبی زاد؟  
 خورشید حسین و ماه لیلا  
 از گلبن سبز عشق و ایثار  
 از مدح ملک بسی نکوتر  
 در دامن کعبه ولایت  
 عقلی که به دیده اش توان دید  
 با دیدن او عزیز زهرا  
 از دامن مادری مکرم  
 آئینه روی احمد است این  
 سر تا به قدم محمد است این

ای بحر شرف، گهر مبارک  
 بر چرخ ادب، ستاره و در  
 در حسن بشر، ملک گرامی  
 بر شیر خدا و بر حسینش  
 مرآت جمال دادگر باد  
 در باغ نبوت و ولایت  
 از این شجر همیشه سرسبز  
 فرزند بدین جلالت و قدر  
 زینب شده بود پای بستش  
 وی نخل کمال، بر مبارک  
 بر برج ولا، قمر مبارک  
 با خوی ملک، بشر مبارک  
 دیدار پیامبر مبارک  
 بر حجت دادگر مبارک  
 سر سبزترین شجر مبارک  
 بر آل علی ثمر مبارک  
 بر مادر و بر پدر مبارک  
 عباس گرفت روی دستش

این تیغ علی است یا دو ابروست؟  
 این سلسله دل است یا موسی؟  
 یا سرو بلند بر لب جوست؟  
 در مصحف روی آن خدا روست  
 هم ختم رسل و را ثنا گوست  
 از بس که حسین داردش دوست  
 کویش همه را بهشت مینوست  
 هر چیز به جای خویش نیکوست  
 دشمن کند از تنم جدا پوست  
 هر جا که روم کنار اویم

این حسن نبی است یا رخ اوست  
 این رشته جان ماست یا زلف  
 این قامت اوست یا قیامت  
 زیبائی انبیا خلاصه  
 هم چار امام محور رویش  
 در بر بگرفته همچو جانمش  
 رویش همه را چراغ ایمان  
 گلبوسه باب بر جبینش  
 از او نشوم جدا اگر چه  
 خاک در اوست آبرویم

عشق از تو نموده سرفرازی  
 گردیده گدات بی نیازی  
 در مصر به نغمه حجازی  
 از توست همیشه چاره سازی  
 لبخند تو روح دلنوازی  
 پیش از شهدا پیشتازی  
 یک عمر نماز، بی نمازی  
 عشق دگران، بود مجازی  
 با قلب حسین کرده بازی  
 ما را نرسد زبان درازی  
 زهرا و حسین و حیدری تو'

ای یوسف مصر عشق بازی  
 افتاده به پات سربلندی  
 یوسف به ثنات لب گشوده  
 از ماست همواره چاره جوئی  
 رخسار تو شمع دلفروزی  
 بردادن جان به راه جانان  
 بی فیض محبت تو باشد  
 جز عشق تو ای حقیقت عشق  
 لبخند تو از شب ولادت  
 اوصاف تو را حسین گوید  
 تنها نه علی اکبری تو



عطر خدا دوباره در عالم وزیده است<sup>۱</sup>  
 کاسه بیاورید که باران چکیده است  
 امشب خدا دوباره زمین را بهشت کرد  
 این هم ز برکت قدم نورسیده است  
 خورشید بهر بوسه زدن بر قدم او  
 از آسمان بسوی مدینه دویده است  
 سجده بیاورید به شکرانه عاشقان  
 امشب خدا دوباره علی آفریده است  
 حال تمام هاشمیان خوب و عالی است  
 صد حیف جای حضرت صدیقه خالی است

گرچه حسین بود به مادر شبیه تر  
 اکبر ولی شده به پیمبر شبیه تر  
 جمع علی و احمد و زهراست این پسر  
 جاریست مثل رود به کوثر شبیه تر  
 عباس مرتضای دگر بود تاکنون  
 اکبر ولی شده ست به حیدر شبیه تر  
 در بین خاندان علی چون عموی خویش  
 بازوی او به شیر دلور شبیه تر

ای غنچه‌های لب همه وقت شکفتن است  
وقت مدینه رفتن و تبریک گفتن است

یوسف کجاست یوسف زهراست این پسر  
یونس کجاست مونس دلهاست این پسر  
عیسی کجاست تا که بگیرد نفس از او  
موسی کجاست ماه دلزاست این پسر  
از یک طرف شبیه‌ترین به پیمبر است  
از یک طرف شبیه به مولاست این پسر  
مثل عموی خویش حسن با سخاوت است  
از بسکه با کرامت و آقااست این پسر  
در اوج گریه ساکت و آرام می‌شود  
آن لحظه‌ای که خیره به سقااست این پسر

...

کربلا رسید و دلش بیقرار بود  
روی عقاب حیدر دلدل سوار بود  
مانند رعد و برق به قلب سپاه زد  
لشکرنگو بگو همه جا تار و مار بود  
اکبر نگو بگو اسدالله کربلا  
تیغش که هیچ هیبت او ذوالفقار بود  
سرپند یا علی به سرش بسته بود پس  
روز تمام لشکریان شام تار بود  
هرکس که در مقابل او صف کشیده بود  
با دیدنش هر آینه فکر فرار بود

از این طرف کنار حرم عمه زینبش  
 پیش حسین خسته و چشم انتظار بود  
 یک مرتبه ز عالم بالا خبر رسید  
 آقا برس که عمر عزیزت به سر رسید<sup>۱</sup>

## فصل پنجم؛ میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه

آفرینش از گل نرگس گلستان است امشب  
 آسمان دریا ولی دریای غفران است امشب  
 سامره سرسبزتر از باغ رضوان است امشب  
 گام گامش بوسه گاه حور و غلمان است امشب  
 گوش جانم این شنفته جبرئیل وحی گفته  
 قوموا ای دلهای خفته لاله نرگس شکفته

قبله کن بیت الحسن را تا ببینی ذوالمنن را  
 گوش شو تا بشنوی مدّاحی روح الامین را  
 چشم شو تا بنگری آئینه حق یقین را  
 سرو بستان تمام لاله‌های باغ دین را  
 طفل دل‌بند عروس رحمة للعالمین را  
 پای تا سرداور است این یا مگر پیغمبرست این  
 حیدراست این، حیدراست این، یا حسین دیگر است این  
 یا که نرگس در بغل بگیرفته چون زهرا حسن را

هستی از نور خدا شد نائره با یاد مهدی  
 لحظه‌ها دارند صدها خاطره با یاد مهدی  
 لاله افشاند به بتول طاهره با یاد مهدی  
 کعبه می‌گردد بدور سامره با یاد مهدی  
 شاهد مقصود آمد، جود بخش جود آمد  
 حجت معبود آمد، مهدی موعود آمد  
 انجمن انجم شده جوئید ماه انجمن را

بوی گل در بوستان می‌آید از پیغام نرگس  
 زنده گردیدند خونین لاله‌ها از نام نرگس  
 خُله‌های نور پوشاندند بر اندام نرگس  
 نور مهدی می‌رود بر آسمان از بام نرگس  
 آسمان‌ها چون ستاره، گرد آن دارالزیاره  
 زائر آن ماه پاره، تا مگر با یک اشاره  
 غرق در موج نگاه خود کند چرخ کهن را

محو او شد مست او شد هم ملاحظت هم حلاوت  
 لاله را گفتا قضاوت کن قضاوت کن قضاوت  
 سرو دیدی گل فشانند؟ گل سخن بر لب براند؟  
 نسترن هستی ستاند؟ یاسمن قرآن بخواند  
 من به چشم خویش دیدم گرم قرآن یاسمن را

ای هزاران آفرین بر حُسن از حُسن آفرینت  
 ای زده گلبوسه وجه الله اعظم بر جبینت

ای به گرد شمع رخ پروانه جبرئیل امینت  
 کعبه عمری چشم در راه صدای دل نشینت  
 پرگشا و دلبری کن، رخ نما روشنگری کن  
 سربرآر و سروری کن، داوری کن داوری کن  
 داوری کن تا برآری ریشه نخل فتن را

رخ نما ای یوسف گم گشته کنعان کعبه  
 جلوه کن ای آفتاب حُسن از دامان کعبه  
 بازآ تا بازگردانی به پیکر جان کعبه  
 سربرآور تا به سرآید غم هجران کعبه  
 ای خدا پیدا ز ذات ای ملک محوصفات  
 ای همه حجاج ماتت کعبه مشتاق صلاتت  
 برسرپا نه که تقدیم تو سازم جان و تن را

آفتاب عالم آرای می دانم کجایی  
 دور از مائی و با مائی می دانم کجایی  
 در دل جمعی و تنهایی می دانم کجایی  
 پیش من با من هم آوایی می دانم کجایی  
 تو امام عالمینی، جان جانی عین عینی  
 سامره یا کاظمین، زائر قبر حسینی  
 کعبه را گردم به شوقت یا مزار بوالحسن را

ای خزان دین بهار از فیض چشم اشکبارت  
 ای بسان لاله‌ها دل‌های خونین داغدارت

ای معطر آفرینش یاد گل‌های بهارت  
 مصلح عالم بیا ای عالمی چشم انتظارت  
 وارث ملک نبوت سرو بستان مرّوت  
 مشعل بزم اخوت گوهر بحر فتوت  
 کی شود عدل تو گیرد هم زمین را هم زمن را

تا بکی از لاله‌های باغ خون عطر تو بویم؟  
 تا بکی با اشک هجران گرد غم از رخ بشویم؟  
 تا بکی در اشک خود گم گردم و روی تو جویم؟  
 تا بکی نادیده وصف روی زیبای تو گویم؟  
 ای بخاکت جان فدایی، از تو زبید مقتدایی  
 تا بکی اشک جدایی؟ بت زند لاف خدایی  
 کن برون از آستین یکباره دست بت شکن را

چشم شیعه پر بود از اشک گوهر بار تا کی؟  
 آه زهرا آید از بین در و دیوار تا کی؟  
 صوت جدت بر سرنی از لب خونبار تا کی؟  
 شیعه بر مظلومی اسلام گرید زار تا کی؟  
 سینه‌ها را آه تا کی؟ پشت پرده ماه تا کی؟  
 هجر وجه الله تا کی؟ یوسف اندر چاه تا کی؟  
 پاک کن از دیدگان «میثمت» اشک مَحَن را

باز قدسی نفسان زمزمه پرداز شدند  
 به سوی سامره آماده پرواز شدند  
 چهره‌ها با گل لبخند همه باز شدند  
 بلبلان چمن حُسن در آواز شدند  
 نور شادی به زمین و به فلک موج زند  
 از فلک تا به زمین فوج ملک موج زند

باز هم شاهد غیبی به شهود آمده است  
 پیک شادی به سلام و به درود آمده است  
 چه وجودی است که اکنون به وجود آمده است  
 این خبر چیست که جبریل فرود آمده است  
 محشری گشت بپا گر که قیامت کردند  
 همه در هاله‌ای از نور اقامت کردند

نوری از بیت ولایت شده پیدا امشب  
 که از او گشته جهان غرق تجلا امشب  
 همه عالم شده چون وادی سینا امشب  
 مات از این نور بود دیده موسی امشب  
 عشق پرسید چرا همه‌مه برپا شده است  
 همه گفتند که مهدی است هویدا شده است



بر همه خلق جهان خیر کثیر آمده است  
 سوره نور خداوند قدیر آمده است  
 به محمد به علی باز نظیر آمده است  
 هاشمیون همه را ماه منیر آمده است  
 او بود جنت ما، کعبه ما، مقصد ما  
 خال رخساره او شد حجرالاسود ما

هستی از یمن قدمش ز غم آزاد بود  
 خرم از جلوه او گلشن ایجاد بود  
 این همان وعده موعود و خداداد بود  
 هر که شد منتظر مقدم او شاد بود  
 آری ای اهل ولا موسم دیدار شده  
 آیت نصر من الله پدیدار شده

غرق آیات مبین است رخشانش  
 شب نشینان سماوات همه حیرانش  
 عرشیان مات ز قدر و شرف و ایمانش  
 کرده در عرش خداوند سه شب مهمانش  
 در سماوات کنون فصل گل و هم عهدیست  
 میزبان خالق و مهمان عزیزش مهدیست

خیز کز مقدم مولا همگی بنده شویم  
 همچو گلها ز نسیم سحری زنده شویم  
 پیرو مکتب آن دولت پاینده شویم  
 نکند روز وصالش همه شرمنده شویم

دل او را همه با پیرویش گرم کنیم  
همه در محضراوئیم از او شرم کنیم

همه گویند «وفائی» گل توحید کجاست  
مروه پرسید کجا کعبه بپرسید کجاست  
آن دل انگیزترین مایه امید کجاست  
آفتاب دل زهرا گل خورشید کجاست  
کاش ما را ز وفاره به حضورش بدهند  
عیدی ما همه را حکم ظهورش بدهند<sup>۱</sup>

شب شکست و نور حق شد جلوه گر  
 در دل شب پرتو افشان شد قمر  
 خاک پای او همه در و گهر  
 آمد آنکه از پی اش آید سحر  
 نام او همانم ختم المرسلین  
 وارث علم امیر المومنین

آمده مشکل گشای دیگری  
 کوثری دیگر ز نسل کوثری  
 حیدری با جلوه پیغمبری  
 احمدی با جلوه‌های حیدری  
 شد زبوی نرگسی اش سینه مست  
 وز جمالش دیده آینه مست

عالم امشب جان پراحساس داشت  
 عطر نرگس جلوه‌های یاس داشت  
 عسکری در خانه، خیرالناس داشت  
 در بغل آینه عباس داشت  
 سامرا شد رشک جنات برین  
 شد بهشت دیگری روی زمین

در رکابش عالمی حلقه به گوش  
 برده خالش از دو عالم عقل و هوش  
 دشمن حیدر بگو دیگر خموش  
 خون حیدر در رگش اندر خروش  
 در میان معرکه باشد چنین  
 هم علی و هم یل ام البنین

هر نفس با یاد دلبر میزند  
 در هوایش مرغ دل پر میزند  
 چون گدا این خانه را در میزند  
 می ز جام پور کوثر میزند  
 فاش می‌گویم امامم مهدی است  
 تا دم آخر کلامم مهدی است<sup>۱</sup>

ما را در این شب‌ها تمنا می‌نویسند<sup>۱</sup>  
 مجذوب و وصف و وصل لایلا می‌نویسند  
 من قطره‌ای ناچیزم اما مطمئنم  
 آخر مرا هم پای دریا می‌نویسند  
 ایل و تبارم را که نوکر می‌نویسند  
 ایل و تبارت را که آقا می‌نویسند  
 امشب برای ما کمی باران بخواهید  
 هرآنچه می‌گویی همان را می‌نویسند  
 این طاق نصرت‌ها که بالا رفته ما را  
 پروازهای رو به بالا می‌نویسند  
 چشم من و دست کریمت مهربانا  
 امشب صدایت می‌زنم من یا ابانا

باید فراق و سوختن باشد همیشه  
 در به دری از مرد و زن باشد همیشه<sup>۲</sup>  
 پیغمبرانه دلبری کن مثل اینکه  
 باید اویسی در قرن باشد همیشه ...  
 آواره صحرا نمایدم چه باک است  
 مجنون اگر دور از وطن باشد همیشه

۱. با حذف یک بیت

۲. بیت ایراد ضعف تألیف دارد. کاربرد حرف اضافه «از» نابخاست.

بی یوسفش تا کی دمام چشم یعقوب  
 دلخوش به بوی پیرهن باشد همیشه  
 من خواستم ذکر نمازم تا دم مرگ ...  
 یا بن الحسن یا بن الحسن باشد همیشه  
 اصلا میان ما دو تا باید همیشه  
 حرف حسینِ بی کفن باشد همیشه  
 امشب سخن از جمکران جایی ندارد  
 جز کربلا این دل تمنایی ندارد!

امشب دل بیدارم دارد سحری دیگر  
 وز زمزمه ام بر دل ماند اثری دیگر  
 در سامره می‌بینم قرص قمری دیگر  
 وز بیت ولا بر لب دارم خبری دیگر  
 از نسل علی آمد خیر البشری دیگر  
 یا آمنه آورده پیغامبری دیگر  
 طوبا ثمر آورده سینا شجر آورده  
 چشم همگان روشن نرجس پسر آورده

من رحمت بی حد را در سامره می‌بینم  
 من خلد مخلّد را در سامره می‌بینم  
 من جلوۀ سرمد را در سامره می‌بینم  
 من عبد مؤید را در سامره می‌بینم  
 من طلعت احمد را در سامره می‌بینم  
 من حسن محمّد را در سامره می‌بینم  
 ای منتظران خیزید با خصم در آویزید  
 در مقدم مهدی گل از پاره دل ریزید

ای گمشده پیدا شو پیدایش حق را بین  
 آینه شو و آنگه آینه یکتا بین

رخسار دو صد یوسف در آن رخ زیبا بین  
 بالای دو صد آدم در آن قد و بالا بین  
 هم نوح پیمبر را در دامن دریا بین  
 هم موسی عمران را در وادی سینا بین  
 در یک رخ زیبا بین خوبان دو عالم را  
 خوبان دو عالم نه پیغمبر خاتم را

امشب من و دل گشتیم در کوی گل نرگس  
 برگرد گل روی دلجوی گل نرگس  
 خُلق نبوی دیدیم در خوی گل نرگس  
 خوردیم شراب نور از جوی گل نرگس  
 تا روی خدا دیدیم در روی گل نرگس  
 دل گشته بهشت گل از بوی گل نرگس  
 ای دسته گل نرگس از مات سلام الله  
 ای زینت هر مجلس از مات سلام الله

پیوسته درود از ما بر نرجس و مولودش  
 بر نرجس و مولودش بر مهدی موعودش  
 بر مهدی موعودش بر حجت معبودش  
 بر حجت معبودش بر مقصد و مقصودش  
 بر مقصد و مقصودش بر سیرت محمودش  
 بر سیرت محمودش لطف و کرم و جودش  
 لطف و کرم و جودش حکم و سخن و عزمش  
 حکم و سخن و عزمش تیغ و عَلم و رزمش



مهر رخ دلجویش هنگام سحر تابید  
 روشنتر و زیباتر از قرص قمر تابید  
 از قلب ملک سرزد در چشم بشر تابید  
 گفتی یم هستی را پاکیزه گهر تابید  
 چون شعله به کوه طور از شاخ شجر تابید  
 هنگام طلوع فجر بر دست پدر تابید  
 در طلعت او دیدند آئینهٔ احمد را  
 مانند علی می‌خواند قرآن محمد را

اول سخن توحید از خالق اکبر گفت  
 هم حمد الهی کرد هم وصف پیمبر گفت  
 هم آیهٔ قرآن خواند هم مدحت حیدر گفت  
 هم نام امامان را تا خویش سراسر گفت  
 از ظاهر و باطن گفت از اول و آخر گفت  
 آنگه به زبان دل آن حجت داور گفت  
 من شاهد و مشهودم من حجت معبودم  
 من مقصد و مقصودم من مهدی موعودم

من طوطی گویای گلزار شهیدانم  
 من روشنی چشم بیدار شهیدانم  
 من آینه سرخ رخسار شهیدانم  
 من محیی ایثار و آثار شهیدانم  
 من وارث مظلوم انصار شهیدانم  
 من منتقم خون سالار شهیدانم

گلوآژه جاء الحق بردست جهانگیرم  
نقش زهق الباطل بر تیغه شمشیرم

حق وعده به من داده تا ملک جهان گیرم  
بر دوست امان بخشم از خصم امان گیرم  
مهرآرم و خشم آرم جان بخشم و جان گیرم  
یار همگان باشم داد همگان گیرم  
در سلک شبان آیم در کعبه مکان گیرم  
حلقوم ستمگر را در پنجه چنان گیرم  
تا نقش زمین گردد اهریمن خود کامی  
و ز ظلم و ستم هرگز باقی نبود نامی

ای روی تو نادیده دل برده ز دلداران  
ای کار تو پنهانی یاری ز همه یاران  
بشکفته دل از نامت چون لاله که در باران  
از جام تولایت سر مستی هوشیاران  
بازآ که براندازی بنیاد ستمکاران  
با تیغ تو ریزد خون از سینۀ خونخواران  
خورشید رخت در ابر پوشیده چرا مهدی  
ای کعبۀ دل رویت از کعبه درآ مهدی

ای با همگان مونس ای در همه جا تنها  
ای بی تو ز خون دل دریا شده دامن‌ها  
تا چند زمام دین در سلطۀ رهن‌ها  
تا چند جهان لبریز از گریه و شیون‌ها

تا چند خزان حاکم در دامن گلشن‌ها  
 تا چند بود قرآن بر نیزه دشمن‌ها  
 ای نالهٔ مظلومان در گوش تو یا مهدی  
 ای پرچم ثارالله بر دوش تو یا مهدی

بازای که بنمائی بر ما رخ زیبا را  
 بازآ که کنی از عدل پُرعرضهٔ دنیا را  
 بازآ که همه بینند آن روی دل آرا را  
 بازآ که کنی پیدا دو گمشدهٔ ما را  
 هم تربیت محسن را هم تربیت زهرا را  
 حیف است نبیند عبد رخسار تو مولا را  
 من «میشم» این گویم اوصاف تو را گویم  
 اوصاف تو را گویم تا وصل تو را جویم<sup>۱</sup>

یک شب که عشقت باز از دل در گذر شد  
 نام تو را بردم پیا پی تا سحر شد  
 تا صبحدم آن شب به یادت گریه کردم  
 هر قطره اشکم در پی تو در سفر شد  
 قابل نبودم تا جمالت را ببینم  
 اما قسم بر تو که شوقم بیشتر شد  
 شد علت دوری من از تو، غیویم  
 دل مبتلا هر روز بر عیب دگر شد  
 هر بار آهم شد مؤثر بر دل تو  
 کار بدی کردم که آهم بی اثر شد  
 خود واقفم یاری ز من بدتر نداری  
 دست ولایت از سر من بر نداری

زاده شدم تا با غم خوبان بمیرم  
 زشتم، به پایت، خوبتر از جان بمیرم  
 خواهم به محرابم به هنگام نماز  
 یا در تلاوت کردن قرآن بمیرم  
 آلوده باشد دیده‌ام اما مدد کن  
 در موقع جان دادم گریان بمیرم

سلطان عشق آید به بالینم بگوید  
خوش آمدی، با دیدنش عطشان بمیرم  
من دوست دارم مرگ را با دیدن تو  
هر غصّه را با لحظه ای خندیدن تو

من دوست دارم تا حضورت را ببینم  
مستی ایام ظهورت را ببینم  
ای عابرِ پس کوچه های دل کجایی؟  
خواهم متانت در عبورت را ببینم  
من دوست دارم در شعاع نورِ پاکت  
سر خوردگی خصم کورت را ببینم  
مَتّ کش عالم نگردم لحظه ای من  
در خانه دل گر حضورت را ببینم  
ای حاضر و ناظر به اعمالم، کجایی؟  
گریه مکن دیگر به افعالم، کجایی؟

ای گمشده در کوچه های غفلت دل  
ای گوهر نشناخته در حیرت دل  
ای سفره دار آفرینش بی نگاهت  
شد رزق ما محدود، رفته برکت دل  
ما را برای انتظارت آفریدند  
ممزوج شد با انتظارت فطرت دل  
جانا به راه عشق تو، ایمان ببازیم  
یادی ز ما کن تا بیادت جان ببازیم

ای آیه ها صبح و مساء در انتظارات  
 قرآن، مناجات و دعا در انتظارات  
 دست خدا، دیگر به در از آستین شو  
 ای ذوالفقار مرتضی در انتظارات  
 ای ذره های آفرینش بی قرارت  
 مروه، صفا، زمزم، منا در انتظارات  
 کو پرچم هل من معین آل زهرا؟  
 ای سرزمین کربلا در انتظارات  
 ای شارع احکام دین برگرد برگرد  
 ای رشته حبل المتین برگرد برگرد

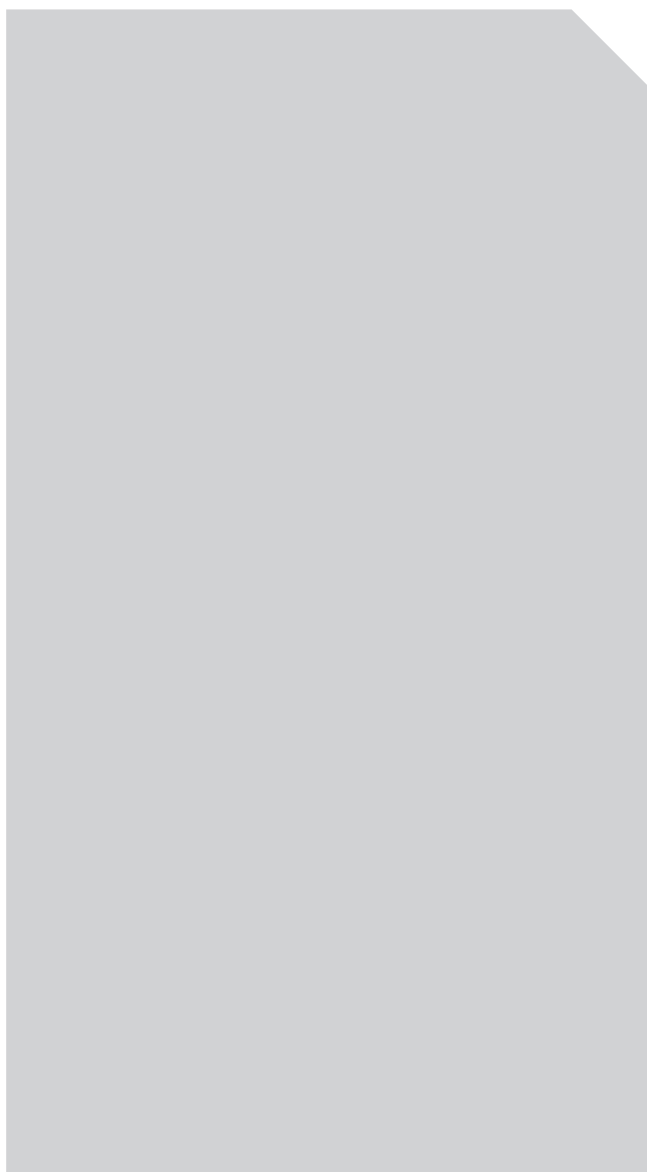
گویند می آیی ولی مُردیم، بازآ  
 در شام هجران تو افسردیم، بازآ  
 بی تو صفا از زندگی ها رخت بسته  
 از دل طراوت رفت، پژمردیم، بازآ  
 عشق علی و شیعه گی جرم است، آری  
 ارث غریبی از علی بردیم بازآ  
 طعنه کش ایام هجران تو گشتیم  
 ما خون دل در خون دل خوردیم، بازآ  
 بشنو تمنای دل بیچارگان را  
 گرچه تو را صد بار آزرديم، بازآ  
 ما مجرمیم اما تو خوب و با گذشتی  
 دیدی بدی از ما فزون، اما گذشتی

نور خدایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 بدرالدجایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 سر تا قدم تصویر قرآن خدایی  
 شمس الضحایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 هر جا که هستی، جان ما، جان سلامت  
 اصل بقایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 بین قنوتت يك دعا بهر گدا کن  
 روح دعایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 بر سرزمین قلب عشاق حسینی  
 فرمانروایی تو، به بدخواه تو لعنت  
 اصل ولایت در وجودت منجلی شد  
 لعنت به هر کس مُنکرِ آل علی شد

بگذار تا چشم انتظار تو بمانم  
 بگذار من هم بی قرار تو بمانم  
 جان را به کف بنهاده و سوی تو آیم  
 اذنم بده تا جان نثار تو بمانم  
 جانم سپر گردد تو را در هر بلایی  
 گردم فدایی، پای کار تو بمانم  
 ننگت نباشم، گل شوم برسینه تو  
 تا زنده‌ام در انتظار تو بمانم  
 از حق بخواهم «تا مرا پاکم نمایی»<sup>۱</sup>  
 در کربلا با دست خود خاکم نمایی<sup>۲</sup>

۱. کاربرد دو ضمیر نادرست است. «مرا پاک نمایی» یا «پاکم نمایی»

۲. سید محمد میرهاشمی





خوش هشتم؛  
کلین مجالس

## فصل اول؛ میلاد امام حسین علیه السلام

### ترک ۰۱ - شعر

چشم تو گشت و از همه ما را خطاب کرد  
 لطفش بلند باد که کار ثواب کرد  
 هر کس که بندگی تو را انتخاب کرد  
 او را نگاه مادرت عالیجناب کرد<sup>۲</sup>  
 گفتیم بعد حضرت زهرا حسین جان

آشفته زلفم و شب طوفانم آرزوست  
 کنعانم آرزوست، سلیمانم آرزوست  
 یک بار از لب تو حسن جانم آرزوست  
 با خون رقم زخم که دو سلطانم آرزوست  
 امشب بیا بزن رگ ما را حسین جان<sup>۳</sup>

۱. بانوای: حاج محمود کریمی  
 ۲. ایراد وزنی دارد؛ «ع» از وزن خارج است.  
 ۳. بیت، نه جنبه مدح دارد و نه حاوی تعبیر روشنگرانه‌ای است.

مست است آن که بر در میخانه ایستاد  
مرد است آنکه تا ته پیمانه ایستاد  
سرنیست آن سری که روی شانه ایستاد  
برپای عشق جز تو که مردانه ایستاد  
کو نیست غیر زینب کبری حسین جان

تو می‌رسی و با تو خبرها یکی یکی  
لیخند می‌زنی به پسرها یکی یکی  
افتاده اند پیش تو سرها یکی یکی  
با ماه هاشمیت قمرها یکی یکی  
عباس نوکرم شب فردا حسین جان

شعرم رسیده است به ایبات آذری  
هر کیم ائلر محضر آقاما نوکری  
زهرا ائلر خادم عباسه مادری  
زینب واری نقدر ابالفصل یاوری  
نقش اولدی روی بیرق سقا حسین جان

ما پیر می‌شویم شبیه حبیب تو  
امشب سلام ما به لب بی نصیب تو  
ما را که گشته است صدای غریب تو  
شبهای جمعه ایم پراز بوی سیب تو  
جان خواستی به چشم بفرما حسین جان<sup>۱</sup>

## ترکی ۰۲ - شعر

ای همه پیغمبران کنید از جا قیام  
 نهید رو با شعف به بیت خیرالأنام  
 همه به ذکر و دعا همه به عرض سلام  
 که روی دست نبی حسین دارد مقام  
 مسیح در هر نفس کلیم در هر کلام  
 زنند دم از حسین به اشتیاق تمام  
 شب سرور خداست جهان پر از این نداست  
 ظهور نورالهدی است حسین روحی فداست

جهان اسلام بود در آرزوی حسین  
 رسول اکرم زند خنده به روی حسین  
 ام ابیها کشد شانه به موی حسین  
 گشوده شیر خدا دیده به روی حسین  
 گرفته دین آبرو از آبروی حسین  
 نهند پیغمبران جبین به کوی حسین  
 حسین فوزالعظیم حسین نور مبین  
 حسین عین الحیوة حسین حق الیقین

نهاد پا در جهان امام عفو و کرم  
 ز مقدمش آمده مدینه رشک ارم  
 صورت زیبای او سوره نون و القلم  
 به آبرویش قسم به خاک کویش قسم  
 که ما نبودیم و او به ملک دل زد قدم  
 به هردلی ساخته خدا برایش حرم  
 حسین یار دل است گل بهار دل است  
 به مهر او دل خوشم که عشق کار دل است

نفس از او دم از او نشاط از او غم از او  
 او ز رسول خدا رسول اکرم از او  
 تمام او از خدا تمام عالم از او  
 حیات عالم از او نجات آدم از او  
 حسین خود قلب ماست قلوب ما هم از او  
 منم که تا روز حشر تمام هستم از او  
 قعود یعنی حسین قیام یعنی حسین  
 سجود یعنی حسین سلام یعنی حسین<sup>۱</sup>

## ترک ۰۳ - شعر

ای آسمان عصمت شمس الضحی مبارک  
 ای وسعت دو عالم نور خدا مبارک  
 ای انبیاء مبارک ای اولیاء مبارک  
 زهرا، علی، محمد، عید شما مبارک  
 حق الیقین خوش آمد نورالهدی خوش آمد  
 بر پیکر ولایت، خون خدا خوش آمد

لیریز شد ز کوثر پیمانۀ محمد  
 با دست حق شکفته ریحانۀ محمد  
 تابیده از دو دریا دردانۀ محمد  
 قرآن نهاده صورت بر شانۀ محمد  
 مرآت داور استی جان پیمبر استی  
 چشم بد از رخش دور انگار حیدر استی

آیینۀ الهی از عرش اعظم آمد  
 مسجود پیش از آدم از صلب آدم آمد  
 برخاتم نبوت الحق که خاتم آمد  
 روح مصور آمد جان مجسم آمد

امشب رسول صورت از اشک شوق شوید  
در موج اشک و لبخند جانم حسین گوید

این است آن که خوانند پیغمبران امامش  
این است آن که گوید ذات خدا سلامش  
این است آنکه قرآن زنده است با قیامش  
این است آنکه در عرش مشهور بود قیامش  
دوش رسول جایش بر چشم عرش پایش  
کار خدا سنایش جان جهان فدایش

اشک محبت اوست آب حیات امت  
خوانند از الستش باب نجات امت  
مقبول با ولایش حج و زکات امت  
مردود بی نگاهش صوم و صلاة امت  
گل بوسه‌های احمد گل کرده بر وجودش  
عرش خدای رحمان بالیده بر سجودش

تنهای عالم است او عالم همه سپاهش  
خورشید وام گیرد از بنده سپاهش  
پیغمبران به محشر محتاج یک نگاهش  
بر کعبه می‌کند ناز زوّار بارگاهش  
نیل و فرات و زمزم لب تشنه لب او  
تا حشر آفرینش مدیون زینب او

ای رحمت همواره ای بحر بی نهایت  
 تو کیستی که داری بر انبیاء ولایت  
 هم کشتی نجاتی هم مشعل هدایت  
 از ما همه توسل از تو همه عنایت  
 هر چند لحظه‌ای دل از تو جدا نکردیم  
 حق ولایت را هرگز ادا نکردیم

هر چشمه پرزاشک است یک بحر رحمت او  
 تا صبح روز محشر هر روز نهضت او  
 حور و ملک تبرک جوید ز تربت او  
 حتی شهادت او باشد ولادت او  
 اطراف حائر او می‌گردد استجابت  
 از خاک زائر او روید گل اجابت<sup>۱</sup>

هم وجه کبریایی هم جان مصطفایی  
 هم جان مصطفی هم جانان مصطفایی  
 هم روی دست و سینه قرآن مصطفایی  
 هم بین حق و باطل فرقان مصطفایی  
 رخ وجه کبریایت آئینه خدایت  
 در عالم غربی خلقند آشنایت

۱. السلام علی من الاجابه تحت قبته، السلام علی شفاعه فی تربته، السلام علی من الائمه  
 من ذریته... این سه تا سلام مخصوص ابا عبدالله است، به هیچ کس دیگه نمی شود  
 اطلاق کرد، این سه ویژگی را خدا فقط به حسین علیه السلام داده ...



بی مهر تو عبادت غیر از زبان ندارد  
بی خون حنجر تو ایمان روان ندارد  
بی زخم پیکر تو اسلام جان ندارد  
گر تو سخن نگویی قرآن زبان ندارد

## ترک ۰۴ - شعر

تا آبشار زلف تو را شب نوشته‌اند  
 ما را اسیر خال روی لب نوشته‌اند  
 در اعتکاف گیسوی تو سال‌های سال  
 مشغول ذکر و سجده و یا رب نوشته‌اند  
 در محضر نگاه الهی تو مرا  
 در خیل نوکران مذهب نوشته‌اند  
 شبهای جمعه که دل من مست کربلاست  
 از اشتیاق وصل لبالب نوشته‌اند  
 با یک نگاه مادرت اینجا رسیده ایم  
 با این دلی که فاطمه مذهب نوشته‌اند  
 «از هرچه بگذری سخن دوست خوش‌تر است»<sup>۲</sup>  
 ما را فدای دلبر زینب نوشته‌اند  
 من را که بی قرار حرم می‌کنی بس است  
 اصلاً مرا غبار حرم می‌کنی بس است

۱. بانوای: حاج مهدی سلحشور

۲. مصراع ایراد وزنی دارد؛ ضمناً این مصراع، «تضمین» بیت شیخ اجل، سعدی است که به دور از اصل امانت‌داری و با تصرفی ناشایسته در آن، به این شکل درآمده است! شکل درست مصراع، چنین است: از هرچه می‌رود سخن دوست خوش‌تر است.

شرط نزول کوثر رحمت دعای توسل  
 اصلاً تمام خلقت عالم برای توسل  
 بالاتری ز درک تمام جهانیان  
 وقتی که انتهای جهان ابتدای توسل  
 بی حب تو کسی به سعادت نمی رسد  
 رمز نجات اهل زمانه ولای توسل  
 آسوده خاطران هیاهوی محشریم  
 وقتی رضای حضرت حق در رضای توسل  
 فردوس ماست تا به ابد روضة الحسین  
 تنها بهشت اهل ولا کربلای توسل  
 در آستانه تو کسی نا امید نیست  
 صحن امیر علقمه دارالشفای توسل  
 از ابتدای صبح ازل فضل می کنی  
 ما را گدای دست اباالفضل می کنی

وقتیکه هست دوش نبی آسمان تو  
 یعنی تو از پیمبری و او از آن تو  
 فرزند خویش را به فدای تو کرده است  
 بسته است جان حضرت خاتم به جان تو  
 معلوم کرد نزد همه حرمت تو را  
 با بوسه های دم به دمش برده ان تو  
 فرمود هفت مرتبه تکبیر عشق را  
 تا بشنود ترنم عشق از زبان تو  
 آوای «من أحب حسینا» وزیده است  
 هر روز پنج مرتبه از آستان تو

ما از در حسینه جایی نمی رویم  
 هستیم تا همیشه فقط در امان تو  
 هر شب نشسته فطرس اشکم به راه عشق  
 آنجا که صبح می‌گذرد کاروان تو  
 این اشکها برای دلم توشه می‌شود  
 اذن طواف مرقد شش گوشه می‌شود

از همان روز که از دامن مادر زادم  
 بود زخمی به جگر نعمت مادر زادم  
 بوده ام هیچ و همه بود و نبودم از توست  
 آن زمانی که نبودم به غمت دل دادم  
 سالها بود که در بند تعلق بودم  
 از زمانی که اسیر تو شدم آزادم  
 هرچه دارم همه از پاکی مادر دارم  
 رحمت حق به روانش که حسینی زادم  
 پیش از آنی که پدر جانب مکتب بردم  
 الف قامت عباس تو شد استادم'

### ترک ۰۵ - سرود<sup>۱</sup>

داره میاد بوی گل شقایق      شده شب دیوونه‌های عاشق  
منم و دل دم ساحل دریا      دو سه شبه منتظر به قایق  
قایقی که ما رو به دریا می‌کشونه      ما رو به کشتی نجات می‌رسونه  
حضرت صدیقه طاهره نذرت آقا      وان یکاد و آیه الکرسی می‌خونه  
دارم پورهایی      تو دلم غم نداره جایی  
به دور تو پر حور و پری همه مشغول گدایی  
آروم و قرارم حسین بن علی      ماه شب تارم حسین بن علی  
دار و ندارم حسین بن علی

دارم همه ش به آرزو تو سینم      دوباره اون حرمت بینم  
می‌خوام ازت تا که پیام ای آقا      رو به روی ضریح تو بشینم  
قبله نگو قبله من ایوون طلایه      آخر آسمون همون پایین پاته  
هرکی میره خونه بخت خوشبخت شه اما      خونه بخت من فقط کرب و بلا ته  
با شهپر فرشته      روی قلبم خدا نوشته  
کرب و بلا نگو بگو خود خود خود خود بهشته  
آروم و قرارم حسین بن علی      ماه شب تارم حسین بن علی  
دار و ندارم حسین بن علی

۱. بانوای: حاج سید مهدی میرداماد

## ترک ۰۶ - سرود

امشب تو بین الحرمین خبر عشقه فاطمه مادر و علی پدر عشقه  
 آگه دست به دعا بگیریم قول کرب و بلا بگیریم  
 مثل فطرس شفا بگیریم

بخدا چی بهتر از این که زیارت بشه تضمین  
 زیارت شاه کربلا آرزومه آرزومه آرزومه  
 خدا می دونه اسم شما تو گلومه تو گلومه تو گلومه

اسفند می سوزونه براش زینب عقیده ساقی ما رو دوست دارن از هر قبيله  
 بزیند نغمه یا هو بکشید کوچه رو جارو  
 شفا می خوام علمش کو

علم فرزند حیدر شیر نرمانند حیدر  
 الهی به زیر قدمات من بمیرم من بمیرم من بمیرم  
 توی ضریح قاب چشات جا بگیرم جا بگیرم جا بگیرم

از کربلا پر بگیریم راهی شیم مدینه امامی که معروف به قبله نشینه  
 ذکر هر روزت عشقه سحر و سوزت عشقه  
 نماز و روزهت عشقه

دلّم پرنده کردی وقتی به من خنده کردی  
 نوای دل دیوونه ام ذکر عرفانی یا زین العباده  
 آرزومه یک سحر بیام تا مدینه یک سفر پای پیاده

ترک ۰۷ - سرود<sup>۱</sup>

دیوونهُ دیوونم می خونم نغمهُ دل آگاه السلام علیک یا ابا عبدالله  
 از زمین تا به ثریا تا دل سفید ابرا دشت و کوه دامن صحرا  
 خشکی و جنگل و دریا هرچی که هست توی دنیا  
 حال مجنون حال لیلا  
 انگار امشب به جور دیگند همه دارن ذکرْت میگن  
 گلایی که تو گلدونه صدا دونه‌های بارونه دل دیوونه‌ها می‌خونه  
 یا حسین یا حسین  
 دوباره شب مهتابه نور خدا داره می‌تابه شب تولد اربابه  
 یا حسین یا حسین  
 حسین حسین بخدا دل تو دلم نیست  
 حسین حسین عاشقم دست خودم نیست

دیوونهُ دیوونم می خونم نغمهُ دل آگاه السلام علیک یا ابا عبدالله  
 برای دلای شیدا اومده حضرت آقا به روی دامن زهرا دمیده خورشید مولا  
 اومده شفای دلها نغمه و دعای دلها  
 به هوای دیدن دلبر مرغ روح ما می‌زنه پر  
 مدینه چه گل بارونه لبای علی خندونه قناری داره می‌خونه  
 یا حسین یا حسین  
 نوای شب می‌خونه ساغر و لب پیمونه باده توی خم می‌خونه

۱. بانوای: کربلایی حنیف طاهری

یا حسین یا حسین  
حسین حسین اسیر نیمہ نگاتم  
حسین حسین من همون غلام سیاتم



### ترک ۰۸ - سرود<sup>۱</sup>

اسم تو از زیون مادرم شنیدم اریابی من به خوبی شما ندیدم<sup>۲</sup>  
 نوکری تو به کل عالم نمیدم  
 دل دیوونه مستته زندگی‌م تو دستته خاطرت برام عزیزه  
 غلام خونه زادتم روز و شبم به یادتم مادرم برات کنیزه  
 توسرو سامونمی برکت خونمی عزیزتر از جونمی اریابم اریابم  
 حسین آقام آقام آقام

...

جوونیم دادم و عشقت خریدم مزه عشق سرسفرتون چشیدم  
 نوکریت به کل عالم نمیدم  
 سینه زناث دوست دارم گریه کناث دوست دارم بخدا صفاث عشقه  
 هرکسی که عزیزته اونی که چایی ریزته همه نوکراث عشقه  
 پائیزم بهارمی تودار و ندارمی یه عمره کنارمی اریابم اریابم  
 حسین آقام آقام آقام

۱. بانوای: کربلایی حسین سیب سرخی

۲. با حذف یک بند

## ترک ۰۹ - شورا

مست می‌ناب شدم      دوباره بی تاب شدم  
 امشب اون شبی که      صاحب ارباب شدم  
 شاه و سرورم حسین      صاحب کرم حسین  
 کاش تا نفس دارم تنها بگم حسین  
 منت رو سرم بذار      ارباب من یه بار  
 تو بین نوکرا اسم منم بیار  
 اربابم تولدت مبارک      اربابم اربابم

حضرت والا حسین      عزیززهره حسین  
 همیشه عاقبت بخیر      هر کی باشه با حسین  
 اسم تو مقدسه      عشقت برام بسه  
 حرف دلم همون حرفای عابسه  
 ای آب و گل و سرشت      معنی سرنوشت  
 شیش گوشه توئه      شیش گوشه بهشت  
 اربابم تولدت مبارک      اربابم اربابم

اول و آخر حسین شفیع محشر حسین  
 کاش از باب قبله من سلام بدم بر حسین  
 کاش ما ز نگاه کنی حاجت روا کنی  
 باز زینبیه ز راهش روا کنی  
 رو دستام یه پرچمه چشمام یه زمزمه  
 امشب دلم پی رزق محرمه  
 اریابم تولدت مبارک اریابم اریابم

ترک ۱۰ - شور<sup>۱</sup>

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز  
 مجنون مجنونم مستونه می خونم  
 من با تو آرومم بی تو سرگردونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز  
 تو یاس و یاسینی من محتاج و غمگین  
 تو ذکر جان بخش و من دست بی جونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز  
 تو دلدار ناز و آهنگ پرواز و  
 من بی دست و پا و درگیر زندونم

ای عشق شور انگیز ای شور آتش خیز  
 تو مثل بارون و من مثل پاییزم  
 تو مثل رویا من از حسرت لبریزم  
 من افتاده از پا لطفی تا برخیزم

### ترک ۱۱ - شور

امشب که شب دلدادگی و مستونگی و مجنون شده  
 امشب ستاره از عشق حسین تا دم صبح چشمک می‌زنه  
 رو دامن طاها خوابه گل مولا لالایی زهرا یابن علی لالا  
 بین آسمونا بی تابن پریا میخونن یه صدا  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

بی همگان به سرشود بی تو به سر نمی شود  
 عشق تو دارد این دلم جای دگر نمی شود  
 من همه دار و ندارم تویی آقا اونی که زیر پاش سرمی ذارم تویی آقا  
 خدای عاشقا امیر عالمین خوش اومدی حسین  
 حسین حسین حسین  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

کم کم که داره از یاد لبش حسرت به دل زمزم می‌زنه  
 نم نم رو گلا از رایحه لبخند حسین شبنم می‌زنه  
 نور خدا اومد ذکر شفا اومد ذکر جنون ما دیوونه‌ها اومد  
 ای سرمنزله عشق شکل کامل عشق تنها ساحل عشق  
 دوباره شد سرم هوایی حسین رو سینه حک شده فدایی حسین

تا روز حشر رهبر آزادگیست خون جوانان او جوهر آزادگیست  
 خاک شهیدان او مظهر آزادگیست قامت عباس او محور آزادگیست  
 قتلگه اش تا ابد سنگر آزادگیست پیکر صد چاک او منظر آزادگیست  
 پیرو او کیست کیست کسی که آزادزیست بنده درگاه او جز به خدا بنده نیست  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

من مجنونم تو لیلایی من رو خاکم تو بالایی  
 تو زهرا و تو مولایی تو طاها و تو آقایی  
 بی تو زندگی حرومه بی تو کار من تمومه با تو بودنم تمومه  
 آبرومه آرزومه  
 خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

تویی که خدای دلهایی تویی که برای همه عاشقا دنیایی  
 تویی که آبروی همه ماها جلوی علی و زهرایی  
 تویی که غمای ما رو می دونی تویی که دلای ما رو می خونی  
 تویی که برای ماها می مونی تویی که تویی که تویی که آقایی  
 خدای عاشقا امیر عالمین دوست دارم حسین  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

شاه عرصات کشتی نجات جانم به فدات عالم به فدات  
 رو کرده خدا هرچی که داره رحمت می باره پیش قدمات  
 بی تو گرفتارم ماه شب تارم قلبم پریشونه از بس دوست دارم  
 عشق تو رو دارم اسمت تاج سرم آقایی تو برم  
 حرومه عاشقی به جز برا حسین پیچیده تو بهشت صدای یا حسین

## فصل دوم؛ میلاد حضرت ابا الفضل علیه السلام

### ترک ۰۱ - شعر

خدا جلوه دارد به پیشانی تو فدای مناجات پنهانی تو<sup>۱</sup>

...

به لب آورد جان داوودها را نوای تو الحان قرآنی تو  
 تو بر کوهسار معارف نشستی زمین تشنه دست بارانی تو  
 حسینیه‌ای سفره دار حسینی که هر شب بود شام مهمانی تو

فراوانی از تو سلیمانی از تو مسلمانی از تو ادب دانی از تو

دعاهای روحانی از تو

به کعبه رجزخوانی از تو احادیث طوفانی از تو

روایات نورانی از تو عنایات سبحانی از تو

نفسهای رحمانی از تو و سلمانی از تو

علی گویی از تو علی خوانی از تو

دل ما و دربار سلطانی از تو

چه خوش سرفرازی چه خوش سربه زیری

امیری حسین و نعم الامیری

۱. با نوای: حاج محمود کریمی

۲. با حذف یک بند

طلوع شکوهت بدایت ندارد      کرم خانه تو نهایت ندارد  
نگاه تو قبل از دعا داده حاجت      به اظهار محتاج عادت ندارد  
به جایی که یوسف دریده گریبان      دل ما نیازی به غارت ندارد  
از این محشری که به پا کرده پیداست      که رنگی به پیشت قیامت ندارد

به چشم تو غیرت به تیغ تو صولت      به نامت صلابت به دامن سخاوت  
به بازوت قدرت به پای تو همت      به دستت کرامت پری از رشادت  
شهامت سعادت بصیرت محابت      فتوت مروت به میدان مسلط رجزها مسمط  
که از برق چشمت همه غرق حیرت      تو از آل عصمت تو از بیت عترت  
توقامت قیامت علی در هدایت      علی در عنایت علی در قداست

علی در مهارت

و ناد علی دارد از تو حکایت      بدون تو عطری محبت ندارد

چنان سرفرازی      چنان سر به زبری

امیری حسین و نعم الامیری

....



من از جنس شب‌های پرتها بام که در بند گیسوی پرپیچ و تابم  
 اگر بر حریم حرم مستجیرم فقط با نگاه شما مستجابم  
 من و لطف باب الحوائج همین بس بگو با تو باشد حساب و کتابم  
 دعا کن حرم آیم و بر نگردم که این عشق کرده است خانه خرابم  
 خرابم خرابم خرابم جوابم تویی انتخابم که عالیجنابم  
 غم بی حسابم ز داغت کبابم و مشکت عذابم

...

کجایی سحابم کجایی نقابم  
 دل زینبیه شده قرص با تو که در سایه بیریق آفتابم  
 تو و سرفرازی تو و سربه زیری  
 امیری حسین و نعم الامیری

## ترک ۰۲ - شعر

بنفسی انت ای سرتا قدم ایشار و آقایی  
 جمالت با نگاه یوسف زهرا تماشایی  
 حیا را تا صف محشر حیا از گردش چشمت  
 خجالت می کشد از ماه زیبای تو زیبایی  
 گرفته در بغل امینت دم به دم گوید  
 که عباس من از روز ولادت هست زهرایی  
 امیرالمومنین نفس نبی بوسیده دستت را  
 که این دست است روز رزم یک لشکر به تنهایی  
 تو ای سرتا قدم غیرت چه کردی در دل دریا  
 که بر لبهای خشکت چشم غیرت گشته دریایی  
 به جز تو ای علی خصلت ندارد هیچ فرمانده  
 مقام پاسداری و علمداری و سقایی  
 تو آن ماه دل افروزی که در جمع بنی هاشم  
 به دنبال سرت خورشید کرده راهپیمایی  
 تو هم باب المراد عالمی هم اشجع الناسی  
 تو عباسی تو عباسی تو عباسی تو عباسی

بنفسی انت ای دست علی در آستین تو  
 شجاعت سجده آورده است بر خاک زمین تو

کی ام من تا فدایی تو گردم ای که در وصف  
بنفسی انت فرموده امام راستین تو  
از آن رو سجده می‌بالد به خود تا دامن محشر  
که نقشش مانده‌ای روح عبادت بر جبین تو  
سزد بر خود ببالد تا قیامت ظهر عاشورا  
به یاد دست و تیغ و حمله فتح المبین تو  
امیرالمومنین دست خداوند است و می‌بیند  
که جای بوسه اش مانده به دست نازنین تو  
امامت پیش رو خیزد ادب پشت سرت آید  
شرافت در یسار تو شجاعت در یمین تو  
تو آن عبد خداوندی که در دامان گهواره  
تولای حسین بن علی بوده است دین تو  
اگر اذن شهادت می‌گرفتی از امام خود  
به دشت کربلا خون می‌گذشت از صدر زین تو  
درود تشنگی بر لب سلام آب بر خاکت  
که گردد تا قیامت بحر دور تربت پاکت

سلام الله بردستی که با آن در صف محشر  
شفاعت می‌کند از شیعیان صدیقه اطهر  
اگر زهرای مرضیه تو را فرزند خود خوانده  
یقین دارم به فرزندی قبولت کرده پیغمبر  
سزد جبریل هنگام نبردت ظهر عاشورا  
بر آرد از جگر پیوسته فریاد هوالحیدر  
تو داری از امیرالمومنین ارث شجاعت را  
تو بردی از همان اول ادب را ارث از مادر

تو و بابت امیرالمومنین هستید دو ساقی  
 تو سقای بیابان بلا او ساقی کوثر  
 بغیر از تو که سر نشناختی از آب موج خون  
 که یک لحظه به راه دوست داده دست و چشم و سر  
 بسا عاشق شنیدم در همه دوران عمر خود  
 خدا داند ندیدم عاشقی را از تو عاشق تر  
 گرفتی چون علم بر دوش خود انگار می دیدم  
 امیرالمومنین آورده رو در قلعه خیر  
 ندیده دیده تاریخ جز روز نبرد تو  
 که از یک تن گریزد در صف پیکار یک لشکر  
 چگونه حمله آوردی که دشمن شد ثناگویت  
 سلام «میثم» بی دست و پا بردست و بازویت

ترک ۰۳ - شعر<sup>۱</sup>

کار دارند عاشقان با شب      بهترین فرصت تمنا شب<sup>۲</sup>  
 مزد امشب نماز فردا شب      من مناجات می کنم با شب  
 شب مناجات می کند با ماه

سر ماه «است عمامه خورشید<sup>۳</sup>»      دست ماه است نامه خورشید  
 تن ماه است جامه خورشید      ماه یعنی ادامه خورشید  
 می شود آفتاب شب‌ها ماه

سرو کارم که با سحرافتاد      جگر من به دردسرافتاد  
 خواب در چشم‌ها اگر افتاد      بار ما گردن قمرافتاد  
 همه خوابیده اند الا ماه

...

تاکنار حسین ما رفتیم      تا که باب الحسین را رفتیم  
 با اباالفضل کربلا رفتیم      هر کجا رفت و هر کجا رفتیم  
 جلو انداخت کار ما را ماه

۱. بانوای: حاج مهدی سلحشور

۲. با حذف یک بند

۳. مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است.

همه در محضرش وضو دارند      از سر کویش آبرو دارند  
و توسل به دست او دارند      بعد ازین اهل بیت عمو دارند  
چه عمویی ببین سرا پا ماه

چشم هایش همان جلالش باد      ماه قربان آن جمالش باد  
«صلوات خدا به بالش باد»<sup>۱</sup>      شیرام البنین حلالش باد  
کیست عباس؟ کوه، دریا، ماه

بیشتر جلوه می کنی در شب      می شود با تو دیدنی تر شب  
وقت وصل است وقت آخر شب      شب که از راه می رسد هر شب...  
ماه را می کند تماشا ماه

کوچه کوچه پی گدا می گشت      سنگ در دست او طلا می گشت  
سایبان سه ساله ها می گشت      آنقدر بین کربلا می گشت  
دور زینب به جای زهرا ماه<sup>۲</sup>

۱. مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است.

۲. تعبیر جذاب و قابل دفاعی نیست.

۳. شاعر: علی اکبر لطیفیان

## ترک ۰۴ - شعر

ای چارم شعبان ز محمد صلوات  
 هرروز و شب از خالق سرمد صلوات  
 از فاطمه و حیدر و احمد صلوات  
 وز خون خدا آمده بی حد صلوات  
 دامن تو گلزار دل اهل یقین است  
 بوی خوشت از دست گل ام بنین است

این یاس که گل کرده به گلخانه حیدر  
 قرآن حسین است سرشانه حیدر  
 آری همه سجده به دردانه حیدر  
 فردوس برد رشک به ریحانه حیدر  
 از پاره دل برگ گل یاس بیارید  
 ناز قدم حضرت عباس بیارید

این قلب حسن جان حسین است ببینید  
 این سوره فرقان حسین است ببینید  
 این سرو گلستان حسین است ببینید  
 این ماه درخشان حسین است ببینید  
 این پیش بلاها سپریوسف زهرا است

این باب مراد است و در یوسف زهرا است

گرچه صدف ام بنین را گهر است این  
بر حیدر و زهرا و پیمبر پسر است این  
در محفل ذریهٔ زهرا قمر است این  
یا که حسن و یا که حسین دگراست این  
این است که حیدر زده گل بوسه به دستش  
تقدیم بنی فاطمه گردد همه هستش



ترک ۰۵ - شعر<sup>۱</sup>

روزی شعر من امشب دو برابر شده است  
 چون که سرگرم نگاه دو برادر شده است  
 چون که بانوی کلابیه پسر آورده  
 چشم وا کن پدر خاک قمر آورده  
 هر که از قافلۀ فطرسیان جا مانده  
 نظرش خیره به گهواره سقا مانده  
 زور بازوی تویی حد و عدد خواهد شد  
 بعد از این ام بنین ام اسد خواهد شد  
 با وجود تو زمین حیدر دیگر دارد  
 کعبه جا دارد اگر باز ترک بردارد  
 از در خانه او پا نکشیدم هرگز  
 چون «حسینی تراز عباس<sup>۲</sup>» ندیدم هرگز  
 کاشف الکرب تویی خنده ارباب تویی  
 پدر خاک علی و پدر آب تویی!  
 ساقی ما چه شرابی چه سبویی دارد  
 بنویسید رقیه چه عمویی دارد  
 روی چشم «تو بود<sup>۳</sup>»  
 جای حسن جای حسین

۱. با نوای: حاج سید محمد جوادی

۲. مصراع، ایراد وزنی دارد و «ع» از وزن خارج است.

۳. مصراع، ایراد وزنی دارد و باید «بود» را به شکل «بُد» خواند تا وزن شعر درست گردد.

هست مابین دو ابروی تو بین الحرمین  
 پیش خورشید و قمر سایه تو سنگین است  
 و فقط محضر زینب سرتو پایین است  
 وسط جنگ زمین را به زمان دوخته ای  
 فن شمشیر زنی را ز که آموخته ای؟!۱

### ترک ۰۶ - سرود

شب مستیم امشب    شب خیلی خاصه  
هرچی جون دارم امشب    تو طبق اخلاصه  
شب قدر عاشقای رایه العباسه  
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله    یاد قدیمای می خونم گاهی وقتا  
صدای بارون داره میاد    یکی غزل خون داره میاد  
آی عاشقا خیر خبریه پهلوون داره میاد  
برای شبای دلم ماه اومده    بیایید واسه دلا دلخواه اومده  
وزیری که به یاری شاه اومده  
اونیکه مایه آبرومه آقام ابالفضله  
بابا حرف حساب یک کلومه آقام ابالفضله  
آقام آقام آقام ابالفضل

شب مستیم امشب    شب خیلی خاصه  
هرچی جون دارم امشب    تو طبق اخلاصه  
شب قدر عاشقای رایه العباسه  
سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله    یاد قدیمای می خونم گاهی وقتا  
طپشای دل من می خونه    شب ولادته پهلوونه  
زمین و آسمونا رُ دلای دشمنامون    اسم ابالفضل می لرزونه  
توی شبای تنهایی من    ماه دل من ماه بنی هاشمه

خدا می دونه آرزوم اینه برم حرم علمداره علقمه  
 بنام هیبت ابالفصل بنام غیرت ابالفصل  
 بنام حضرت ابالفصل می ریم زیارت ابالفصل  
 قمر عشیره آقام ابالفصل

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه  
 هرچی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه  
 شب قدر عاشقای رایه العباسه  
 سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیمای خونم گاهی وقتا  
 السلام علی ساقی العطاشا قمر اومده از راه بیاید تماشا  
 دل برده غصه مرده به به ام بنین پسر آورده  
 کشته منو کشته منو چشم سیاه ش  
 از برق نگاهش شیدا شده این دل  
 سقای حرم شاه کرم حامی زینب ساقی مودب جانم ابوافضل  
 مجنون یاریم مایه بذاریم سقا اومده ساقی بشه مشک بیارید  
 گری قرارید پرچم بکارید اومده علمدار حسین علم بیارید

شب مستیم امشب شب خیلی خاصه  
 هرچی جون دارم امشب تو طبق اخلاصه  
 شب قدر عاشقای رایه العباسه  
 سر سال عاشقیمه صد سال به این ساله یاد قدیمای خونم گاهی وقتا  
 کسی که یاری مثل تو داره بیاره یه سر زلفت تموم عالم نداره  
 من مست گل یاسم سراپا احساسم  
 دیوونه ام دیوونه ام دیوونه عباسم

### ترک ۰۷ - سرود ۱

امشب شب دیوونگیه امشب شب عاشق شدنه  
 امشب با ابوفاضلم و شب مستیه منه  
 قبله من شده پرچم و علم  
 پای پرچم و علم پرپر می زنم  
 جشن دلدادگی لحظه شادیه  
 همه می دونن دیوونگیمون مادر زاده  
 من غلام ابوالفضلم مست جام ابوالفضلم  
 من بنام ابوالفضلم  
 رفع الله رایة العباس

روشن دیگه دنیا ی غمه عباس ماه شب های منه  
 عباس صاحب قلب منه آخه آقای منه  
 من به عشق نگاش دیوونه شدم  
 با خیال حرم بی خونه شدم  
 لحظه عاشقی جشن آزاده  
 همه می دونن دیوونگیمون مادر زاده  
 من گدای ابوالفضلم من فدای ابوالفضلم  
 خاک پای ابوالفضلم  
 رفع الله رایة العباس

امشب دل من پر می زنه    مثل سائلا در می زنه  
 امشب دل مجنون شده به سیم آخر می زنه  
 تو ابا الفضلی و آقای دلم  
 ماه آسمونم و دنیای دلم  
 من خراب غمم    وقت آبادیه  
 همه می دونن دیوونگیمون مادر زادیه  
 من غلام ابا الفضلم    مست جام ابا الفضلم  
 من بنام ابا الفضلم  
 رفع الله رایة العباس

### ترک ۰۸ - سرود

ماه بنی هاشمیون همینه ماه اومده صورتش بینه  
 تک یل تک سواره همتا نداره حیدر تبارہ یا ابوالفضل  
 من تشنه تو سقایی تو فرزند زهرایی  
 به به به چه آقایی  
 ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

وقتی ابوالفضل علمش رو دوشه خون علی توی رگاش می جوشه  
 دل خوشی حرم تو شاه کرم تو تاج سرم تو یا ابوالفضل  
 عشقت دین و دنیا مه ذکر تو نفسهامه  
 صحت توی رویامه  
 ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

دلہ به عشق کربلا اسیره  
 برات از دست شما می گیره  
 زدم به سیم آخر شیردلاور عباس حیدر یا ابوالفضل  
 تو میدون یه سرداره سقا و علمداره  
 شور حیدری داره  
 ساقی و علمدار ابوفاضل ابوفاضل ابوفاضل

ترک ۰۹ - سرود<sup>۱</sup>

رو دست دریا تصویر ماه ببین    رو دست حیدر کودک ام بنین  
 این شبها صدای اریاب    آهنگ لالایی شه  
 می رسه یه روز تو دنیا    این آقا سقا میشه  
 از روز اولم با وفاست عباس عباس عباس  
 باب الحوائج ما سواست عباس عباس عباس

مثل باباشه پهلوونه عربه    پیش داداشش بی همتا تو ادبه  
 می بینم دل یک خواهر    خیلی خوشحاله امشب  
 غم دیگه نداره وقتی    عباس داره زینب  
 هرکس پراز غم و مشکل عباس عباس عباس  
 ذکرش فقط ابوفاضل عباس عباس عباس

۱. بانوای: کربلایی سید مجید بنی فاطمه



### ترک ۱۰ - شور<sup>۱</sup>

از شرم تو ای مه جبین    پشت ابراست ماه زمین  
 سرزد ماه آل علی    چشمش روشن ام البنین  
 ای خاک پات داروی درد    باب حاجات ای مرد مرد  
 از عشقت عشق شد دوره گرد    نور چشمت عین الیقین  
 چشمت روشن ام البنین

ای سقای فضل و ادب    بچه شیر شیر عرب  
 اومد با تو شمیردین    چشمت روشن ام البنین  
 ای فانی در مولای خود    ای باقی در اسرای خود  
 تو مولا و من هم همین    چشمش روشن ام البنین

## فصل سوم؛ میلاد امام سجاد علیه السلام

### ترک ۱ - شعر

مہتابِ شگفت شب طاعات رسیده<sup>۲</sup>  
 خورشید خداوند عبادات رسیده  
 سر حلقه‌ای از حلقه سادات رسیده  
 فصل می و مستی و مباحات رسیده  
 زین بعد چنین بزم مگر خواب ببینیم  
 لبخند تماشایی ارباب ببینیم  
 ...

ای باغ محبت گل محراب نیایش  
 عیسی نفسان را نفس ناب نیایش  
 ای چشمه جوشنده سیراب نیایش  
 ای قبله تابنده ارباب نیایش  
 ای آینه حی جلی حضرت سجاد  
 ای زین حسین ابن علی حضرت سجاد

۱. بانوای کربلایی حنیف طاهری

۲. با حذف دو بند

خورشیدترین قبله خورشید تویی تو  
 آسوده ترین ساحل امید تویی تو  
 عیدانه ترین عید در این باده تویی تو  
 آن سوی سرپرده توحید تویی تو  
 از روز ازل بود که با چشم تو مستیم  
 تا جام به دست تو بود باده پرستیم

....

فانوس خیالیم همه در سر راهت  
 دنبال دل گمشده بر زلف سیاهت  
 تنها دل ما نیست به دنبال پناحت  
 جبرئیل کبوتر شده در چتر نگاهت  
 خم را همه با نام تو سرمست شکستند  
 در عرش به عشق تو سرو دست شکستند

ترک ۰۲ - سرود<sup>۱</sup>

دوباره می‌باره اشکای شوق از چشمام      تو سینه می‌شینه شور شیرین آقام<sup>۲</sup>  
 شب سجاده می‌دونم      دستم خدا می‌گیره  
 سومین شبه که دنیا      بوی کربلا می‌گیره  
 منه عاشق امشب دوباره مهمونم      منه عاشق اهل حسین آبادم  
 منه عاشق دیوونه ابالفصلم      منه عاشق امشب دخیل سجام  
 یا علی ابن الحسین یا مولا

میون گهواره خوابیده خورشید عشق      رو دست اربابش قرص ماه عید عشق  
 علی دوم ارباب      شده آیینۀ بابا  
 عمو عباس می‌خنده      وقتی که می‌خنده لبه‌اش  
 منه عاشقم مدیون لطف آقامم      منه عاشق از بند غصه آزادم  
 منه عاشق مهمون سفره عشقم      منه عاشق امشب دخیل سجام  
 یا علی ابن الحسین یا مولا

...

۱. بانوای حاج احمد نیکبختیان

۲. با حذف یک بند

### ترک ۰۳ - سرود<sup>۱</sup>

علی دوم آمده دل مدینه پرز نور  
 به عشق این علی حسین گرفته محفل سرور  
 بهار خانۀ حسین ذکر ترانۀ حسین  
 علی علی

مهی که خانۀ حسین ز مقدمش صفا گرفت  
 مدال زین العابدین به عزت خدا گرفت  
 عزت هر دو عالمین نور دو چشمان حسین  
 علی علی

جلوۀ این سه دسته گل مدینه را مدینه کرد  
 سه عشق پاک و آتشین مکان به طور سینه کرد  
 مژده به جمع مومنین رسیده زین العابدین  
 علی علی

## ترک ۰۴ - شور

هرجا که حرف تو باشه غصه میره تو آگه نباشی دلم باز می‌گیره  
 پر می‌زنه دلای ما تا آسمون به زیر سایه شما ماه رمضان  
 صحیفه تو می‌سازه قلب منو هر روز و شب  
 نافله شبه منه آقا به تو عرض ادب  
 الهی که آقا چون باشه دلم خونه تو  
 منو همه بدونن اسیر و دیوونه تو  
 قبله سیار زمین جلوه‌ای از حبل المتین یا زین العابدین  
 انت سرور العارفین انت نجات المذنبین یا زین العابدین

تو مکتب عشق تو زانو می‌زنم من که با مادر تو هم وطنم  
 تا که دوتا دست توئه یاورمون ترسی نداره از کسی کشورمون  
 یه جور دیگه داری عنایت به ما ایرونی  
 الهی که ضریح تو ساختن بشه قسمت ما  
 خداکنه تو بقیع بشم یه روز کارگرت  
 بگیره دست منو دعای خیره مادرت  
 ماه امیرالمومنین عشق یل ام البنین یا زین العابدین

## فصل چهارم؛ میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

### ترک ۰۱ - شعر

ای طلعات حق از طلوع تو پیدا<sup>۱</sup>  
 وی زهق الباطل از عدوی تو گویا  
 ای لمعات نبوت از تو ملمع  
 ای جلوات امامت از تو مجلا  
 گرچه پیمبر نه‌ای ولی به پیمبر  
 اشبه ناس آمدی تو خَلَقاً و خُلُقاً  
 بر سر قبرش گذر مکن که هراسم  
 رای دهد بر نبوت تو بُحیری  
 عقل و خرد را به وصف تو طلبیدم  
 دل به قضاوت دوید و با همه گفتا  
 بر سرتاج عزیزمصر نویسد  
 یوسف کنعان غلام یوسف زهرا<sup>۲</sup>

۱. بانوای: حاج حسن خلیج

۲. با حذف یک بیت

۳. شاعر: سعید حدادیان

ترک ۰۲ - شعر<sup>۱</sup>

نیمه شبها سجده بر پروردگارش دیدنیست<sup>۲</sup>  
 خضر در قاب زلال چشمه سارش دیدنیست  
 مثل وقتی که پیمبر بود با آن احترام  
 بین مردم در مدینه اعتبارش دیدنیست  
 دست و دل بازیش رفته به کریم اهل بیت  
 نور آتش سر در دارالقرارش دیدنیست  
 خود به استقبال مهمان عزیزش می‌رود  
 لقمه‌ای از دستهای سفره دارش دیدنیست  
 زندگی هشت معصوم خدا در یک کتاب  
 حاصل عمر حسین و انتشارش دیدنیست  
 به به این شاگرد ممتازِ یل ام بنین  
 کم ندارد چیزی از آموزگارش دیدنیست  
 میمنه تا میسره وقتی که جولان می‌دهد  
 لشکری از ترس خشم این جوان جان می‌دهد

۱. با نوای: حاج محمدرضا طاهری

۲. با حذف سه بیت



با دو ابروی کجش شمشیربازی می‌کند  
 لحظه‌های غارت دل یکه تازی می‌کند  
 انتظار دیگری هم نیست از این طایفه  
 این پسر مثل پدر بنده نوازی می‌کند  
 در مسیر بازگشت از محضر بخشنده اش  
 سائل احساس سرور و بی نیازی می‌کند  
 داده لیلا را ز آقایی خود حس غرور  
 پای این بالا بلندش سرفرازی می‌کند  
 وقت قرآن خواندنش چشم حرم بارانی است  
 شورشی با نغمه شور حجازی می‌کند  
 بچه‌ها دل گرم و اهل خیمه خوش وقتی که هست  
 بین گهواره علی هم خواب نازی می‌کند  
 وقت میدان رفتنش کار پدر را ساخته  
 آتشی بر دامن اهل حرم انداخته

## ترک ۰۳ - شعراً

منطقتش منطق رسول خدا  
 در نهیبش ولی صدای علی  
 پدر ارجمند او فرمود  
 بس که دارم به دل ولای علی  
 پسران مرا نباشد اسم  
 به جز از عین و لام و یای علی

## ترک ۰۴ - سرود

علی علی علی اکبر بابا خوش آمدی  
 علی علی علی دلبر لیلیا خوش آمدی  
 ای بی همتا علی علی علی علی  
 عشق زهرا علی علی علی علی  
 علی یا علی

تویی تو آمدی حضرت شهزاده اکبری  
 و یا که سرزده ماه جمال پیمبری  
 حسین و کربلا هر دو دل آرا و دلبرند  
 ولی علی علی از دوتاشون دل تو می‌بری  
 ای بی همتا علی علی علی علی علی  
 عشق زهرا علی علی علی علی  
 علی یا علی

علی اکبری یوسف محبوب کربلا  
 اسیر عشق تو حضرت یعقوب کربلا  
 اگر عموش شده امیر لشکر برای او  
 تویی تو یا علی وزیر یعسوب کربلا  
 ای بی همتا علی علی علی علی علی  
 عشق زهرا علی علی علی علی  
 علی یا علی

## ترک ۰۵ - سرود

بار دیگر دل به سینه با صفا شد  
 کوچه کوچه شهر یثرب دلربا شد  
 صدای شور و غوغا به عشق پور لایلا  
 ز کوی آل هاشم رود تا عرش اعلا  
 ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر  
 یا علی اکبر

ماه شعبان آسمان را کن نگاهی  
 پور زهرا دارد امشب قرص ماهی  
 ماه حسین بهتر ز هر چه ماه و اختر  
 همان که اسم نازش بود علی اکبر  
 ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر  
 یا علی اکبر

بار الها دست ما را پر عطا کن  
 قسمت ما مدینه و کربلا کن  
 خدا به نور مهدی به راه دور مهدی  
 بیا به رسم عیدی رسان ظهور مهدی  
 ای گل حیدر شبه پیمبر یا مولا علی اکبر  
 یا علی اکبر

### ترک ۰۶ - سرود

دنیای من به تو وابستگی داره و دنیای تو تب دلواپسی داره و  
 دنیای من بی تو داغونه  
 شور عشقت با دل من چه‌ها کرده و اسمت آقا شده نقش قلب عاشق و  
 دنیا بی تو مثل زندونه  
 من بی تاب توام تو دنیای منی  
 من مجنون توام تو لیلای منی  
 من از اول بخوای نخوای مبتلاتم من از اول یکی از اون نوکراتم  
 من از اول دیوونه کربلاتم

چشم عالم شده مبهوت چشم تو ماه ارباب شده ماه جمال تو و  
 دنیا مجنون و تولیلای  
 تو ارباب دل پاک جوونایی و روی ماهت شده آینه احمد و  
 تو آروم جون بابایی  
 ای عشق مادر و ای دنیای حسین  
 دل بردی از پدر ای لیلای حسین  
 من از اول دیوونه و جون فداتم من از اول گدای لطف و عطاتم  
 من از اول دیوونه کربلاتم

## فصل پنجم؛ ولادت امام زمان علیه السلام

### ترک ۰۱ - شعر

برخیز که باز هم خدایی باشیم<sup>۲</sup>  
 در حال و هوای کبریایی باشیم  
 سرمست ز جام آشنایی باشیم  
 یعنی که مهیای گدایی باشیم  
 سلطان کریم انس و جان آمده است  
 برخیز که صاحب الزمان آمده است

امشب رخ مهر و ماه همراه بین  
 خورشید به شام نیمه ماه بین

...

منقوش بود در آسمان این کلمات  
 برماه رخ حضرت مهدی صلوات

۱. بانوای: حاج احمد واعظی

۲. با حذف یک بیت

هرچند که در شور و نواییم همه  
مشتاق حریم سامراییم همه  
از لطف خدا غرق صفاییم همه  
در خطه حضرت رضاییم همه  
در این حرم انوار خدا می‌جوییم  
تبریک به حضرت رضا می‌گوییم

## ترکی ۰۲ - شعرا

هر دل شده را بگو فرستد صلوات  
خواهد اگر آبرو بگو فرستد صلوات  
هر کس صلوات می فرستد یکبار  
ده بار خدا بر او فرستد صلوات

عالم شده لبریز ز بوی گل نرگس  
ای ماه بزن خنده به روی گل نرگس  
جبرئیل زند بال به سوی گل نرگس  
فردوس شده زائر کوی گل نرگس  
ای منتظران شاخه نباتی بفرستید  
نذر گل نرگس صلواتی بفرستید

در بزم سحر شمس به جای قمر آمد  
وز غار حرا باز رسول دگر آمد  
طوبای امید نبوی را ثمر آمد  
ای منتظران منتظران منتظر آمد  
این یوسف زهراست شتابید حضورش  
باشید همه منتظر روز ظهورش



دامان جهان باز گل ناز شد امشب  
 صبحی که خبر دادند آغاز شد امشب  
 با دست خداوند گره باز شد امشب  
 رازی که خدا گفته ابراز شد امشب  
 جان هدیه بیارید برای گل نرگس  
 ریزید گل و لاله به پای گل نرگس

در بزم خدا بوی خوش عود مبارک  
 بر بحر شرف گوهر مسعود مبارک  
 لطف و کرم حضرت معبود مبارک  
 دیدار رخ مهدی موعود مبارک  
 بُشرا که امام شهدا عید گرفته  
 تبریک بگویید خدا عید گرفته

عید است ولی عید جهان بشریت  
 برگشته به تن روح و روان بشریت  
 جان داده خدا باز به جان بشریت  
 این بیت شده ورد زبان بشریت  
 ای مردم عالم ره توحید بگیرید  
 امشب شب مهدیست همه عید بگیرید

ترک ۰۳ - شعر<sup>۱</sup>

لب ما و قصه زلف تو چه توهمی چه حکایتی  
 تو و سرزدن به خیال ما چه ترحمی چه عنایتی  
 به نماز صبح و شبت سلام و به نور در نسبت سلام  
 و به خال کنج لبیت سلام که نشسته با چه ملاحظی  
 به جمال وارث کوثری به خدا محمد دِ بگری  
 به روایتی خود حیدری چه روایتی چه اصلتی  
 بلغ العلی به کمال تو کشف الدجا به جمال تو  
 به تو و قشنگی خال تو صلوات هر دم و ساعتی  
 شده پردو چشم تو از ازل یکی از شراب و یکی عسل  
 نظرت چه کرده در این غزل که چنین گرفته حلاوتی  
 تو که آینه تو که آیتی تو که آبروی عبادتی  
 تو که با دل همه راحتی تو قیام کن که قیامتی  
 زد اگر کسی در خانه ات دل ماست کرده بهانه ات  
 همه جا گرفته نشانه ات به چه حسرتی به چه حالتی  
 غزلم اگر تو بسازیم و نی ام اگر بنوازیم  
 به نسیم یاد تو راضی ام نه گلایه ای نه شکایتی  
 نه مرا نبین رصدم نکن و نظربه خوب و بدم نکن  
 ز درت بیا و ردم نکن تو که از تبار کرامتی<sup>۲</sup>

۱. با نوای: حاج سید مهدی میرداماد

۲. قاسم صرافان

ترک ۰۴ - شعر<sup>۱</sup>

مجنونم و راه خانه می‌گیرم  
 صیدم که ز دست‌های صیادم  
 چون اشک روان گاه بی‌گاهم  
 هر بار که یاد یار می‌افتم  
 یک روز چنان غبار می‌آیم  
 من گرد و غبار راه دلدارم  
 از لیلی خود نشانه می‌گیرم<sup>۲</sup>  
 آزادم و آب و دانه می‌گیرم  
 بارانم و بی‌بهبانه می‌گیرم  
 با آتش دل زبانه می‌گیرم  
 بر دامن آشیانه می‌گیرم  
 دریاب مرا که دوست دارم

در سینه ام امشب آسمان دارم  
 از کوفه و سهله می‌روم تا قم  
 عمریست گدای خانه‌ات هستم  
 می‌خواهم که تمام هستم را  
 در پای نگاه دوست بگذارم  
 صد حرف نگفته بر زبان دارم  
 زیرا که هوای جمکران دارم  
 عمریست از این تنور نان دارم  
 می‌خواهم هر چه در توان دارم  
 دریاب مرا که دوست دارم

در عید رسیدن تو حیرانم  
 از اینکه تو هستی و نمی‌بینم  
 دل گرم به ریسه و چراغانی  
 مشتاق شبیه طاق نصرت‌ها  
 این چند خط ارادت من هم  
 هم شادم و هم کمی پریشانم  
 از اینکه کجایی و نمی‌دانم  
 سرگرم به کوچه و خیابانم  
 بی‌تاب در انتظار مهمانم  
 عرضی است برای نیمه شعبانم

۱. بانوای حاج محمد رضا طاهری

۲. با حذف سه بیت

ای مقصد حرف‌های بسیارم دریاب مرا که دوستت دارم

سرمست تو کی شراب می‌خواهد  
 درباغ تمام میوه‌ها کالند  
 تا آمدن تو زنده می‌مانم  
 سربازی دولت کریم تو  
 هرچند که دولت تو چون عیسی  
 با این همه من فدایی یارم  
 کی تشنه‌ عشقت آب می‌خواهد  
 باغ دلم آفتاب می‌خواهد  
 این پرسش من جواب می‌خواهد  
 از خون جگر خضاب می‌خواهد  
 رزمنده پا رکاب می‌خواهد  
 دریاب مرا که دوستت دارم

### ترک ۰۵ - شعر

بیشتر از بیشتر از بیشتر  
 من که او بسم ز قرن آمدم  
 لیلۀ قدر حسن عسکری  
 وای که دیوانه شدم یک کلام  
 می شود از عشق دلم ریشتر<sup>۲</sup>  
 وقت ندارم به خدا بیشتر  
 کاش قرار تو شود پیشتر  
 سورۀ والعصر علیک السلام

تا که پدر بر لب تو بوسه داد  
 در شب میلاد تو جودت شکفت  
 دم پر جبرئیل شدم بال زد  
 برد مرا اول شب کاظمین  
 ای علوی جود و جوادی مرام  
 بوی گل نرگسی آورد باد  
 لطف تو شد از سر عالم زیاد  
 بال زدم از در باب الجواد  
 برد مرا کرب و بلا بامداد  
 سورۀ والعصر علیک السلام

آمدم ای شاه پناهم بده  
 پنجره فولاد مرا راه داد  
 کنج حرم یا دم پایین پا  
 ماه مبارک من و دست تهی  
 می رسد عطر رضوی بر مشام  
 خط امانی ز گناهم بده  
 جان رضا خوانده و راهم بده  
 باز از آن لطف نگاهم بده  
 سوز جگر آتش آهم بده  
 سورۀ والعصر علیک السلام

۱. با نوای حاج محمود کریمی

۲. با حذف دو بند و دو بیت

کعبه هفتم شد و حاجات داد  
مادر من سفره نذرش گرفت  
ندبه تعجیل فرج رزق ما  
افضل اعمال بود انتظار  
من به مناجات توام مستدام  
سوره والعصر علیک السلام

کاش که مردان ظهورت شویم  
کاش که در غیبت تو استوار  
حضرت صادق تویی و کاش ما  
گفت که در بانی تو می‌کند  
تو خود معراجی و ما زیر گام  
صاحب یک سیرت و صورت شویم  
مثل زمان های حضورت شویم  
شیعه تو، مرد تنورت شویم  
کاش کمی خاک عبورت شویم  
سوره والعصر علیک السلام

با قلمت علم تناور شود  
شام غم و جهل و خرافات ها  
فصل شکوفایی عقل است و دل  
نور زمین، نور زمان، سایه نور  
لحظه شماریم برای قیام  
علم و عمل ریشه باور شود  
با نفس باقریات سرشود  
جای روایات پیمبر شود  
خاک از این معجزه ها سرشود  
سوره والعصر علیک السلام

دست من و برکت آبادی ات  
لطف دعای تو شده مستدام  
مثل علی ابن حسینی توو  
فخر خدا می‌کند از سجده ات  
روی تو شد سجده بیت الحرام  
از پر سجاده سجادی ات  
بر سر ما سایه شمشادی ات  
می‌رسد آوازه آزادی ات  
کاش شوم محرم این وادی ات  
سوره والعصر علیک السلام

چشم تو در کار حسین است و بس      کار تو تکرار حسین است و بس  
 بیرق سنگین تو وقت قیام      دست علمدار حسین است و بس  
 قلب تو انگار گرفتار اوست      هر که گرفتار حسین است و بس  
 پرده گشا دیدن روی شما      لحظه دیدار حسین است و بس  
 رو به دل زینب‌ات صبح و شام      سوره والعصر علیک السلام

## ترک ۰۶ - شعرا

زائر همسفره غم‌ها حسن  
عشق تو آقای کرم‌ها حسن  
روز ظهور تو مهم است چون  
دارد از آن روز حرم‌ها حسن  
می‌رسد آن روز که بینیم باز  
بین بقیع نقش علم‌ها حسن  
روی ضریحی که تماشایی است  
نقش نمایند قلم‌ها حسن  
ای حسنی جلوه و حُسن تمام  
سوره والعصر علیک السلام

جای حرم غربت زهرا که هست  
یک نفر از عترت زهرا که هست  
پیش تو گیریم نداریم جای  
خب قسم حضرت زهرا که هست  
گرچه گره در گره ام نیست غم  
دست شماتریت زهرا که هست  
ما که نباشیم چه غم تو بیا  
دیدن تو قسمت زهرا که هست  
روز تقاص است و تویی انتقام  
سوره والعصر علیک السلام

هیبت تو رفته به مولا علی  
حیدری و وقت تماشا علی  
می‌رسد از هر دو لب ذوالفقار  
لات و هبل را بشکن یا علی  
خاطره رزم علی در نبرد  
مثل تو می‌گشت مهیا علی  
نیست تو را کعبه‌ای الا حسین  
می‌رسی و تیغ دو دم بی نیام  
سوره والعصر علیک السلام



جلوه گر قامت ختمی مأب حضرت خورشید، محمد بتاب  
 خاتم انگشتری خاتمی جذبہ فیروزہ احمد رکاب  
 جاذبہ گنبد خضرا بیا تا بدرد سینہ خود آفتاب  
 ای شرف الشمس پیمبر لیت راز مسلمانی اهل کتاب  
 ذکر سلام و صلواتم مدام سورہ والعصر علیک السلام

ترک ۰۷ - زمزمه<sup>۱</sup>

بیا آفتاب پس ابر تا  
 به حسی همش داره می‌گه بهم  
 تموم شه غروبای دلواپسی  
 یکی از همین جمعه‌ها می‌رسی

یعنی میشه آقا به روز بشنوم  
 آگه اونی باشم که از من می‌خوای  
 که از جمع یارا بکیشون منم  
 خود تو می‌ای واسه دیدنم

به این حس دلتنگی جمعه‌ها  
 دیگه ما کی باشیم تو این معرکه  
 به این دلخوشی راضی عاشقت  
 اگر بهجت و قاضی عاشقت

همین چشمای خیس کم طاقتم  
 چقد را که چشم انتظار پیر شدن  
 نشونه است که حتما ندیدن تو ز  
 چقد را که رفتن ندیدن تو ز

خودم می‌دونم با گناهام چقدر  
 خدا می‌دونه تو همین کوچه‌ها  
 همیشه توی زحمت انداختمت  
 چقد دیدمت اما نشناختمت

یه روزایی توی همین آب و خاک  
 می‌گن که همین بیست سی سال پیش  
 شنیدم علی اکبرا دیدنت  
 یه عده توی سنگرا دیدنت

۱. با نوای: کربلایی سید مجید بنی فاطمه

### ترک ۰۸ - سرود

منجی عالم شاه مکرم ابصالح بقیة الله الاعظم  
ای گل نرگس بهشت خرم ابصالح بقیة الله الاعظم  
یا مهدی

ای که به عیسای نبی روح سلامی ای که کلیم الله را روح کلامی  
نیمه ماه شعبان ماه تمامی خوشا به حال ما که ما را تو امامی  
من برگ زردم سرتا پا دردم  
کجایی تا خودم پیام دورت بگردم  
یا مهدی

یه عمریه به عشق روی تو اسیرم تویی امیرم بخدا تویی امیرم  
خدا می دونه به همین امید زندم که تویی ای و در رکاب تو بمیرم  
تو جاودانی سرنهانی  
تو حضرت مهدی صاحب الزمانی  
یا مهدی

ترک ۰۹ - سرود<sup>۱</sup>

ای ولی عصر امام زمان ای سبب خلقت کون و مکان  
 ای گل زهرا کجایی سرور من کی میایی  
 یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

همه عالم صفا گرفت به صفای نگاه تو  
 بوده است و بود هنوز چشم عالم به راه تو  
 شادی دل های پراز غم تویی منجی عالم گل عالم تویی  
 پرچم پیغمبری تو ذوالفقار حیدری تو  
 یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

چه شود ای عزیز من جان به جسم جهان دهی  
 به گدای همیشه ات خیمه ات را نشان دهی  
 عشق تو آقا به سرشت من است خیمه سبز تو بهشت من است  
 با تو چیزی کم ندارم تا تو هستی غم ندارم  
 یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

۱. با نوای: حاج احمد واعظی

همه دنیا فنا شود      گر نباشد حضور تو  
 تو دعا کن که زود بیاد      روز خوب ظهور تو  
 بی تو بود کار دو عالم فلج      الهی عجل لولیک الفرج  
 تو دعا کن چون بگیرم      در رکاب تو بمیرم  
 یابن الحسن گل نرگس بیا بیا

ترک ۱۰ - سرود<sup>۱</sup>

بازم زیر بارونم قدم قدم می خونم تو لیلی من مجنونم مجنونم  
 عجب شبی حالا که قصه به پایان می رسه  
 عجب شبی داره یوسفم به کنعان می رسه  
 عجب شبی یار من نیمه شعبان می رسه  
 دوریم از هم ولی آقا تو دلم یاد تو سبزه  
 آبی آسمونی هم واسه میلاد تو سبزه  
 امشب به سوی تو دل من داره پر می کشه  
 «پیمونه رو میخواد به دفعه بره سر بکشه»<sup>۲</sup>

بهار دل‌ها مهدی امید زهرا مهدی شعار ما یا مهدی یا مهدی  
 آقا بیا همه جهان در انتظارته  
 آقا بیا شیعه تو رکاب ذوالفقارته<sup>۳</sup>  
 آقا بیا زینبیه خیلی بی قرارته  
 آقا جون روز ظهورت روز جشن عالمینه  
 علم سرخ قیامت یا ثنارات الحسینه  
 شمشیر حیدر تو باید توی دست بگیری  
 برگرد تا حق مادرت دیگه پس بگیری

۱. با نوای: حاج محمد رضا طاهری

۲. نباید مضامینی چون «مستی با پیمان» را در شعر به صورتی آورد که مفهوم دنیایی آن به ذهن متبادر شود.

۳. بین رکاب و ذوالفقار چه نسبتی وجود دارد؟

حکم تواز قرآنه ولایت میزانه عدالت طوفانه طوفانه  
 به خاطر دلای پر شور و وا همه بیا  
 به خاطر دعای هر شب فاطمه بیا  
 به خاطر ماه بی افول علقمه بیا  
 بیا از کنار کعبه انقلابت بیا کن  
 با انا بقية الله یاورانث صدا کن  
 آماده جهاد میتونی ببینی ماهار  
 از جمکران به کرب و بلا برسون دلار

ترک ۱۱ - سرود<sup>۱</sup>

شب شب قدره قدر خودت بدون  
 شب نمازه نماز بارون بخون<sup>۲</sup>  
 دنیا که پیره ولی تو جوون بمون  
 آهای جوون آهای جوون  
 یوسف زهرا که سحر دم اذن میاد  
 ابرای نور و رحمتش تو آسمون میاد  
 چتر گناهت ببند داره بارون میاد  
 میاد یه روزی اونی که دلاژ بهاری کرده  
 میاد به همراهش اونی که نشون داد که خیلی مرده

دوباره آسمون پراز ستاره‌ها همیشه  
 رو به زمین در بهشت دوباره وا همیشه  
 تموم روزا یه روزی روز خدا همیشه  
 میاد یه روزی که یه نفر از عشق خبر میاره  
 تو این شب تار دوباره یه خورشید سحر میاره  
 باید که امشب بخونی دعای عشق  
 ایشالله دستت برسه به پای عشق  
 پیچیده عطرش تو حال و هوای عشق  
 خدای عشق خدای عشق

۱. بانوای: حاج محمود کریمی  
 ۲. یکی از بهترین نمونه سرودهای قابل دفاع و دلنشین است که مفهوم انتظار در آن بخوبی بازتابی زیبا و شاعرانه بیان شده است.



یوسف زهرا که میاد دلا آروم میشه  
هرچی به جز رحمت و عشق دیگه حروم میشه  
قصهٔ این شب سیاه دیگه تموم میشه  
میاد یه روزی که دیگه غمامون خاطره میشه  
یه روز میاد که دوباره زمین خوش منظره میشه  
ای آرزوی دل عاشقا بیا کبوتر خوش خبر خدا بیا  
آسمون امشب میخونه بیا بیا آقا بیا آقا بیا

ترک ۱۲ - سرود<sup>۱</sup>

دیده به راهم از آسمون منتظرم خبر بیاد  
 می خواد به ماه مهریون از دل ابرا در بیاد  
 میاد ذخیره خدا آقا آقا پناه همه عاشقا آقا آقا  
 آیه‌های جاء الحق رُ روی شونش بیا ببین  
 خال زیبای سیاهی رو گونه اش بیا ببین  
 نسیم عاشقی وزیده دلم صدای پاشنیده پسر فاطمه رسیده  
 اباصالح آقام ای آقام

آرزومه بینمت ای آخرین نور خدا  
 کنار تو با تو باشم یه شب تو صحن کربلا  
 تویی که صاحب منی آقا آقا تو یار غائب منی آقا آقا  
 تو همونی که دلار می‌بری با یه اشاره  
 منم اونوی که یه عمره برای تویی قراره  
 عاشقونه برات می خونم منتظر شما می مونم بیای به پات خون بریزم  
 اباصالح آقام ای آقام

به عشق طاووس اهل بیت بهشت کردن چراغون  
 برای مهدی فاطمه ملائکه مدیحه خون  
 نغمه همه لب آقا آقا قرار همه دلا آقا آقا  
 دلای ما زبون ما برای تو غزل خونه  
 مهربونیت منو سوی خیمه تو میکشونه  
 آیه نور تو یا علی ذکر ظهور تو یا علی نغمه شور تو یا علی  
 علی علی علی یا علی

ترک ۱۳ - سرود<sup>۱</sup>

شب داره به سرمیشه نوبت سحر میشه  
 از تن همه یک روز خستگی به در میشه  
 یه روزی میشه دوا تموم دردای ما  
 یک شب جمعه میریم با آقامون کربلا  
 اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من

تو دلا صفا میاد بوی آشنا میاد  
 یک غروب جمعه‌ای خنده رو لبها میاد  
 ساحل دریا میاد خوشی دلها میاد  
 گریه نکن آسمون یه روزی آقا میاد  
 اللهم کن لولیک حجت ابن الحسن خبر پیچیده تو آسمونا داره میاد آقای من

شرغصه کم میشه قد کینه خم میشه  
 آخرش امام حسن صاحب حرم میشه  
 یوسف گمگشتمون می‌رسه از آسمون  
 یه روزی پیدا میشه یه تربت بی نشون

۱. با نوای: حاج سید مهدی میرداماد

### ترک ۱۴ - سرود<sup>۱</sup>

عمریه هر جمعه آقا عاشق تو چشم به راهه  
 یا که تو هر روز و هر شب کشته یک نیم نگاهه  
 دل سرگردون شده باز حیرون از فرقت  
 با چش گریون می گیره مجنون باز سراغت  
 آقا عاشقت شده بی قرار آقا می خونه شب انتظار  
 آقا بیا آقا بیا

از قدم پاک مهدی آسمونم غرق نوره  
 حسی بهم میگه دنیا منتظره یک ظهوره  
 آخرین خورشید شمیمت پیچید کی میایی  
 با دوریت ساختم خودمو باختم کی میایی  
 آقا انیس خواب و رویاهام آقا کی میشه پابوسی بیام  
 آقا بیا آقا بیا

عهدم اینه با تو آقا تا دعای عهد می خونم  
 جون می گیرم با نگاهت منتظر تو می مونم  
 بیا آقا جون به ما امشب تو یک نظر کن  
 بیا با ما تا حرم ارباب یک سفر کن  
 آقا زائر حرم حسین آقا وارث علم حسین  
 آقا بیا آقا بیا

ترک ۱۵ - سرود<sup>۱</sup>

با ذوالفقار حیدر با هیبت پیغمبر بیا به پا کن محشر بیا بیا  
 دلم می‌گیره آقا به غم اسیره آقا بیا که دیره آقا بیا بیا  
 تویی تو شمس الضحی قسم به خون خدا  
 می شه یه روز مرکز حکومت کربلا  
 العجل العجل ای غریب جمکران  
 ای امام عاشقان صاحب الزمان

به زیرطاق نصرت شده دعای شیعت تموم شه کاش این غیبت بیا بیا  
 نباشی تا وقتی که جهان ما تاریکه ظهور تو نزدیکه بیا بیا

...

العجل العجل ای غریب جمکران  
 ای امام عاشقان صاحب الزمان

دعای ندبه بر لب به یادتم من هر شب بیا به حق زینب بیا بیا  
 میای میشه پیدا با دستای تو مولا مدینه قبرزهره بیا بیا  
 کاری ندارم به این که دشمنت چی می‌گه  
 آگه بیاد کربلا حلالِ خونش دیگه  
 العجل العجل ای غریب جمکران  
 ای امام عاشقان صاحب الزمان

۱. بانوای: حاج عبدالرضا هلالی

### ترک ۱۶ - سرود<sup>۱</sup>

اشک شوق تو چشای پرستاره ام تو شبی که غرق شور و انتظارم  
 میارم سبد سبد گلای نرگس می نویسم رو همه ش دوست دارم  
 آگه برگردی لیلی مجنون میشه آگه برگردی لبا خندون میشه  
 آگه برگردی همه شهرمون پیش پای تو آینه بندون میشه  
 ای که روشنای شام انتظاری  
 وقتی برمی گردی علم عموت داری

روز میلاد تو روز عشق دنیااست اومدی تو دلامون چه شوری بریاست  
 می ریزم پای تو پولک ستاره شادتراز همه بی بی حضرت زهراست  
 آگه برگردی گره‌ها وا میشه آگه برگردی دنیا زیبا میشه  
 آگه برگردی تربت مخفیه مادرت زهرا دیگه پیدا میشه  
 عشق مادری تو روح کوثری تو  
 دوست دارم ببینم هیبت حیدریت

برا کل انبیا هم نور عینی وارث تیغ یل بدر و حنینی  
 بنازم به بازوی حیدری تو چون فقط تو طالب خون حسینی  
 آگه برگردی پا به غم می زنی آگه برگردی یه حرم می زنی  
 آگه برگردی با دم یا علی بالای کعبه یه علم می زنی  
 من هستم غلام و توهستی امیرم  
 کاش روز ظهورت رکاب تو رو بگیرم

۱. با نوای حاج سیدمجید بنی فاطمه

ترک ۱۷ - سرود<sup>۱</sup>

دلمون شاده خونمون آباده  
 خدا به ما یاوری غیره تو نداده  
 ای که قدمات رنگ خنده‌هاست مژده فصل گرماست  
 وقتی که از راه می‌رسی آخر عمر سرماست  
 هیچکی مته تو به خدا هومون نداره  
 تا تو دعامون می‌کنی هر روزمون بهاره  
 نگاه مهربونت صد تا مسیح نداره  
 منتظره اومدنته شبای بی ستاره  
 به خدا آقا بدون تو دنیا دنیا نمی‌شه  
 تا نباشی تو درد دل خسته دوا نمی‌شه  
 بعد هزار سال هنوزم وقتی می‌ای جوونی  
 ما هرچی ام عوض بشیم تو هر دفعه همونی  
 بازم پا در میونی کن آشتی بده دلارو  
 وقتشه از راه برسی نگاه کن آدمار  
 یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس



ای کس و کارم مونس و غمخوارم  
 جز تو نداره دلخوشی این دل بیچارم  
 وقتی بیای جوون میشه دل تموم دنیا  
 زمین دل مرده میشه مثل بهشت به مولا  
 وقتی تو از راه می‌رسی غصه و غم می‌میره  
 کوچه به کوچه شهرمون بوی خدا می‌گیره  
 تا نباشی تو روزای ما آقا شبای تاره  
 از همه دنیا هرروز و شب بی تو غصه می‌باره  
 قیامتی به پا شده میون قلب تنگم  
 تمام آرزوم اینه برای تو بجنگم  
 من که آقا یه عمریه میگیرم از تو روزی  
 ایشالله تو رکاب تو شهید بشم یه روزی  
 یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

الهی بشه قسمت منم کنار تو بشینم  
 آرزومه که لحظه ظهورت ببینم  
 تویی خورشیدم تموم امیدم  
 موی سرم سفید شد و خوابتم ندیدم  
 بیا بده نجاتم از مردم این زمونه  
 اسیربی کسی شده این دل پر بهونه  
 بیا برا امام حسن با هم حرم بسازیم  
 پیش تموم دشمننا فقط به تو بنازیم  
 ای گل زهرا تا تو نیای آقا همینه دنیا  
 یا عزیزالله متی ترانا و نراک مولا  
 یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

وقتی به دنیا برسی همه روزا بهاره  
دشنه دستات به خدا شمشیر ذوالفقاره  
تکیه به کعبه بزن و کوری چشم دشمن  
مثل علی مرتضی همه بتا ز بشکن  
یا اباصالح مولا اباصالح مولا اباصالح ای گل نرگس

### ترک ۱۸ - شورا

فصل بهارانه دنیا گلستانه شب طلوع ماه  
 ذکر لب عالم هم نوا و هم دم یا بقیه الله  
 عاشقا باید مژده بدید جوونه زده یاس امید  
 که می رسه اون صبح سپید ان شاء الله  
 آهای دلای جمکرونی عاشقای صاحب زمونی  
 میاد آقای آسمونی ان شاء الله  
 ای شالله موسم هم عهدی میاد از افق بانگ انا المهدی میاد  
 اباصالح بیا

دیگه ندارم غم خوب این می دونم که روشن این راه  
 هر طپش قلبم هم نوا با عالم یا بقیه الله  
 با نور پیمبر می رسه با شکوه حیدر می رسه  
 با دعای مادر می رسه اباصالح  
 عدالت همراهش میاره تو دست آقام ذوالفقاره  
 هیبت ابالفضلی داره اباصالح  
 میاد آقا سوی بین الحرمین با شعار یا الثارات الحسین

ترک ۱۹ - شور<sup>۱</sup>

من و هر جمعه ندبه و یارم    اینه تنها سفارشت امشب<sup>۲</sup>  
و علیکم بعمی العباس و علیکم بعمتی زینب  
کاش جشن ظهور تو زود تر به پاشه  
«پایتخت دولتت کربلاشه»<sup>۳</sup>  
معلوم نیس که تو بیای من زنده باشم  
کاش پا رکاب تو رزمنده باشم  
آقا بیا آقا بیا آقا جان

...

یکم از عاشقی سرم میشه    با تو دنیا پراز کرم میشه  
سامرا و بقیع می سازیم مادرت صاحب حرم میشه  
می خونم دعای عهد هر روز با گریه  
ای منتقم بیا جان رقیه  
می بری روز ظهور از دل تو غم رُ  
سید علی میده دستت علم رُ  
آقا بیا آقا بیا آقا جان

۱. با نوای: حاج محمد رضا طاهری

۲. با حذف یک بند

۳. این مضمون خلاف روایات است.

بخش نهم؛  
سبک‌های پاس‌بود

ترک ۰۱ - سرود امام حسین<sup>۱</sup>

بارا ز ببندید می‌خوایم بریم کربلا  
 بشینیم روبرو ضریح و گنبد طلا  
 خدا ز شکر دلا آماده و مبتلا  
 شب شادیه و مقصد ما کربلا  
 کربلا کربلا ما داریم میاییم

هرکی از دوری کربلا گشته خسته  
 دوتا گنبد طلا منتظرش نشسته  
 هرکی به سرداره شور حسین بسم الله  
 هرکی می‌خواد یه بین الحرمین بسم الله  
 کربلا کربلا ما داریم میاییم

### ترک ۰۲ - سرود میلاد امام حسین<sup>۱</sup>

دلم بی قراره توی سینه می خواد پر بگیره تا مدینه  
 بره یک سری خونه مولا به اون جایی که عرش برینه  
 خوابیده رو دستای مولا گل زهرا سید و سالار دو دنیا گل زهرا  
 برات آزادی زُ امشب گل زهرا عیدی میده خدای اعلی گل زهرا  
 رسیده همونکه نورعینه حسینه  
 همونکه چراغ مشرقینه حسینه  
 همونکه فداییاش زیاده حسینه  
 حریمش پناه عالمینه حسینه  
 به دام زلف تو اسیرم گل زهرا دست به دامنتم می گیرم گل زهرا  
 وقتی همه می گیم حسین جان گل زهرا زهرا می گه براش بمیرم گل زهرا  
 حسین یا بن الزهرا

کرم عادت خوی حسینه دو چشمم فقط سوی حسینه  
 بهشت آرزوی دلم نیست بهشتم فقط روی حسینه  
 نوکر ارباب کریمم گل زهرا عاشق تو من از قدیمم گل زهرا  
 نوکریه تو زُ آقا جون گل زهرا به شاهی جهون نمی دم گل زهرا  
 تویی زینت دوش پیامبر حسین جان  
 تویی کوثر ساقی کوثر حسین جان

شده جبرئیل لالایی خونت حسین جان  
 تو محشر کنی تو روز محشر حسین جان  
 دل به ضریحت گره خورده گل زهرا کربلات دلم رو برده گل زهرا  
 من چی دارم بگم آقا جون گل زهرا داری یه دنیا کشته مرده گل زهرا  
 حسین یابن الزهرا



### ترک ۰۳ - سرود حضرت سجاد<sup>۱</sup>

توی آسمونا لحظه رویاییه نوه فاطمه چقد تماشاییه<sup>۲</sup>  
 فرشته‌های آسمون اومدن تو دنیا  
 همه می‌گن مبارکه‌ای عروس زهرا  
 امشب بیت حسین بن علی شد مثل مهتاب  
 اومد تولد گل پسر حضرت ارباب  
 علی بن الحسین

...

با دست بسته هم آقا تو بازم امیری برام تواز بابات می‌شه کربلا بگیری  
 ای وای بیچاره اون دلی که از چشم تو افتاد  
 ذکرم یا سیدی یا سیدی حضرت سجاد  
 علی بن الحسین

۱. حسین خدایاری  
 ۲. با حذف یک بیت

### ترک ۰۴ - شور ولادت امام سجاده

فرشته باز حیرون شده ستاره سرگردون شده چشاپراز بارون شده شب مراده  
 امام سوم شاده و می ریزه امشب باده و<sup>۲</sup> رولبها یا سجاده و زین العباده  
 مدینه پرشد از پرفرشته ها

می ریزه «برف شادی<sup>۳</sup>» رو سرفرشته ها  
 امام چهارم دنیا رسیده نوه خونه زهرا رسیده  
 برای ساجدین آقا رسیده  
 ای شیعه اومد دلدار و شفیع پرزد دلامون تا بام بقیع

بازم به سرمستی زده میون صحن میکده علی اوسط اومده برای ارباب  
 محبتش مال منه روزی هرسال منه همیشه دنبال منه دعای ارباب  
 از آسمون بازم «سینجلی<sup>۴</sup>» اومد  
 تو خونه ارباب حسین دوم علی اومد  
 همه سرامون زیر قدماش دعامون می کنه توی ریناش  
 نیاز دل ماس اذن کربلاش  
 فخر هممون تو هر زمونه این که مادرش اهل ایرونه

نجاتمون دست علی حیاتمون دست علی ماماتمون دست علی شعار شیعه س

۱. علی جباری
۲. نباید در شعر ولایی از واژه های باده و مستی با مفاهیم دنیایی آن بهره برد.
۳. تعبیر ناشایست و بسیار سخیفی است.
۴. تعبیر مبهم است

تو کور سوی این دنیا به عشق شاه لاقتی نجف تو ایوون طلا قرار شیعه س  
 رمز بهشت ماس تو عرصه محشر  
 دخیلک یا سیدی ابوتراب حیدر  
 شده ذکر لبم والی الولی همه جا می خونم با صوت جلی  
 میشه دنیا بهشت با اسم علی  
 امشب مدینه غرق شعفه با اسم علی انگار نجفه

ترک ۰۵ - سرود میلاد حضرت علی اکبر<sup>۱</sup>

جانم این علی اکبره یا جوونی خود پیمبره  
 جانم این علی اکبره یا جوونی علی حیدره  
 به نبی ثمر به علی گهر به حسن جگر به حسین پسر  
 چه نجابتی چه اصلتی  
 علیا اسدالله علیا اذن الله  
 علی اکبرارباب علی نه! ولی الله

جانم این یم فاطمیه همه میگن که دُر سرمدیه  
 جانم این یل هاشمیه همه میگن که گل احمدیه  
 به ملک مطاع به خدا مطیع به مرض شفا به جزا شفیع  
 به چه بندگی و اطاعتی  
 علیا عین الله علیا وجه الله  
 علی اکبرارباب علی نه! ولی الله

### ترک ۰۶ - سرود میلاد حضرت علی اکبر<sup>۱</sup>

قلب منه شیدا شده بیچاره ش    یوسف شده درمونده و آواره ش<sup>۲</sup>  
 به جز عرشیا و اهالیه بالا    زهرا رو ببینید پای گهوارهش  
 مثل عباس برای حسین کاشف مشکله  
 حیدره یا که پیغمبره یا ابوفاضله  
 می مونه روی ماهش مثل وجه الله  
 می خونه بر اش قل هو الله تارالله  
 یا علی اکبر علی اکبر لیلیا

مردن برا غیر تو برام ننگه    قلم با محبتت هماهنگه  
 همینکه برسه پات وسط میدون    انگار خود حیدر داره می جنگه  
 این علیه یا پیغمبره    تو سپاه هممه است  
 نقش بازوش مته مرتضی    الدخیل فاطمه است  
 نیازی به شمشیر و نیزه نداره  
 آخه هریه تار ابروش ذوالفقاره  
 یا علی اکبر علی اکبر لیلیا

ترک ۰۷ - سرود میلاد حضرت علی اکبر<sup>۱</sup>

مست و خرابم بده باده نابم برای نوکری تو کردی انتخابم  
 حسین زهرا مبارکه دلت شاد امشب علی اکبر و خدا بهت داد  
 چشمامون پره کوثر تا اومد شده محشر  
 شد ذکر بیت ارباب یا مولا علی اکبر  
 دین و دنیایی آقای مایی توشهزاده کربلایی  
 یا علی اکبر مدد

تو عرش اعلیٰ به مادر تولیلا می‌گن مبارکت باشه عروس زهرا  
 شبه پیمبر عجب تو دلربایی موذن قافله کربلایی  
 قنداقت بوسه بارون رو دستای عموجون  
 خال کنج لب تو شد جای سجده هامون  
 ای ماه هر شب ای محمل داره عمه زینب

### ترک ۰۸ - سرود نیمه شعبان<sup>۱</sup>

ساقی بده تو جامی که از ره رسیده یارم  
 مطربا بزن باز دف و نی<sup>۲</sup> اومده دلدارم  
 اومد پناه هر مشکلی وارث تیغ مولا علی  
 ساقی بده یک جرعه ساغراز می مولا  
 گل نغمه شادی رو «بشنواز نی<sup>۳</sup>» زهرا  
 صدای بلبل اومد از آسمون گل اومد مژده بدید به عالم که مصلح کل اومد  
 یابن الحسن یا مهدی

دوباره بانگ جاء الحق شد از فلک نازل  
 از قدم ابا صالح دین حق شده کامل  
 تویی تموم امید ما تویی خلاصه انبیاء  
 این نوکر حلقه به گوش امیر دلهاست  
 امشب شب حاجت گرفتن از بی بی زهراست  
 امشب ندایی اومد نور خدایی اومد از ذریه زهرا مشکل گشایی اومد  
 یابن الحسن یا مهدی

۱. سید مجید هاشمی (بابل)
۲. کاربرد واژه‌های مطرب، دف و نی در اشعار آئینی، ناشایست و غیرقابل دفاع است؛ چون نمی‌توان برای آن توجیه محتوایی و عرفانی یافت.
۳. تعبیر ناشایست و بسیار سخیفی است.

ای جمالت بهشت جهان مولا ابوالصالح  
روی گلت شد از من نهران مولا ابوالصالح  
ملائکه تو عرش خدا می خونن ابوالصالح بیا  
عالم شده پرنور ز نور حضرت مهدی  
نزدیک بود روز ظهور حضرت مهدی  
زیادت مست مستم بده جامی به دستم  
که در پایت بریزم تمام بود و هستم  
یا بن الحسن یا مهدی



### ترک ۰۹ - سرود ولادت امام زمان<sup>۱</sup>

اسمت رو دلم مثل یک قاب طلاکوبه  
 اسمت که میاد همه جا یکسره آشوبه  
 عطر حضور تو تو عالمین شد حس  
 اومد گل نرگس  
 آقام اباصالح

دنیا تاریکه بدون تو مثل سایه  
 یادت روز و شب تو دلم آیه به آیه  
 فقط با این باور خوشم تو این دنیا  
 دوست دارم آقا  
 آقام اباصالح

ترک ۱۰ - سرود میلاد امام زمان<sup>۱</sup>

امید خلق بشر مهدی اوامده  
 از پشت ابر سیاه خورشید سرزده  
 گدا بازم امشب خونشو در زده  
 مهدی اوامده  
 ماه شب چارده امشب جلوه می‌کنه  
 غارت دلامون با این شیوه می‌کنه<sup>۲</sup>  
 دل از دوری اون داره شکوه می‌کنه  
 صاحب عصر و زمونه عشق هر پیرو جوونه  
 هر کی دیده شد گرفتار خال هاشمی رو گونه<sup>۳</sup>  
 گل نرگس بیا

دوباره باز ستاره چشمک می‌زنه  
 دلا برا دیدنش باز لک می‌زنه  
 خدا به آفرینش یه نمک می‌زنه<sup>۴</sup>  
 عشق فاطمه‌ست منجی همه‌ست  
 شاید سر برسه امشب این اشک و دعا  
 بیاد آقامون و یاریش کنن عاشقا

۱. محمد جواد حیدری

۲. بیان سخیف و کژتابانه‌ای است.

۳. بیان مبهم و متکلفانه‌ای است!

۴. بیان سخیف و مبهمی است!

بعدش با هم یک سری بریم کربلا  
دیدن عرش خدامون به زیارت آقامون  
می رسه به اذن آقا به گوش عالم صدامون  
گل نرگس بیا

ترک ۱۱ - سرود میلاد امام زمان<sup>۱</sup>

سپیده تو آسمون دمیده      رسیده به زهرا نور دیده  
 به غیر از پیمبر و عزیزش      دیگه هیچ کی همتاش ندیده  
 خیره شده چشای دنیا ابا صالح      به مقدم عزیز مولا ابا صالح  
 ملائکه همه می خونن ابا صالح      تهنیت ای حضرت زهرا ابا صالح  
 اومد آخرین جلوه سرمد آقا جان      برا عالمین رهبر اومد آقا جان  
 بگیر دستات بالا بگو تو آقا جان      اومد یوسف آل محمد آقا جان  
 سامره غرق توی نور ابا صالح      سور و بساط شادی جور ابا صالح<sup>۲</sup>  
 به دور گهواره آقا ابا صالح      پر شده از پری و حور ابا صالح  
 مدد ای گل نرگس

شب قدر شب نزول قرآن      شب وصل شب قدیم الاحسان  
 چه امشب شده نور علی نور      سه شنبه شب و نیمه شعبان  
 تو نیمه ماه پیمبر ابا صالح      هی می زنم به این در و اون در ابا صالح  
 آی گداها بیایید که امشب ابا صالح      عیدی می ده ساقی کوثر ابا صالح  
 تموم شد دیگه چشم انتظار آقا جان      شده چشمای پدر بهاری آقا جان  
 جاء الحق «رو بازو هات نوشتن»<sup>۳</sup> آقا جان      یعنی توز نسل ذوالفقاری آقا جان  
 مایه آرامش هستی ابا صالح      تو قلب و جون من نشستی ابا صالح

۱. منصور عرب

۲. بیان سخیف و ناشایستی است!

۳. بیان سخیف و ناشایستی است!

نمی‌دونم چه جوری «دادم اباصالح» به تو دلم رو دستی دستی «ابا صالح  
مدد ای گل نرگس

به نرگس به باباش نور عینه      اومد اونکه روح عالمینه  
اومد اونیکه یه روز به دستش      بلند پرچم سرخ حسینیه  
ای آخرین نشون خالق ابا صالح      زمزمه‌های دل عاشق ابا صالح  
خادمی محضرت آقا ابا صالح      شد آرزوی دل صادق ابا صالح  
تو خوب می‌دونی باغ و بهارم آقا جان  
به جز تو دیگه یاری ندارم آقا جان  
دعام اینه که وقت رفتن آقا جان  
سرم رو روی پاهات بذارم آقا جان  
آرزوی منه تو سینه اباصالح      روز ظهور تو ببینه ابا صالح  
پارکابت پیام آقا جون اباصالح      کرببلا و هم مدینه ابا صالح

ترک ۱۲ - شور میلاد امام زمان<sup>۱</sup>

روشنی هرانجمن ترنم لبهای من  
 چاووش عشاقت اینه بیا بیا یابن الحسن  
 توشاهی و من سائلم فراق تو شد قاتلم  
 تا که من از دست نرفتم بزن یه قفلی رو دلم  
 نگیری از من نگاهت سند زدم دلو برا تو  
 خاک پاهاتم آقا جون نگاه بکن زیر پاٹ  
 نیست امیدی به فردامون دستی بکش رو دلامون  
 چی میشه من برا تو باشم تو هم دعا کنی برامون  
 گل نرگس گل نرگس بیا بیا بیا بیا

محبت شما هستمه کلید جنت دستمه  
 حاجت دنیایی نمی خوام نگاه کنی آقا بسمه  
 غم تو دلم راه نداره دلم تو دست نگاره  
 تا وقتی من با تو هستم تموم فصلام بهاره  
 به کل شاهان سروری برای دلبرا دلبری  
 شهره عشقت ارثیه چون که تو وارث حیدری  
 دوستت دارم آقا خدایی قرار قلب شیعه هایی  
 برای عشاق عباس برات کربلایی  
 گل نرگس گل نرگس بیا بیا بیا بیا

### ترک ۱۳ - شهور میلاد امام زمان<sup>۱</sup>

می‌کنم از امشب بوی خدا رو حس  
 پیچیده تو عالم بوی گل نرگس  
 به عمره که این دل دنبال اربابه  
 عکس رخ مهدی توی دلم قابه  
 آی مردم زمان هم عهدی اومده  
 دلها رو فرق کنید مهدی اومده  
 درب دلها سمت خدا بازه بازه  
 هرکی توی دنیا به یکی می‌نازه  
 قبله قلب ما فارس الحجازه  
 سیدی یا مولا

روی هلال ماه عکس رخ یاره  
 جمعه‌ها هر هفته بی تو برام تاره  
 فاتح دلها و ناجی دنیایی  
 تو آخرین نور حضرت زهرایی  
 از شوق وصال تو در تاب و تبم  
 تا سحر ذکر یا مهدی رو لبم  
 قد و بالات مثل ساقی آب آور  
 روی ماهت رفته به جمال مادر

نقش بازوبندت مددی یا حیدر  
سیدی یا مولا

بسیجیم و وقت فتنه‌ها بیداریم  
اهل نجاتیم تا سید علی داریم  
ولایتش بر ما معنی ایمانه  
بصیرتش تنها حافظ ایرانه  
اونی که عشقش تو هر سینه ایه  
نایب برحقش خامنه ایه  
مهدی که وارثه فاتح خیبره  
دست حمایتش پشت این کشوره  
پرچمش میون دستای رهبره  
سیدی یا مولا



### ترک ۱۴ - شور امیرالمومنین<sup>۱</sup>

پرمی‌گیره دل من دوباره امشب تا علی  
 تکیه گاه دل ما همیشه و هرجا علی  
 هر کسی که می‌خواد با فاطمه هم نفس بشه  
 صد و ده مرتبه باید بخونه هو یا علی  
 ای بانی شور و شعف ادرکنی یا شاه نجف  
 صفدر تویی حیدر تویی فرمانده خیبر تویی  
 روحی لک الفدا یا حیدر یا مولا

به هوای تو دلم شده اسیر «شور و شین»<sup>۲</sup>  
 تو دعام کردی که باشم بلاگردون حسین  
 آرزومه که به روز از دم ایوون نجف  
 آقا جون راهی بشم به سمت بین الحرمین  
 این خانه را در می‌زنم تا کربلا پرمی‌زنم  
 من در پی ره توشه ام دل بسته شش گوشه ام  
 روحی لک الفدا یا حیدر یا مولا

همه دار و ندارم شور و احساس توئه  
 تموم دنیا پراز عطرگل یاسه توئه

۱. اسماعیل شیرزنگ

۲. این واژه به خلاف باور همگان، مفهوم قابل دفاعی ندارد.

سفره دار همه عالم و آدم یا علی  
 نمک سفره ما برکت عباس توئه  
 دنیا علی عقبی علی      ذکر لب سقا علی  
 امشب دلم مثل همه      پر می کشه تا علقمه  
 روحی لک الفدا      یا حیدر یا مولا

## منابع

۱. قرآن.
۲. دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، قاهره، ۱۳۸۳ق.
۳. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۹ش.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵. اسد الغابه، ابن اثیر، بیروت - لبنان، ۱۲۸۰ق.
۶. ینابیع الموده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، قم، بصیرتی، ۱۳۰۸ق.
۷. الغیبه النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، چاپ مکتبه الصدوق تهران، ۱۳۹۷ هجری.
۸. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دار الاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶.
۹. طبقات کبری، محمد بن سعد، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. کشف الغمه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی ارپلی، کتابچی حقیقت، ۱۳۸۱ش.
۱۱. زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، شهیدی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. صفة الصفوة، ابن جوزی، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۱۳. حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ۴ و ۵ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر طبری، سال سوم بعد از هجرت.
۱۵. مناقب، ابن شهر آشوب، نجف - قم، ۱۳۷۶ق.
۱۶. مقاتل الطالبین، ابن هیثم، قم، ۱۹۶ق.
۱۷. ترجمه (العباس)، علامه مقرر، نجف - قم.
۱۸. کامل الزیارت، ابن قولویه، نجف - تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. سرالسلسله العلویه، بخاری، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۸۹.
۲۰. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی، قم، ۱۳۷۵.

٢١. أعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و أمّ على مشكور، انتشارات: اسوه، قم، ١٤١١ ق.
٢٢. فرسان الهيجاء، ذبيح الله محلاتي، تهران، ١٣٨٩.
٢٣. ترجمة الحسين، ابن عساكر، مؤسسة المحمودى للطباعة و النشر، بيروت، ١٣٩٨ ق.
٢٤. منتهى الامال، شيخ عباس قمى، بى جا، مطبوعاتى حسيني، ١٣٧٠ ش.
٢٥. وقعة الطف، ابى مخنف، معاونت امور فرهنگى مجمع جهانى اهل بيت، ١٤٢٧ ق.
٢٦. تاريخ الامم و الملوك، طبرى، ناشر: اساطير، ١٣٩٠.

## محصولات تولیدی

ردیف	نام کتاب	موضوع
۱	بهشت خاکی - باران غربت	شوال
۲	امام مهربانی - سلسله عاشقی - مهربانترین پناه	ذی القعدة
۳	بهار ولایت - حرای غدیر - همای غدیر	ذی الحجه
۴	آتش عشق - الظلمه - نوحوا علی الحسین	محرم
۵	صفرنامه - منبر اشک - حماسه وارثین	صفر
۶	خورشید عالمتاب - ربیع الايام - طلوع رحمت	ربیع الاول و ربیع الثاني
۷	یاس کبود - یاس کبود ۲ - یاس کبود ۳	ميلاد حضرت زینب <small>علیها السلام</small> ایام فاطمیه
۸	مادر آسمانی - بانوی باران - مادرانه	ميلاد حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> وفات حضرت ام البنین <small>علیها السلام</small>
۹	عطر بهشت - صراط الجنه - منظومه علوی	رجب
۱۰	نور علی نور - فصل وصل	شعبان
۱۱	هلال نیایش - شبهای بی قراری	رمضان
۱۲	جزوه آموزشی دستگاههای آواز	—
۱۳	جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی	—
۱۴	دفتر اول شعر نوجوانان	سطح ۱ آموزش مداحی نوجوانان
۱۵	تاملی در اصول و فنون مداحی و نحوه خوانی	سلسله مباحث اصول و فنون مداحی
۱۶	روش اجرای اقسام مجالس مداحی	سلسله مباحث اصول و فنون مداحی

## سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول - دوره عمومی

- این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.
- مواد درسی بخش اول - دروس مهارتی - عبارت است از:
۱. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه‌های آواز سنتی.
  ۲. آموزش روش انتخاب شعر و سبک‌گذاری بر مبنای دستگاه‌های آواز سنتی.
  ۳. آموزش روخوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
  ۴. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
  ۵. اصول و فنون مداحی (خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع سازمان بسیج مداحان).

و اما مواد درسی بخش دوم - تربیت و معرفت دینی - عبارت است از:

۱. احکام عمومی. (خلاصه رساله امام خمینی علیه السلام)
  ۲. احکام تخصصی (هیأت). (استخراج از رساله مراجع عظام)
  ۳. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی. (خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)
- و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:
۱. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
  ۲. کارکردهای هیأت مذهبی
  ۳. هیأت و وظایف مهم آن
  ۴. عبرتهای نهضت حسینی
  ۵. هیأت و آسیبها
  ۶. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

## سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم - دوره متوسطه

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول - دروس مهارتی - عبارت است از:

۱. آموزش دستگاه های آواز
۲. آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن آموخته های سبکی در دستگاه های آواز
۳. آموزش ادعیه و زیارات؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
۴. آموزش سبک های مجلسی سنتی
۵. آموزش روش تهیه مجلس دهه محرم شبهای اول تا پنجم

و اما مواد درسی بخش دوم - معرفت دینی - عبارت است از:

۱. قصص انبیاء.
۲. مقتل امام حسین علیه السلام.
۳. تاریخ شهادت معصومین علیهم السلام.
۴. آیین روضه خوانی.
۵. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:

۱. اهداف نهضت عاشورا.
۲. عزاداری، سنت یا بدعت.
۳. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
۴. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

## سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم - دوره تکمیلی

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می‌باشد.

مواد درسی بخش اول - دروس عملی - عبارت است از:

۱. آموزش مولودی‌خوانی شامل آموزش شعرخوانی و

سرودخوانی.

۲. آموزش انتخاب شعر مولودی‌خوانی و کاربردی کردن

آموخته‌های سبکی در فصل قبل.

۳. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا

یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

۴. آموزش تهیه مجالس معصومین علیهم‌السلام.

۵. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم - تئوری - عبارت است از:

۱. اخلاق.

۲. آداب دعا و مناجات.

۳. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.

۴. اصول عقاید.

۵. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم - بصیرت مداحی - عبارت است از:

۱. عاشورا و رسالت نخبگان.

۲. حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

۳. امام حسین علیه‌السلام پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

۴. حماسه عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملت‌ها.

جهت تهیه محصولات با شماره ۳۵۹۴۷۷۳۸ تماس حاصل فرمایید.